

ایران زمین



تألیف: جمشید نغماجی کازرونی

THE LAND OF **IRAN**

(BY) Jamshid Naghmachi Kazerooni



به نام هستی بخش دانا

ایران زمین

جلد اول

نویسنده:

جمشید نغماچی کازرونی

نام کتاب: ایران زمین

مؤلف: جمشید نغماچی کازرونی

ویراستار: ج. ن. ک

طرح جلد: ج. ن. ک

عکس و صفحه آرایی: ج. ن. ک

ناشر: ج. ن. ک

چاپ اول: ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: چاپخانه فتاحی

کد: ۸۷/۷۳۰

کلیه حقوق محفوظ است

تهران فیادان جمهوری انتهای کوچه سویزی پلاک 69 صندوق پستی 1733 - 2456

تلفن: 02640044

مؤسسه انتشارات بنفشه



ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

« فهرست »

عنوان	صفحه
دیباچه	۱۲
بخش نخست آفرینش جهان گفتار اول	۱۴
چگونگی پیدایش کره خاکی	۱۴
گفتار دوم	
نخستین ساکنان فلات قاره ایران	۲۷
گفتار سوم	
نظری کوتاه بر جغرافیای ایران باستان	۲۹
بخش دوم	
اعتقادات ایران باستان	۳۴

گفتار اول

نظری اجمالی بر اعتقادات آریاییها قبل از پیدایش آئین زرتشت ۳۴

گفتار دوم

اعتقاد ایرانیان پس از ظهور زرتشت پیامبر ۴۰

گفتار سوم

آغاز خط و کتابت در ایران باستان ۴۲

بخش سوم

اساطیر ایران باستان ۳۷

گفتار اول

اسطوره ۴۷

گفتار دوم

اسطوره ها و باور های ایران باستان ۵۰

گفتار سوم

اسطوره و آئین ۵۶

گفتار چهارم

پهلوانان و جاودانان ایران باستان..... ۵۹

گفتار پنجم

آتش ۷۰

بخش چهارم

چگونگی تشکیل پادشاهی ایران زمین..... ۷۳

گفتار اول

سلسله پیشدادیان..... ۷۴

گفتار دوم

سلسله کیانیان..... ۸۲

بخش پنجم

نخستین پیامبر الهی..... ۹۳

گفتار اول

دین زرتشت..... ۹۳

گفتار دوم

۹۸..... کتاب مقدس اوستا

گفتار سوم

۱۰۲..... اصول دین

بخش ششم

۱۱۶..... تمدن های عهد باستان

گفتار اول

۱۱۶..... فرهنگ و تمدن

گفتار دوم

۱۲۰..... تمدن های بین النهرین و ماورالنهر

۱۲۳..... تمدن جیرفت

۱۲۸..... تمدن سومر

۱۳۲..... تمدن ایلام

۱۳۹..... تمدن آکد

۱۴۰..... تمدن بابل

- ۱۴۲..... تمدن آشور
- ۱۴۴..... تمدن مصر
- ۱۴۹..... تمدن چین
- ۱۵۱..... تمدن هند
- ۱۵۴..... تمدن فنیقیه
- ۱۵۷..... تمدن یونان
- ۱۶۲..... تمدن روم
- بخش هفتم
- ۱۶۶..... از پیدایش مادها تا سقوط ساسانیان
- گفتار اول
- ۱۶۷..... مادها
- گفتار دوم
- ۱۷۰..... هخامنشیان
- ۱۷۶..... صفات و اخلاقیات کورش کبیر
- ۱۸۷..... وصایای کورش کبیر

- وفات کورش کبیر..... ۱۸۹.
- منشور حقوق بشر کورش کبیر..... ۱۹۲.
- داریوش بزرگ..... ۱۹۷.
- خشایار شاه..... ۲۰۴.
- تاریخچه پیدایش مسکوکات..... ۲۰۷.
- گفتار سوم
- سلوکیان..... ۲۱۶.
- گفتار چهارم
- اشکانیان..... ۲۱۹.
- گفتار پنجم
- ساسانیان..... ۲۳۶.
- بخش هشتم
- فرهنگ اساطیری باستان..... ۲۷۶.
- منابع و ماخذ..... ۲۸۷.

دخترم

شیوا



دیباچه

از نوجوانی که به تاریخ علاقمند شدم این آرزو را در دل می پروراندم که دانشمندان علم دیرین شناسی و باستان شناسی و تاریخ نگاران بزرگ و فرزانه پیشینه میهن عزیزمان ایران را به کهن ترین زمان ممکن برسانند و از اصالت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میهن عزیزمان که به هزاران سال پیش از شاهان هخامنشی می رسد، سرشت پاک ایرانیان آریایی نژاد را که در دین و علم و دانش یکه تاز عرصه گیتی در پناه اهورا مزدا هستی بخش دانا ملتی خدا شناس و یکتا پرستانی نیک پندار و نیک گفتار و نیک کردار بوده اند، چنانچه شایسته این ملت و این کشور است قلم فرسایی نمایند، تا اینکه خود به موجب علاقه زیادی که به تاریخ میهن سرفرازمان ایران داشتم به فکر افتادم که با تلاشی مستمر این آرزوی دیرینه را بر آورده سازم بنابراین کتابهای تاریخی بسیاری از دانشمندان بنام خارجی را مطالعه کردم، هر چند در این میان تأسف می خوردم که تاریخ سرزمین مادری مان باید بیگانگان به ما بشناسانند، به هر حال، سعی کردم کتاب ها را خوب بخوانم و مطالب مهم و هماهنگ بین نویسندگان را انطباق داده ارزیابی کنم و آنها را تا حد امکان کوتاه سازم و چکیده آنها یادداشت کنم، در این راستا اسناد و مدارک معتبر و ارزشمندی از ایران قبل از هخامنشیان توسط پژوهشگران و مورخین معروف از کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، آمریکا، هند و ایران وجود دارد که من طی چندین سال آنها را مورد مطالعه و پژوهش قرار دادم و از طرفی تا آنجا که امکان داشت از موزه ها، ابنیه ها و دیگر آثار تاریخی دیدن کردم یادداشت برداشتم، عکس گرفتم و بالاخره موفق شدم تا نتایج تلاش چندین ساله خود را در دو جلد مدون سازم که امیدوارم مورد استفاده و قبول خوانندگان عزیز قرار گیرد. لذا کتاب حاضر به معرفی و بررسی مجمل از

پیدایش کره خاکی تا ظهور انسان نخستین و تکامل او در قرون بسیار و همچنین چگونگی به وجود آمدن میهن عزیزمان که هم اکنون آنرا ایران می نامیم می پردازد.

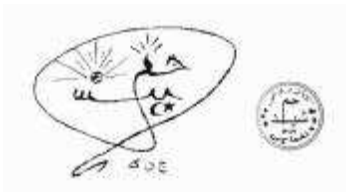
به طور کلی هدف از تهیه و تدوین این کتاب بررسی اجمالی بر چگونگی پیدایش تمدن ها، حکومت ها، سلاطین، قوانین، مذاهب، اسطوره ها، آداب و سنن، هنر، خط، زبان، صنعت و . . . در کشور عزیزمان ایران می باشد.

از دیگر اهداف این کتاب بررسی نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی مهم ترین سلسله های ایران در طول تاریخ طولانی این مرز و بوم است که با زبانی ساده و مختصر که حتی برای نوجوانان دانش آموز هم قابل فهم و درک باشد تهیه نمودم.

شایان ذکر است که در این مجموعه مختصر که نشان دهنده بخش کوچکی از فرهنگ بزرگ و پایدار این سرزمن کهن است هیچ مطلبی نیست که مستند به منبع معتبری نباشد.

در پایان امیدوارم که علاقمندان علم تاریخ و باستانشناسی را به شوق آورده و از نور این شمع آتش فروزانی روشن کنند که از پرتو روشنایی تابناکش تاریخ و پیشینه میهن عزیزمان ایران را با دیدی نو مورد مطالعه و پژوهش قرار داده و پیش از پیش به جهانیان بشناسانند.

۱۳۸۸/۸/۸ خورشیدی



بخش نخست

آفرینش جهان

ز آغاز باید که دانی درست
سرمایه گوهران از نخست
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید
بدان تا توانایی آرد پدید
و زو مایه گوهر آمد چهار
بر آورده بی رنج و بی روزگار
یکی آتشی بر شده تابناک
میان آب و دریا از بر تیره خاک
فردوسی

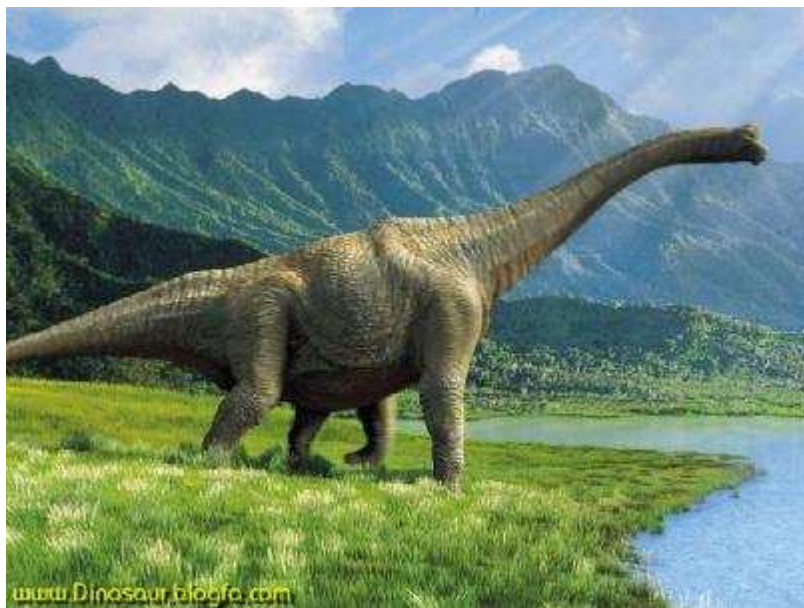
گفتار اول

چگونگی پیدایش کره خاکی، ایران زمین، انسان نخستین، تمدن های اولیه،

به عقیده دانشمندان علم زمین شناسی و دیرین شناسی جهان و طبیعت در مدت کوتاهی که آدمی برفراز زمین پیدا شده دگرگونی کم و ناچیزی به خود دیده است، اگر تمامی عمر چند میلیارد ساله زمین را ۲۴ ساعت فرض کنیم، تاریخ پیدایش انسان بر روی کره زمین کافی است بگوئیم که آدمی در ۱۵ ثانیه آخر به وجود آمده است و تا هم اکنون مشغول زندگی است. بنابراین تاریخ زمین بسی مطول تر از تاریخ کوتاه زندگی انسان بر فراز آن است ولی در آن سالها کره زمین شاهد تغییرات و

دگرگونی‌های بیشماری بوده است از نظر علم دیرین‌شناسی چند میلیارد سال پیش کره زمین گوی آتشی‌نی بود که از سنگهای مذاب تشکیل می‌شد. بتدریج سطح آن خنک شد و لایه نازکی از سنگهای جامد روی مواد آتشی‌ن مذاب بوجود آمد، در این لایه‌های منجمد گاه‌گاه چین و شکنی پدیدار می‌شد، هر گاه که شکافی در آن حادث می‌گردید مواد گداخته زیرین از این شکاف‌ها به خارج فوران کرده و همان‌حالاتی را سبب می‌شد که امروزه در آتشفشان‌ها رخ می‌دهند.

پس از آنکه پوسته جامد خارجی سرد شد و بخار آب موجود در فضا به شکل آب در روی آن جاری گردید، دریاها بوجود آمدند و زمین تا حدی شکل امروزی را به خود گرفت و کم‌کم در آن اقیانوسها و قاره‌هایی پدید آمد؛ اما زمانی بسیار طولانی از عمر کره‌خاکی هیچ‌گیاه و جاننداری در آن نمی‌زیست، جانداران فقط از ساعت ۲۰ به بعد ظهور پیدا کرده‌اند، این موجودات زنده ابتدایی جانداران نرم‌تنی بودند که در دریا‌ها پا به عرصه وجود گذاشتند. پس از این فرایند بسیار مطول اولین ماهیان در دریاها به منصفه ظهور رسیدند و متعاقباً اولین دو زیستیان و سپس خزندگان به وجود آمدند، از ساعت ۲۲ به بعد اولین پرندگان و پس از مدتی طولانی اولین پستانداران نیز پدیدار گشتند.



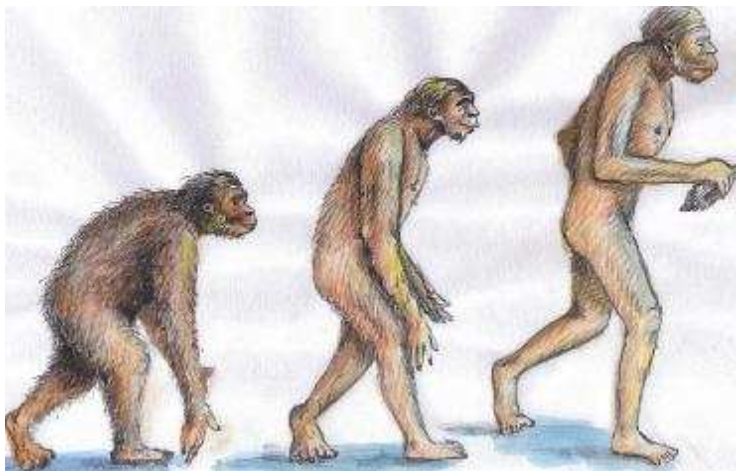
دوره کرتاسه

طبق نظر دانشمندان زمین شناسی دوران مزوزوئیک (حیات میانی) که شامل سه دوره - تریاس - ژوراسیک - کرتاسه می باشد. در دوره کرتاسه که بیش از ۹۰ میلیون سال از آن می گذرد، فلات ایران سرتاسر زیر آب بوده است و میلیونها سال طول کشید تا کم کم سر از آب برآورد، خشکی ها پدیدار شدند. سبزی و درختان روئیدند؛ موجودات زنده خود را با محیط جدید وفق دادند ماندگار شدند؛ زاد و ولد کردند و یک چرخه اکوسیستمی منظمی ایجاد گشت. در این میان انسان جدیدترین و جوانترین

موجود کره خاکی پا به عرصه وجود گذاشت که دانشمندان ظهور انسان را حدود ۲۴ تا ۲۶ میلیون سال پیش تخمین زده اند. چون طبق تحقیقات دانشمندان در رسوبات دوران سوم هیچگونه آثاری که دلالت بر وجود انسان داشته باشد پیدا نشده است. قدیمی ترین آثار انسانهای اولیه در رسوبات اوایل دوران چهارم (آنتروپوزوئیک) بدست آمده است و خصوصیات حد واسط انسان و جانوران را دارا می باشند. آثار بسیاری از جانوران حد واسط در نقاط مختلف دنیا کشف شده است که از مطالعه آنها به این نتیجه رسیده اند که انسان در ظهور صفات و اختصاصات حیوانی داشته است و تدریجاً تکامل حاصل کرده و به صورت امروزی در آمده است. که آنها را اینگونه تقسیم بندی کرده اند.

- ۱- انسان پتیک آنتروپ (میمون آدم) نخستین جانوری است که بعضی از صفات انسانی در او تشخیص داده شد. اوضاع ساختمانی بدن آن شبیه به میمون بوده؛ جمجمه بزرگ آن ۹۰۰ سانتیمتر مکعب گنجایش داشت که آن را به انسان می نمایند.
- ۲- انسان سین آنتروپ- جمجمه ای به گنجایش ۹۰۰ سانتیمتر مکعب داشت و سایر اختصاصات استخوانی بندی آن شبیه به استخوان بندی میمون بود. سین آنتروپ در پکن پیدا شد. از آثاری که همراه استخوان بندی یافت شد چنین معلوم می شود که از تکه سنگهای خارا به عنوان ابزار و آلات استفاده می کرده است.

۳- انسان افریک آنتروپ - جانور حد واسطی است که در آفریقا پیدا شد؛ گنجایش جمجمه اش اندکی از گنجایش جمجمه سین آنتروپ بیشتر بود، افریک آنتروپ ابزارهایی از سنگ آتش زنه بکار می برده است.



انسانهای دوره پلیستوسن

در رسوبات دوره پلیستوسن فسیلهایی پیدا شدند که اختصاصات انسانی بیشتری داشته و از این رو آنها را انسانهای حقیقی نامیده اند که مهمترین انواع این انسانها عبارتند از:

اول - انسان هایدلبرگ - دارای آرواره ی پائینی بزرگ بدون چانه و دندان های یک اندازه بود و از قدیمی ترین انسانهای حقیقی است.

دوم - انسان ثنادرताल از نظر ساختمان بدنی به انسان شباهت داشت و گنجایش جمجمه اش نسبتاً زیاد و معادل ۱۳۵۰ سانتیمتر مکعب بود و شیارهای سطحی مغز آن کم بود و گرچه ایستاده راه می رفت ولی وضع کاملاً قائم نداشت.



سوم - انسان کرومانیون - نژادی از عالی ترین انسان اولیه به نام انسان ساپینس بود و خصوصیات کاملی از انسان داشت که از اعقاب انسانهای کنونی می باشند.

دانشمندان موجودیت انسان را به سه مرحله طولانی تقسیم نموده اند.

مرحله اول - انسان موجودی که تقریباً بیشتر اوقات خود را بالای درختان سپری می کرد و غذایش از ریشه و دانه و میوه ی گیاهان وحشی بود و با تاریک شدن هوا از ترس حمله حیوانات وحشی بر بالای درختان بلند می خوابید.

مرحله دوم - پس از سپری شدن قرونی بسیار در این مرحله انسان موجودی است که پیرامون خود را مورد ارزیابی قرار می دهد. یعنی زمانی بین یک تا سه میلیون سال قبل

مرحله سوم - با گذشت دورانی بس طولانی در این مرحله انسان موجودی است که از عقل و تجربه خود بهره می گیرد و محیط اطراف خود را می شناسد و به فکر چاره است. از این زمان انسان وارد مرحله جدیدی از زندگی می شود. زمانی حدود ششصد هزار سال قبل یعنی آغاز دوران پارینه سنگی قدیم در اواسط دوران پارینه سنگی قدیم یعنی زمانی حدود سیصد هزار سال قبل انسان توانست با تفکر و تلاش بیشتری جهت بهبود زندگی خود از سنگ بهره بیشتری برده و بسوی آغاز تمدن گامهایی آهسته بردارد.

دوره پارینه سنگی میانه

بعد از دوران نسبتاً طولانی دوران پارینه سنگی قدیم انسان وارد دوره پارینه سنگی میانه می شود و با ساختن ابزار آلات تقریباً ظریف تر و کاربرد متنوع تر به زندگی خود سر و سامان بیشتری می دهد یعنی زمانی حدود ۱۶ تا ۱۸ هزار سال قبل از میلاد.



دوره پارینه سنگی جدید

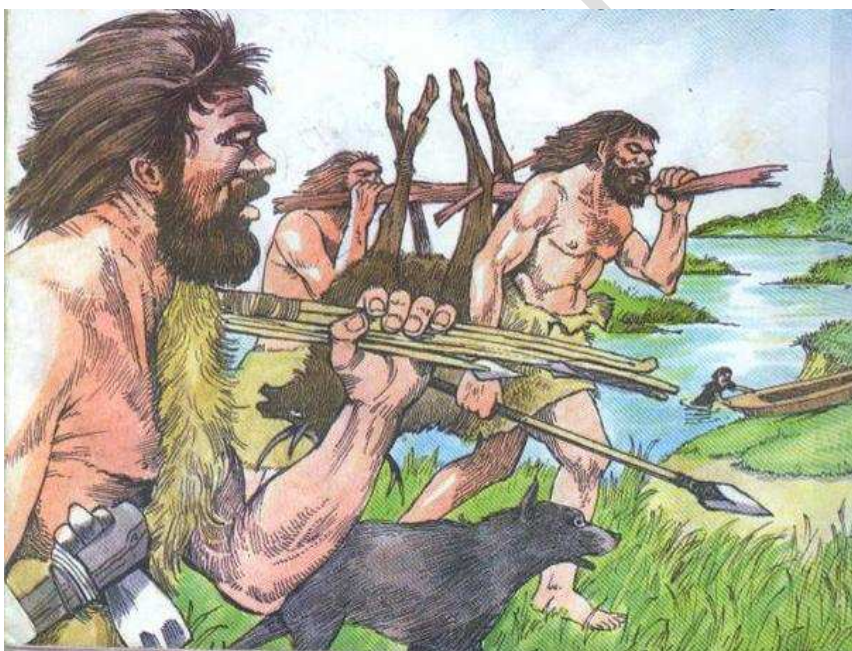
با گذشت قرونی انسان با تلاش بیشتر و تجربه فراوان تر ابزار و آلات خود را ظریف تر - صیقلی تر صاف تر و متنوع تر و همچنین کاربردی تر می سازد و از زندگی بهره ی بیشتری می برد انسان در صنعت سفالگری، پارچه بافی به موفقیت هایی نائل می شود که دانشمندان علم باستانشناسی این دوران زندگی بشر را دوره پارینه سنگی جدید نام نهاده اند. یعنی زمانی حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار سال قبل از میلاد.

دوره ی نو سنگی

زمانی که انسان توانست از سنگ کمال بهره را ببرد و موفق به تولید مصنوعات ظریف تر و دقیق تر با کاربردهای گوناگون جهت مصارف مختلف شد و همچنین از استخوان نیز ابزارهایی ساخت و روی عاج و شاخ حیوانات نیز تصرفاتی کرد و صور حیوانات معاصر بر دیوار غارها و یا روی استخوان حکاکی کرد و ظرفهای سفالی با اندازه ها و اشکال مختلف برای مصارف گوناگون تولید کرد. بنابراین محققان این دوران را دوره نو سنگی نام گذاری کرده اند که پایان آن زمانی حدود ۶ تا ۷ هزار سال قبل از میلاد می باشد.

ایران زمین

پرفسور - یوپ - باستانشناس، پژوهشگر و تاریخ شناس اروپایی :
مردمی که در فلات ایران زندگی می کردند در طول مدتی بیش از ۸۰
قرن اندیشه ها و تمدنی پدید آوردند که موجب بقای بشر و تعالی مقام و
منزلت انسانی شد.



انسان غار



در تجسس های باستانشناسی خارجی در ایران آثار سنگی بدست آمده در کنار رود لاریزیستان تا حدود ۳۰۰ هزار سال و آثار کشف شده در کنار کشف رود در خراسان تا حدود ۸۰ هزار سال تاریخ گذاری شده است همچنین آثار تمدن ایرانیان در حدود ۲۳۰

هزار سال قبل در غاری بنام (دربند) در استان گیلان کشف شد که تعدادی ابزار آلات از قبیل نیزه، انواع کارد، تبر، سوزن خیاطی از جنس استخوان پیدا شد که نشان زندگی متمدنی در این دوران بوده است در بهار ۱۹۴۹ میلادی مکتشفین خارجی در ایران آثار و بقایای انسان غارنشین را طی حفاری در (تنگ پیده) کوه های بختیاری واقع در شمال شرق شوشتر کشف کردند. که معلوم شد در این دوران انسان غارنشین از طریق شکار زندگی می کرد و بیشتر از حيله و تدبیر استفاده داشته تا نیرو و قدرت جسمی وی به طرز کاربرد چکش سنگی، تبر دستی، آلات استخوانی، سوزن و درفش و ظروف سفالی مهارت داشته و به خوبی از آنها استفاده می کرده و غذایش علاوه بر اینکه از گوشت شکار بوده است

استفاده از میوه ها و دانه های گیاهان وحشی نیز در این دوران متداول بوده است.

اما بعدها بر اثر تغییرات جوی و کم آبی انسان به ناچار به دنبال شکار خود از کوهها سرازیر شده به دشت ها و مراتع پر آب و سرسبز مراجعت کرده است و به دنبال شکار غذای خود غار را ترک کرده است. کهن ترین محل سکونت انسان در دشت بعد از دوران غارنشینی در ایران دشت سیلک در نزدیکی کاشان که یکی از نادرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی ایران به شمار می رود که این دوره نیز پایان عصر حجر می باشد.



پایان عصر حجر و آغاز عصر فلز

دوران مس و سنگ



در این دوران
اکتشافات و استخراج
و استفاده از فلز مس
برای بشر شناخته و
مورد استفاده قرار
گرفت و تحولی

شگرف در تمدن ایرانیان به وجود آورد - استفاده از مس و سنگ همراه با بهره برداری از نیروی حیوانی و وسایل نقلیه چرخدار ساخت چرخ کوزه گری و ساخت کوره از تحولات بزرگ این دوران محسوب می شود یعنی زمانی بیش از ۶ هزار سال (ق . م)

تمدن ایران باستان از هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد

از وقایع و رویدادهای مهم این دوران تحولات سیاسی تمدنهای اطراف رود سند که شامل شهر سوخته و تمدن جیرفت که قدیمی ترین و اولین تمدن بشر شناخته شده است. همچنین تمدن های بین النهرین یعنی اقوامیکه عبارتند از سرمریان -آشوریان -اکد - کلد و عیلام که اینان دائماً در تأمل و جنگ و روی کار آمدن سلسله ها و پادشاهی ها و انقراض آنها بود در این دو هزاره کشورما ایران مرتباً مورد هجوم همسایگان خود

از هرسو و متعاقباً تحت تأثیر هجوم همسایگان به یکدیگر بود تمدن جیرفت و تمدن عیلام که بخشی از ایران را شامل می شد مرتباً شاهد نوآوری در صنعت فلزات - کشف و استخراج معادن جدید - پیشرفتهای کشاورزی و دامداری - پیشرفتهای معماری و ایجاد شهرها - معابد و کاخهای مجلل بود و همچنین شاهد پیشرفتهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و مذهبی بود.

در این دوره نیز صنعتگران از فلز مس و آهن بهره بیشتری برده و مبادرت به ساخت آلیاژ نمود که پیدایش مفرغ نیز تحولی بزرگ در صنعت فلز کاری آن زمان محسوب می شود و شاید نقطه عطفی در پیشرفت حقیقی انسان ماقبل تاریخ بوده باشد.

تمدن ایران باستان از هزاره سوم و دوم قبل از میلاد

ایران متمدن و قدرتمند تبدیل به شاهراه انتقال افکار و نهضت ملل بود . از این دوران به بعد ایران این وضع مهم را به عنوان واسط و میانجی شرق و غرب را حفظ کرده و در عوض آنچه دریافت می داشت هرگز از تأدیه بازنه ایستاد و در واقع کارش عبارت بود از دریافت - توسعه بخشیدن و سپس انتقال آن به دیگران . همچنین لازم به ذکر است زمانی که انسان از فلز آهن استفاده بیشتری نمود و دوران آن بیش از ۲ هزار سال پیش از میلاد تا کنون می باشد به عصر آهن معروف است.

گفتار دوم

نخستین مهاجرین ایران زمین

در قاره اوراسیا آنجایی که دو قاره به هم متصل می شوند سرزمینهای پهناوری وجود دارد که بصورت علفزار (استپ) می باشند که در طول تاریخ سکونت گاه اقوام متعددی بود که طبیعتاً به دامداری مشغول بوده اند در این اثنا با سپری شدن سالیان متمادی جمعیت این اقوام رو به فزونی نهاد که تبعاً علفزارهای بیشتری مورد نیاز بود و این امر موجب بروز جنگ های دائمی برای کسب چراگاه های بیشتر بین این اقوام می شد. از طرفی بعلت افزایش سرمای جلگه سیبری ساکنان آنجا مجبور به مهاجرات می شدند این مهاجرتها در طول تاریخ در چندین مرحله صورت گرفته است. طبق شواهد موجود در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد گروه دیگری از مهاجران آریایی از چند سو وارد فلات ایران شده اند که این مهاجران خود به سه دسته تقسیم شدند. دسته ای به اروپا رفتند و گروهی به هند رفته و آنجا تشکیل کشور دادند و عده ای نیز در قسمتهایی از فلات ایران ساکن شدند که اصیل ترین نژاد آریایی ها را می توان (کاسی ها - اترانی ها - لولویها - گوتی ها - سرمتی ها - آلاتی ها - آماردها - آسی ها و سکایی ها) را نام برد. که آنان خود را (آریا) می خوانند و از نژاد ایرانیان باستان زمان پیشدادیان بودند. آخرین و بزرگترین گروه مهاجران آریایی به فلات ایران در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد طوایفی بودند که به یکی از زبانهای هند و اروپایی (سانسکریت و دایی) تکلم می کردند.

اینان اقوامی از نژاد های (سغدیان - باکتریها - پارتیان - مادی ها - پارسی ها و چند طایفه بیابانگرد آسیایی مرکزی بودند) که با ساکنان قبلی ایران از جمله ایلامیان مخلوط و ممزوج شدند و ایران کنونی را بوجود آوردند کهن ترین سند تاریخی در مورد پیدایش اقوام اریایی کتاب مقدس اوستاست بنابر روایت آغاز و نیداد اهورامزدا سرزمین (ایشین ویج - اریاوج - اران) را در بهترین مکان کره خاکی آفرید و آن را مرکز آفرینش قرار داد. کوچکترین فرزند فریدون شاه پیشدادی ایرج نام داشت که شهریاری فلات ایران را به او سپرد و این نام برگرفته از نام ایرج پیشدادی است. همانطور که اشاره شد در طول تاریخ اقوام و قبایل متعددی و متمدنی از نژادهای متفاوت در ایران زندگی می کردند که از آن جمله (کاسی ها) ساکنان اطراف کوههای زاگرس و لرستان (کادوسی ها) ساکنان گیلان و در جنوب غربی ایران (ایلامیان) که آنان از همه مهمتر بودند و از پارس تا رود دجله مستقر بودند و شهرهای مهم آنان پارس، بوشهر - خوزستان - شوش - نواحی کوههای بختیاری - لرستان - همدان بود. نام دولت عیلام (انشان یا انزان یا سوسونکا) و پادشاه آنان (کورناخوندی) بود. مهمترین رب النوع مورد ستایش آنان (این شوشیناک) نام داشت. خط عیلامیان خط میخی بود که با خط بابلی و آشوری تفاوت داشت و همچنین زبان اصلی آنان (زبان اترانی) بود.

از شهرهای مهم دیگر این دوران در ایران جیرفت و (تپه حصار در دامغان) (مارلیگ در گیلان) (آماردها در گیلان) (تپه گیان در نهاوند)

(تپور در مازندران) (شهر پارت) (شهداد در کرمان) (سیلک در کاشان) (شهر سوخته در زابلستان) ، شهر پارس و زیگورات جغازنبیل شهر شوش بود که از حیات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در خور توجه ای بهر مند بودند.

گفتار سوم

نظری کوتاه بر جغرافیای ایران باستان

کشور عزیزمان که ما اکنون آنرا ایران می نامیم فلات پهناوری با مساحتی بالغ بر $۲/۶۰۰/۰۰۰$ کیلومتر مربع می باشد که موقعیت آن در جنوب غربی آسیاست و شامل ایران - افغانستان - بلوچستان و پاکستان غربی تا سند می باشد. بدین ترتیب سرزمینهایی که در فاصله بین دشتهای بین النهرین و دره رود سند قرار گرفته است فلات ایران نام دارد. اگر بخواهیم به طور دقیق تر موقعیت آنرا بیان کنیم این گونه است: از شمال به رود جیحون، دریای مازندران و رود کورا در قفقاز - از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان - از مشرق به رود سند و فلات پامیر - از سمت مغرب به رود دجله و فلات آناتولی در ترکیه محدود می شود. تقریباً نیمی از فلات ایران کوهستانی است که مهمترین ارتفاعات آن رشته کوههای البرز در شمال و زاگرس در غرب است که از جنبه دفاعی و نظامی حائز اهمیت است چون بسیاری از جنگ های سرنوشت ساز در این مکان ها رخ داده است از جمله نبرد های آریو برزن سردار نامی

هخامنشی با سپاهیان اسکندر، تعدادی از نبرد های سورنا سردار نامی اشکانیان با رومیان، بسیاری از جنگ های صفویان با دولت عثمانی و جنگ قاجاریان با دولت روسیه تزاری می باشد. قسمت هایی از این فلات بزرگ



در اعصار یخبندان که بدلیل پیشروی یخ های قطب شمال در بسیاری از مناطق شمالی اروپا و نقاطی از آسیا بوجود آمد و باعث شد تا هوای این مناطق بسیار سرد شده و قسمت های وسیعی از آن را صفحات یخ بپوشاند. آخرین یخبندان بیش از یازده هزار سال پیش به پایان رسیده است بنابراین قسمت هایی از فلات ایران نیز این دوران های یخبندان و ظلمت را سپری کرد و دگر بار شاهد تجدید حیات بوده و به روشنایی

گرایید. که این دوره قرن ها بطول انجامید و پیشینیان این دوران را جمشید نامیده بودند و چون دوران شهریاری (ثیم خش و ئت) عصر طلایی تاریخ ایران دانسته اند نام جمشید (جم) را برای این پادشاه مبارک انتخاب کردند که به معنای زیبا چهره و شید درخشان بسان خورشید است، در این مورد روایاتی موجود است که در قسمت پادشاهی جم و دژ زیرزمینی او (ور) به آن خواهیم پرداخت.

از آنجا که بعضی از پادشاهان سلسله پیشدادیان خود را سلطان و فرمانروای هفت کشور می دانستند و با توجه به کتاب مقدس اوستا که در آن کراراً از هفت کشور یاد شده است و در زبان سانسکریت نیز اصطلاح هفت کشور به شکل (پشت دوپ) آمده است و همچنین در نوشته های پیشین پارسیان این سرزمینها بموجب وجود دریاهایی که میانشان حائل بوده و رفت و آمد به آنجا به دشواری صورت می گرفته چنین قید شده است.

- ۱-ارزهی ۲- خونیرث ۳- سوهی ۴- فرددفشو ۵- وئیری ارشتی
۶- ویدفشو ۷- وئوروجرشتی

رودهای بزرگ ایران باستان

۱- رود کارون ۲- رود کرخه (خوسب) ۳- رود آبدیز ۴- رود ارس
(اراسک) ۵- قزل اوزن (آماردی) ۶- رود تجن ۷- رود گرگان ۸- رود
اترک ۹- زاینده رود ۱۰- رود هیرمند ۱۱- هریرود ۱۲- دیاله (گاورود) ۱۳-
رود جیحون (وخش) ۱۴- رود سیحون (سیردریا) ۱۵- فرات ۱۶- دجله
(تگره) ۱۷- رودخانه بیشاپور و سرآب اردشیر

دریاها و دریاچه های ایران باستان

۱- تالاب پریشان ۲- دریاچه ارومیه ۳- دریاچه وان ۴- دریای مازندران
۵- خلیج فارس ۶- دریای عمان



کازرون تالاب پریشان

راه های ارتباطی ایران باستان

۱- راهی که بین النهرین را به فلات ایران متصل می ساخت از بابل شروع می شد.

۲- راهی که فلات ایران را به هند متصل می نمود از کابل شروع می شد. این راهی است که اسکندر مقدونی از آنجا عبور کرد.

۳- راهی که فلات ایران را به چین ارتباط می داد و به جاده ابریشم معروف بود.

۴- راهی که آسیا را به اروپا متصل می کرد (جاده شاهی) که از تخت جمشید شروع و تا سارد ادامه داشت.



کازرون - تالاب پریشان

بخش دوم

اعتقادات ایران باستان

گفتار اول

نظری کوتاه بر اعتقادات آریایی ها قبل از پیدایش آئین زرتشت

مهاجرین آریایی در عرصه‌دائی اکثراً دارای معتقدات ساده ای بودند آنان تحت تأثیر عوامل طبیعی و فرشتگان بودند و همچنین چندگانه پرستی در بین آنها رسوخ داشت آنان مظاهر طبیعت مانند خورشید - ماه - ستارگان - آسمان - سپیده دمان رامی پرستیدند و برای آنها قربانی می کردند . موجودات مفید و نورانی را دئوه ها (یعنی عناصر درخشانده) و خدایان معروفشان بدین قرار بود.



۱. ایندرا (خدای تندرو
۲. وارنا (جنگ)
- آسمان پرستاره)
۳. میترا (خدای خورشید)
۴. آگتی (خداوند آتش)
۵. آناهیتا (خداوند آب)

کازرون - معبد آناهیتا



آناهیتا

میترا (مهر پرستی)

تأثیر آئین میترایسم بر دین و تمدن اروپا

بی شک آئین مهر یکی از قدیمی ترین و دومین خدای مورد پرستش آریانه‌هاست، او خدای نور است و چون نور و حرارت با هم توأم هستند لهذا خدای افزایش، برومندی و برخورداری نیز هست و همچنین حامی سلاطین و رب الجنود و خدای فتح و پیروزی نیز می پنداشتند ماه هفتم سال و روز شانزدهم از هر ماه برای میترا مقدس و روز عبادت شمرده شده و در ترکیب اسامی پادشاهان مانند میتراوات، مهرداد و ... سلاطین دیگر نام میترا دیده می شود. چون دولت ایران



شروع به توسعه و پیشرفت نمود مراکز و معابدی برای پرستش میترا در بابل و سایر بلدان استقرار یافت. در بابل این خدا را به نام شاماش (خدای

خورشید) می خواندند. سلسله هایی در پنت، کابادوکیه، ارمنستان و کماژن برقرار گردیدند که هر کدام خود را از نژاد پادشاهان پیشدادی می شمردند و به همین خاطر خدایان سابق ایران را پرستش می کردند. بعد ها یونانیان با ساختن مجسمه هایی زیبا که نقوش برجسته میترا داده و او را آفتاب (هلیوس) می خواندند. در روم نیز این خدا به قدری اهمیت پیدا کرده بود که امپراتورانی مانند دیوکلیس (Diocletian) گالریوس (Galerius) لیسینیوس (Licinius) این خدا را حامی و سرپرست دولت روم می دانستند، و معبد هایی در تمام کشور ژرمن، آلمان، تایورک، وچستر برپا گردید.

و اما افسانه های مربوط به این خدای مقتدر چه بوده است، میترا به طور خارق العاده ای از تخته سنگی تولد یافته و به محض پدید آمدن بر تمام مخلوقات غلبه کرد. نامی ترین کار او این بود که با گاو نر مقدس اهورامزدا برخوردی وی را مقهور و قربانی کرد. مرگ این حیوان باعث حیات زمین گردید مجسمه ای که از شاهکارهای هنر یونانیان است و هم اکنون در واتیکان ایتالیا نگهداری می شود این چنین نموده اند که سگی بر او (گاو) پریده و در افکندن او کوشش می نماید، ماری که نشانه زمین است به واسطه خوردن خون این شکار برومند و بارور می گردد. اما درباره رموز و اسرار این مذهب باید دانست که در آن هفت درجه یا مقام مطابق هفت سیاره وجود دارد. مجاهدات و ریاضاتی که برای طی این درجات معین شده گذشته از این که مدت های زیاد وقت لازم دارد پر خوف و

خطر هم هست، برای سلاک یعنی کسانی که می خواهند داخل در مبادی این اسرار بشوند سوگندی با آداب مخصوص لازم است یاد کنند. زنان از این امتیاز به کلی محروم می باشند، از آداب و رسوم مخصوص این مذهب همانا عشاء ربانی است با آب و نان و یحتمل شراب هم در آن بوده است. مذهب میترا نوع بشر را به مراسم و آداب باطنی و سری دعوت می نماید. علاوه به یک زندگانی بهتری پس از مرگ آنها را امیدوار می سازد و مانند اصول تعالیم زردشت راستی و پردلی و پاکی برای مجاهده دائمی با قوای اهریمنی و بدی از لوازم این مذهب می باشد. میترا قهرمان خوبی بوده و پیروان آن عاقبت به فتح و غلبه او مطمئن بوده اند. در قرن سوم میلادی مهر پرستی دین قدیمی ایران با مسیحیت که اصلاً از دیانت یهود برخاسته و یهود که خود کاملاً متأثر از دین زردشتی می باشد برابر هم و در یک ردیف قرار داشتند اما نظریه بعضی جهات که عمده آن محرومیت زنان و نیز روا داشتن شرک در طریقه توحید و بعضی رسوم افراطی مذهب میترا در مقابل مسیحیت مغلوب شده اما به واسطه اشتراک این دو مذهب با هم در بسیاری تعالیم انهدام آن به سادگی ممکن و میسر نبود. یکی از یادگارها و تأثیرات مذهب میترا که هنوز هم در میان مسیحیان باقی مانده و متداول و بسیار مهم است روز ولادت حضرت مسیح می باشد که آن در اصل روز پیدایش میترا بوده است.



با ظهور آیین زردشت انقلابی شگرف در اعتقادات آریایی ها به وجود آمد که روز به روز گسترش یافت و تحولی عظیم در زندگی فرهنگی اجتماعی ایرانیان به جای گذاشت.

گفتار دوم

اعتقاد ایرانیان پس از ظهور زردشت

در آن دوران که هند - مصر - بابل - آشور - کلد - آکد و سایر کشورهای و سرزمینهای متمدن جهان به خدایان و اجرام و اجسام واصنامی چون بعل - مردوک - میترا - لات - منات - هبل - عزى و... روی می آوردند.

نیاکان فرزانه ما یکتا پرست و خداشناس بودند و تشنگان دانش و شناخت را از آبشخور خرد و اندیشه ی والای خود سیراب می ساختند . در همه شئون زندگی به سه اصل معروف و انسانی یعنی گفتار نیک - اندیشه نیک و رفتار نیک معتقدانه عمل می کردند و ادبیات دین و فرهنگ درخشان این مرزو بوم مردم کشورهای متمدن آن روز را بسوی راستی - درستی - دانش - خرد - اعتقاد و ایمان سوق می داد اما قرن ها بعد یونانیان که متمدن ترین مردم دنیای غرب در ان دوران بودند کتاب مقدس اوستای ایرانی را به یغما به اروپا بردند و از برکت مطالب مندرج در آن افلاطون ها ارسطو، طالیس ها پدیدار می گشتند. طبق شواهد و قرائن موجود اساس فلسفه افلاطون، فیساغورس و هراکلیت همان فَرَوَشی زرتشت است و همچنین بعد ها نیز بیشتر آثار و افکار هگل - کانت - نیچه - ماکس موللر از افکار زرتشت پیامبر ایرانی است .

ششم فروردین

شد نوروز پاک زندگانی شد روزی که ماند جاودانی
ششم روز زمان فرودین شد که زشت آمد و آغاز دین شد
بمیرید ای خدایان در عین باید مرده آغاز یک دین
ابور انچه ای در آن زمان شد که او بهتر از کلهای جهان شد
و انسان نغمه خوان چون بلبلان شد و فریاد دد و دیوان همان شد
زمان گفت و کردار بدیش به پایان آمد و شد بهترین کیش
از آن پس دین ما همچون ستاره رود در آسمان دل دوباره
ابور ایار من غمخوار من شد دلی دادم به او دلدار من شد

گفتار سوم

آغاز خط و کتابت در ایران باستان

طبق پژوهشها و کاوشهای باستان شناسان و اظهار نظر دانشمندان غربی و شرقی آغاز خط و کتابت توسط بشر به سلسله کیانیان باز می گردد. طبق شواهد و مدارک موجود که معتبرترین آن کتاب مقدس اوستا می باشد قبل از مبعوث شدن پیامبر ایرانی زرتشت خط هیروگلیف (تصویری) در ایران باستان رواج داشت که با گسترش آیین زرتشت این خط به خط اوستایی (دین دبیره) تبدیل شد و پایه و اساس بسیار ارجمندی برای نوشتن بنا شد امروزه طبق نظریه دانشمندان و پژوهشگران اختراع خط بوسیله سومریان دیگر نگی شده است ولی سومریان خود اولین مقلد خط ایرانیان بوده اند .

با پیدایش خط و کتابت کاربرد اعداد - دانش پزشکی - علم نجوم و ریاضیات و مبانی اندیشه های دینی و فلسفی و دیگر هنرها از جمله جواهر سازی - صنایع گوناگون دستی - حجاری نقاشی - شعر - ساختن خانه های مجلل و تکمیل و تزئین لوازم زندگی - دامداری - کشاورزی و تجارت و فلزکاری و صنعت استخراج و استفاده از فلزات؛ علمی و مدرن گشت. رومن گریشمن دانشمند، محقق و ایرانشناس معروف که طی مدت ۳۰ سال با هیئت همراه در ایران به کاوش و تجسس و تحقیقات مشغول بود و کشفیات با ارزشی داشته است اظهار می دارد .

استفاده از پوست گاو برای نوشتن در (۶۰۰۰ سال قبل از میلاد)
از جمله مواردی است که نخستین بار توسط ایرانیان اندیشمند و تیزهوش به
منصه‌ی ظهور رسید و به مرحله اجرا درآمد.

مردمان کهن ایران، کهن‌ترین تمدن جهان را پایه‌گذاری کردند. این تمدن با استفاده از پوست گاو برای نوشتن، به یکی از کهن‌ترین روش‌های نگارش تبدیل شد. این روش در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد در ایران آغاز شد و به تدریج به سایر تمدن‌ها منتقل گردید. این روش در ابتدا برای ثبت وقایع و اسامی افراد استفاده می‌شد و به تدریج به یک سیستم نگارش کامل تبدیل گردید. این روش در ایران به مدت طولانی استفاده می‌شد و به یکی از کهن‌ترین روش‌های نگارش تبدیل شد. این روش در ابتدا برای ثبت وقایع و اسامی افراد استفاده می‌شد و به تدریج به یک سیستم نگارش کامل تبدیل گردید. این روش در ایران به مدت طولانی استفاده می‌شد و به یکی از کهن‌ترین روش‌های نگارش تبدیل شد.

خط دین دبیره - اوستایی



خط تصویری - هیروگلیف

زبان ایرانیان باستان

در سرزمین ایران آنقدر تنوع خط و زبان وجود داشته که ما در مورد بسیاری از آنها اطلاعی نداریم و درباره برخی نیز اطلاعاتمان بسیار ناچیز است از این گذرا اسناد و مدارکی که از زبان های ایرانی و همچنین تغییر و تحول این زبانها در دوران های نسبتاً طولانی بدست آمده از نظر باستان شناسی تاریخی بسیار گرانبها و حائز اهمیت می باشد .

زیرا با مقایسه و تطبیق آنها در مراحل مختلف میتوان چگونگی تحول و تکامل یکی از شعبه های مهم زبانهای هند و اروپایی را به خوبی دریافت . با مطالعه این آثار دانشمندان باستان شناس تاریخ تحول زبانهای ایرانی را به سه دوران اصلی و مهم تقسیم کرده اند: ۱. دوره باستان ۲. دوره میانه ۳. دوره جدید

۱. دوره باستان : این دوره از کهنترین زمانی که آثار و نوشته هایی به زبانهای ایرانی برجامانده است آغاز می شود و به انقراض شاهنشاهی هخامنشی پایان می پذیرد . در این دوران مردم ایران به زبان پارسی قدیم تکلم می کردند قابل ذکر است که از هزاره اول ق . م خط و کتابت در سرزمین ماد وجود داشته است و این خط همانست که امروز آنرا خط پارسی باستان با خط هخامنشی ردیف اول خوانده می شود .

۲. دوره میانه : دوران زبانهای میانه را باید از آغاز پادشاهی اشکانیان تا انقراض کسریان ساسانی دانست زیرا از زمان اشکانیان زبان مردم ایران

پهلوی بود که تا دوره ساسانیان با اندکی تحول رایج بود، زبان پهلوی خود دارای دو شعبه پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی بود و چون میان زبان پارسی قدیم و فارسی نوین قرار گرفته بود، بنابراین به فارسی میانه معروف گشت همچنین زبان پهلوی را با خط آرامی می نوشتند زیرا در زمان هخامنشیان کلیه نامه ها و اسناد اداری را با خط آرامی می نوشتند.

۳. دوره جدید : دوره جدید زبانها را باید بعد از انقراض کسریان ساسانی تا به امروز دانست چون در این دوران مردم ایران به زبان فارسی دری سخن می گفتند که به فارسی نوین نیز معروف بود.

همانطور که اشاره شد زبان فارسی کنونی دنباله طبیعی و تحول یافته فارسی باستان است که سه دوره مهم تحولی را پشت سر گذاشته است، این زبان در جریان تحولات تاریخی خود در هر دوره از سه جهت دگرگون شده است:

۱- از جهت اصوات و واجها ۲- از نظر نظام زبانی یا دستگاه صرفی

۳- از حیث واژگان و بارهای معنایی آنها، چون بعضی از واجها و اصوات گاه حذف شده اند و گاهی چند واج یا صوت به آن افزوده شده است، مثلاً حروفی مانند ث - ح - ذ - ص - ط - ظ - ع - ق حروف عربی هستند که بعد از سقوط ساسانیان به تدریج در زبان فارسی وارد شده اند.

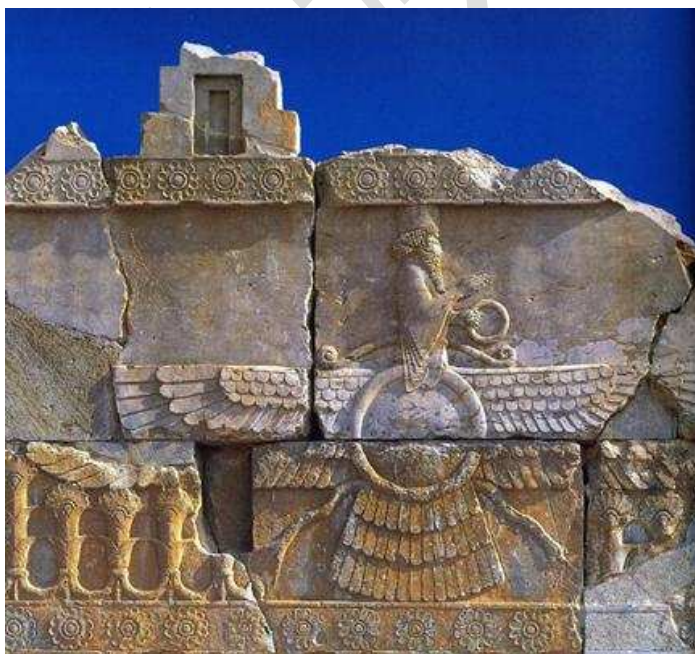
بخش سوم

اساطیر ایران باستان

گفتار اول

اسطوره چیست؟

بجاست که در آغاز معنای اسطوره، ماهیت اسطوره و پیدایش اسطوره را بیان کنیم و سپس به باور های انسان نخستین درباره اسطوره ها اشاره ای داشته باشیم.



تعریف اسطوره

به سختی می توان تعریفی جامع از اسطوره ارائه داد که مورد قبول و درک طبقات مختلف اجتماع باشد اصولاً اسطوره کارهای شگفت موجودات ما فوق طبیعی است که قداست اعمالشان را عیان می سازد که یا به صورت کل واقعیت یا جزیی از آن است بنابراین باید بپذیریم که اسطوره ها توصیف کننده عنصر مینوی در گیتی هستند.

ماهیت اسطوره

برخلاف تلقی بعضی اشخاص اسطوره داستان نیست بلکه وقایع مهم تاریخ بشر نخستین است.

مثلاً پیدایش انسان ، پیدایش جانوران و گیاهان ، آغاز آتش، شروع کشاورزی و بوجود آمدن آئین، چون بشر همیشه سودای بازگشت به آغاز خلقت و همزیستی با خدایان را در سر می پروانده و این تصور را داشته که آن نیروها آزاد یا دوباره فعال می شوند.

به هر حال نکته مهم و قابل توجه در این مقوله صحت تاریخی اسطوره ها نیست بلکه آنچه حائز اهمیت است مفهوم و ارزشی است که آنها نزد پیروان و مریدان خود داشته و دارند.

پیدایش اسطوره ها

شاید بتوان گفت اسطوره پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی بشر در آغاز خلقت تا کنون بوده باشد. اسطوره توجیه جهان مادی و برآوردن نیازهای معنوی انسان را که محصول بیم و هراس او از ناشناخته ها و بقا نیاز او به پیدا کردن پناه و نگهبان و ایجاد ارتباط با جهان پیرامون بود مرتفع می ساخت.

اسطوره برای جهان هستی رمز و رازها و نیروهای مافوق بشری قائل می شود و بیانگر ماهیت بسیاری از عناصر طبیعی آن است بنابراین جای شگفتی نیست اگر مثلاً در آئین ساده آریایی ها آسمان، آتش، باد، خورشید، ماه، ستارگان و باران که همگی مظاهر زندگی هستند پرستیده می شوند و در مقابل نیروهای زیانبار طبیعت به اشکال اهریمنی و پلید مجسم و نکوهش می شوند. برای آریایی ها عنصری که با زندگی آنان پیوندی مستقیم داشت باران بود. این معنی هنگامی آشکار می شود که می بینیم آب و روشنایی منبع داستانهای لطیف و اسطوره های دلنشین گشته اند. یکی از این اسطوره ها اسطوره ایزد بانو آناهیتا است.



تندیس آناهیتا

الهه آب

گفتار دوم

اسطوره ها و باور های ایران باستان



معبد آناهیتا (ناهید)

بشر در طول تاریخ دیرپای خود همیشه اندیشه دینی داشته و در این نظام فکری پرستش مادرخدایان کهن ترین سنت مذهبی بوده است. در باورهای انسان نخستین مادرخدایان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آناهیتا (ناهید) این ایزد بانوی نامدار ایرانی شاید اولین مادر، خدای مورد

ستایش بوده است، نام مادرخدای معروف ایران به وضوح در کتیبه های اردشیر دوم هخامنشی در همدان و شوش تا در کتیبه های پارتیان و ساسانیان دیده می شود و این نشانگر پایگاه ارجمند این ایزد بانوی ایرانی است، شایان ذکر است که در پاره ای از پشت های کهن کتاب مقدس اوستا از رب النوع ارجمندی بنام (مادر آب) یاد می شود .

تندیسه های فراوانی که از این مادرخدای صاحب نام در جای جای این مرز و بوم یافت شده است که جایگاه والای این ایزد بانوی ایرانی را کاملاً به اثبات می رساند در جوامع بدوی زن وظیفه بسیار مهمی داشت او گذشته از اینکه ناقل خون قبیله بود نگاهبان آتش نیز بود. طبق پژوهشهای رومن گریشمن : زنان حتی سازنده ظروف سفالین و دست افزارهای ابتدایی برای انجام امور کشاورزی نیز بوده اند .

بنابراین جای شگفتی نیست که در عهد کهن، زن نه تنها کارهای قبیله را مستقلاً انجام دهد بلکه به مقام روحانیت نیز برسد.

کهن ترین آثار تاریخی آناهیتا تندیسه ای متعلق به دوران نو سنگی هزاره سوم قبل از میلاد که مادر - خدا را در حالی که دستهایش را زیر سینه های بزرگش گذاشته و مشغول ایثار مائده آسمانی (باران) است توسط کاوش های باستان شناسان کشف شده است که این اکتشافات سبب گردید که به تدریج آگاهی های ارزشمندی از پرورش مادر - خدایان به دست آید . این حفاریات در نقاط مختلف سرزمین ایران مانند

(تل باکون) در نزدیکی تخت جمشید در فارس (تپه گیان) نزدیک نهاوند (گئوی تپه) در نزدیکی دریاچه ارومیه (نپه جغاگوانه) در نزدیکی اسلام آباد غرب (کوهدشت لرستان) (تورنگ تپه) در استرآباد گرگان (تپه سیلک) در کاشان (تپه حصار) در نزدیکی دامغان و مهمترین در منطقه خوزستان که مهد پرورش تمدن ایلامی بوده و بیش از سایر نقاط ایران تندیس‌های مادر - خدا یافت شده است .

با روی کار آمدن آئین زرتشت پرستش آناهیتا به گونه ای دیگر ادامه می یابد و دلیل ان روشن است . زیرا زرتشت پیامبر به سبب مقامی که این دو خدای کهن ایرانیان آناهیتا (ناهید) و مهر (میترا) در اذهان مردم داشتند نمی توانست به یکباره و به آسانی کنار بگذارد . به همین دلیل است که سرودهای شکوهمندی در ستایش این دو ایزد ایرانی ساخته می شود که در پشت های اوستا مندرج است .

ولی باز نمی توان تاریخ و دوران دقیق این ایزد بانوی ایرانی را مشخص کرد ولی می دانیم که سنت پرورش مادر - خدا در ایران از دوران کهن سنگی و نوین سنگی وجود داشته و در دوره های بعد به گونه های دیگر نمایان شده است .

آناهیتا در عصر هخامنشیان

در سنگ نوشته هایی که از دوران هخامنشی به جای مانده و به خط میخی و زبان فارسی باستان است ، مادر خدا نامی مشخص می یابد و آناهیتا خوانده می شود .

از این دوران به بعد است که مجسمه های فراوانی از این بانوی اساطیری به فرمان اردشیر دوم در شهرهای شوش - اکباتان - دمشق و بابل ساخته و تصویر او در کتیبه ها نقش میشود، این تصاویر چون مجسمه های برنزی و گلی دوران های پیشین نیستند که به گونه ای ابتدایی ساخته شده بودند . بلکه از زیبایی و ظرافت و شکوهی ویژه برخوردارند .

آناهیتا در دوره سلوکیان و اشکانیان

درباره ی سلوکیان و پارتیان که پس از هخامنشیان در ایران حکومت کردند اطلاعات کمی به جای مانده است . یکی از اطلاعاتی که ما درباره ی سلوکیان در اختیار داریم این است که در دوران آنان معابد دارای ارجی فراوان بوده و برخی از آنها مانند معبد همگانه (همدان) و معبد کنگاور دارای ثروت بسیار بوده اند . و شاید به همین دلیل نیز شاهان سلوکی مانند آنتیوخوس سوم و چهارم هنگامی که دچار مشکلات مالی می شدند از غارت آنها خودداری نمی کردند.

و دیگر اینکه از منابع یونانی چنین بر می آید که پس از به آتش کشیدن پرسپولیس معبدی در تخت جمشید ساخته شد که در آن پیکره ای از آناهیتا قرار داشت .

همچنین مجسمه هایی از دوران اشکانیان در معبدالحضر یافت شده است که متعلق به ناهید است . بر روی سکه هایی از کوشانیان بدست آمده تصویر ناهید بر روی شیر نقش شده است همچنین نقش ناهید روی سفال در شوش موجود است .

آناهیتا در دوره ساسانیان

حرمت پرستش ناهید در قدیم ترین سنت خود همچنان تا دوره ساسانیان پابرجا بوده است . در کتیبه های عهد ساسانی آثاری باقی مانده که نشان دهنده مقام ارجمند آناهیتا ست . از جمله این کتیبه ها یکی کتیبه نقش رستم در نزدیکی تخت جمشید است که در آن نرسی شاه ساسانی حلقه سلطنت را از ناهید دریافت می کند .



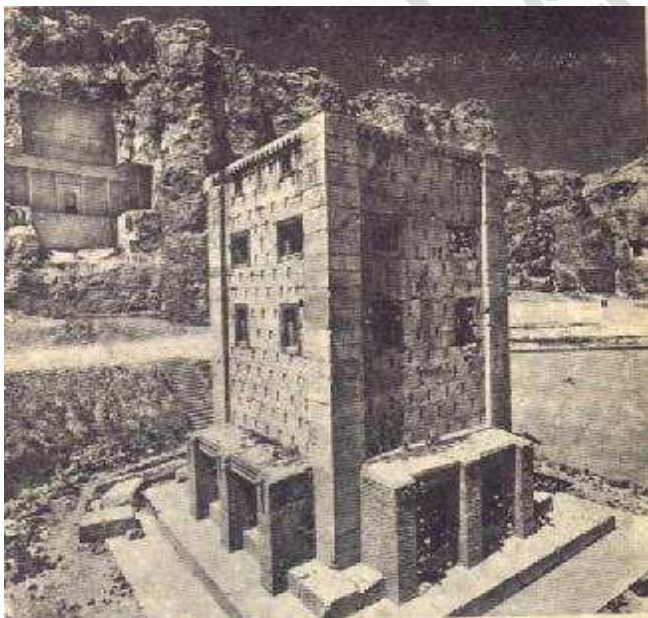
دیگر در کتیبه های طاق
بستان کرمانشاه

همچنین در کتیبه های پهلوی
کعبه رزتشت

و مهمترین کتیبه سر مشهد که در هفتاد کیلومتری شهرستان کازرون است. و به سه زبان پارسی (پهلوی اشکانی) فارسی میانه و یونانی است.

که از پادشاهان و موبدان موبد مشهور عهد ساسانی (کریتر) که در زمان شش پادشاه (اردشیر تا نرسه) می زیسته است . این آثار به جای مانده که متاسفانه در اثر بی توجهی مسئولین و نا آگاهی مردم آسیب جدی دیده است .

در این نگاره ناهید در کنار بهرام دوم و موبدان موبد کریتر دیده می



شود .

نقش رستم - کعبه زرتشت

گفتار سوم

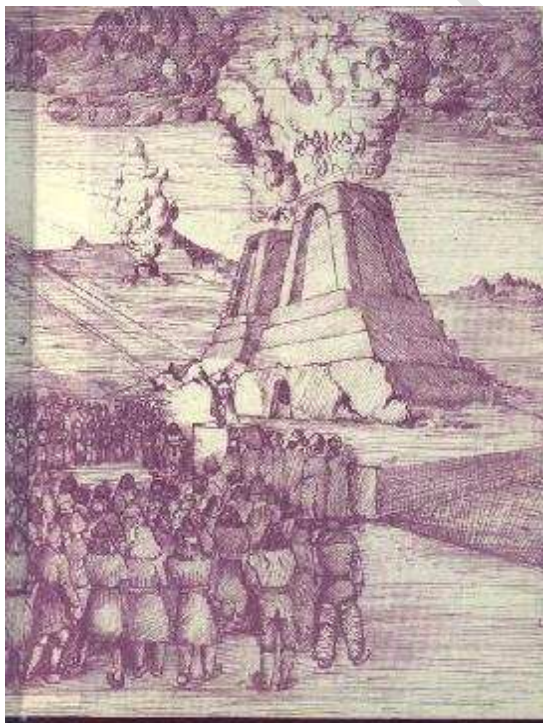
اسطوره و آئین

اصولاً اسطوره های قدیمی دین زرتشتی مانند همه ادیان سرچشمه اصلی زندگی دینی روزانه مومنان است . این دین در حفظ اعمال قدیمی نمونه خاصاً خوبی از ویژگی محافظه کارانه ی آئین های دینی است . آنچه ما در دین زرتشتی دیده ایم فقط صورتی است مکتوب که قسمت اعظم آن را در بیشتر ادیان غرب می توان مشاهده کرد . زیرا دین زرتشتی دینی است که دریافتش از انسان و جهان سخت مبتنی بر عقل سلیم است و این دریافت عمیق و تا حدی فلسفی است . همچنین تلاقی سنتی و محافظه کارانه دین زرتشتی از اساطیر و آئین هایش این دین را بسی روشن تر می نمایاند . چون در دین زرتشتی اسطوره و آئین کاملاً با هم در آمیخته اند .

اسطوره از جهت اعتباری که برای معتقدان خود دارد از نظر در بر داشتن تفکراتی درباره دید های آدمی نسبت به خویشتن و جهان خدا مهم است . اسطوره ها روایات تاریخی دروغین نیستند . باید پوسته بیرونی اسطوره را به کناری نهاد و به هسته آن نظر افکند .

در نظر زرتشتیان خدا خیر مطلق است و چون اساساً مخالف بدی است نمی تواند هیچ گونه ارتباطی با آن داشته باشد ، و در سراسر تاریخ ، در ستیز زندگی و مرگ ، با بدی درگیر است . خدا سرچشمه همه خوبیهاست ، آفریدگار اسمانها و جهان و انسان ، منبع زندگی و تندرستی و زیبایی و شادی است . شر واقعیت دارد ، اما نیرویی است کاملاً منفی که در پی نابودی و فساد و آلودگی است و مرگ و بیماری و فقر و گناه همگی کار شیطان است که در صدد نابودی جهان ایزدی است . عقایدی که بر

اساس آنها جسم بد است و تن زندان روح یا زندان گناه اولیه است . از نظر زرتشتیان مردود است . زیرا آنان اعتقاد ندارند که تن یا ماده سرانجام مقهور خواهد شد بلکه به اتحاد آرمانی ماده و روح قائلند ، آنان نه به انتظار پایان جهان بلکه در انتظار (بازسازی جهان) به دست خداوند هستند .



دیوان در آیین ایران باستان

دیو در کتاب مقدس اوستا به اقوام و طوایف یا پادشاهان و حتی مذاهب غیر ایرانی (بت پرستان) که بی جهت و بفرمان فطرت ناپاکشان موجبات آزار و رنج و زحمت مردمان را فراهم می ساختند اطلاق می شود همچنین در کتاب مقدس اوستا کلمه دیو

(انگره مینو) اهریمنان و پیروانشان (دئو) یاد شده که اینان در ردیف ددان و جانوران وحشی قرار داشته اند سخن به میان آمده است .



به عنوان مثال: پادشاه مازندران کنونی ارژنگ نام داشت اودیوسپید را که یکی از امرای بزرگ قبیله ی آریایی های مازندران بود و سپاهی بس گران و پرهیبت داشت به کمک خویش طلبید که کی کاووس شاه را شکست داد و خانواده اش را اسیر کرد .

گفتار چهارم

پهلوانان و جاودانان ایران باستان

به موجب مندرجات رزم نامه های ملی، بزرگترین پهلوانان ایرانی از سیستان برخواسته و تاج و تخت و سرزمین ایران را از هجوم بیگانگان مصون داشته اند که این پهلوانان نژادشان به جمشید جم شهریار پیشدادیان می رسد .



جمشید به هنگام فرار از دست ضحاک به زابلستان گریخت و با دختر کورنگ حاکم زابلستان ازدواج کرد و از او صاحب فرزند پسری به نام (تور) شد.

سپس به ترتیب از تور - تورگ - شم - اشراط - گرشاسب - نریمان - سام سوار - زال و رستم به وجود آمدند.



دیگر پهلوانان و ناموران ایران باستان، گودرز - گیو - بیژن - فریبرز - کاوه آهنگر - توس و گسته‌م بود که گسته‌م در ادبیات زردشتی در زمره جاودانان است که در دوره آخر الزمان از یاران سوشیانت می باشد. در بین اسطوره ها و ناموران باستانی معروف ترین آنها سیاوش، فریدون و آرش کمان گیر است.

آرش که سطوربانی ساده و بی سواد بود به خواست اهورا به مقام پهلوانی روحانی آکنده از معرفت، کمال، ایثار نائل گشت که در این راستا توسط پژوهشگران ایرانی و هم خارجی کتاب های ارزش مندی تألیف شده است.



مهمترین و بیشترین اسطوره‌ها رامی توان به زمان حیات سلسله پیشدادی نسبت داد که به اختصارمهمترین آنها را معرفی می‌کنیم.

۱. هوشنگ (هئوشینگه پرذات) : به معنی پرهوش و سازنده خانه‌های مجلل و بخشنده آنهاست و پیشداد به معنی (نخستین واضح قانون بشریت).

هوشنگ پیشدادی پس از دوران شهریاری پدرش کیومرث چهل سال سلطنت کرد او آتش را پدید آورد و جشن سده را بنیان نهاد.

فردوسی :

جهاندار هوشنگ با رأی و داد به جای نیا تاج بر سر نهاد

بگشت از برش چرخ سال چهل پرازهوش ، مغزوپراز داد، دل

۲. جمشید جم (ئیم خش ئت) : در میان پادشاهان سلسله پیشدادیان جم و فریدون مهمترین ، محبوبترین و معروفترین بودند .

جم فرمانروای دوران طلایی و شکوهمندی ایران زمین است که همه جا نیکبختی حکم فرماست. جم به معنی (زیبا چهر، زوج ، توأمان) و شید به معنی درخشان به سان خورشید است .



گرانمایه جمشید فرزند او کمر بست یکدل پر از بند او
برآمد بر آن تخت فرخ پدر بر سم کیان بر سرش تاج زر
کمر بست با فر شاهنشهی جهان گشت سرتاسر او را رهی
زمانه بر آسود از داوری به فرمان او دیو و مرغ و پری
جهان را فزوده بدو آبروی فروزان شده تخت شاهی بدوی
منم گفت با فرۀ ایزدی همم شهریاری همم موبدی
بدان را زبید دست کوتاه کنم روان را سوی روشنی ره کنم

فردوسی

۳. فریدون (نراتئون) : فریدون پسر خاندان اثویان ، دومین کسی است که گیاه هوم را برفشرد تا عصاره آن در آیین مذهبی نوشیده شود او کسی است که بر ضحاک چیره می شود و فرشاهی را که به پیکر مرغ وارغن از جمشید جدا شده بود به دست می آورد .

(پشت ۲۹) (یسنه ۹ - بند ۷-۸)



فریدون زکاری که کردایزدی نخست این جهان را بشت ازبدی

یکی بیشتر بند ضحاک بود که بیداد گر بود و ناپاک بود

فردوسی

۴. گرشاسب (گرساپ - گنجور شاه) : گرشاسب پسر ثرینه از خاندان سام سوارواز پهلوانان بزرگ اساطیر ایران است ولی در شاهنامه بسیاری از دلاوری های مربوط به او را فردوسی به رستم نسبت داده است .

گرشاسب پهلوان چنین درخواست می کند ، ای پاک - ای توانترین - ای اردوی سورآناهیتا - این کامیابی را به من ده که برگندروی زرین پاشنه درکناردریای فراخکرت پیروز شوم ، که من درروی این زمین پهن و گرد و بیکران به خانه استوارآن تبهکار بتازم و پیروز شوم . (بند ۳۸)

۵. کیکاووس (کوی اوسن) : بنا بر روایت دینکرد کیکاووس

نه تنها بر ایران که بر بخش بزرگی از جهان و مردم حکم می رانده وی هفت کاخ درمیانه ی البرز ساخته بود که یکی زرین ، دوتا سیمین ، دوتا پولادین و دوتا آبگینه بود (اکباتان کاخ هگمتانه) .

۶. کیخسرو (کوی هئوس روه) : کیخسرو پسر سیاوش ونوه ی کیکاووس بود. کیخسرو نیز یکی از جاودانان است که در آخرالزمان برای نوآراستن جهان بازمی گردد و یاور سوشیانت می گردد .

۷. توس : طوس پسر نوزد از پهلوانان باستانی و از جاودانان است که یاور سوشیانت برای برقراری عدل و داد در آخر الزمان است وی به همراه گیو و گرشاسب توسط کیخسرو در آخر الزمان بیدار می شوند. و در بندهش صفحه ۱۶۸ از او به عنوان (توس نوزدان) در کنار (گیو گودرزان) نام برده شده است . (زاد سپرم . فصل ۱۳۵ بند ۷)

۸. پاورو: کشتی رانی ماهر بود که در زمان پادشاهی فریدون از یاوران او بود .

۹. جاماسپ: از خانواده (هوگو) دومین ایمان آورنده به دین و داماد زرتشت پیامبر برادر فرسوستر، وزیر گشتاسب و دارای لقب (بیدخش) یعنی صدراعظم در فروردین پشت فروهرش ستوده می شود . درگزیده های زاد اسپرم فصل ۲۵ جاماسپ پس از زرتشت موبدان موبد خوانده می شود . جاماسب در ادبیات زرتشتی به خرد ودانایی و هنرمعروف است .

۱۰. اشوزده : در کتاب مقدس اوستا asavazdah پسر پورودافشت و تربیت پسران سایوژ از جمله جاودانانی است که علاوه بر پشت پنج در پشت سیزده بند ۱۱ نیز از او نام برده شده است .



اواز اپام نپات درخواست می کند که این کامیابی را به ماده که بر تورانیان دانوو برخاندان گرابسن و بروراسبن و بردورآکاتته دلیردر نبرد گیتی پیروز شویم. (بند ۷۳)

۱۱. ویستور: در بند ۱۰۲ فروردین پشت - ویستور به خاندان نوذر منسوب است. دارمستتراورا با گسته‌م یکی دانسته است. در پشت چنین آمده:

ای اردو سوراآناهیتا حال که من شمارفراوانی از دیویسنان را به خاک افکندم ولی در برابر این سپاه عظیم ومجهزتاب مقاومت ندارم.

ازاین رو مرا ای (ایزد بانوی بزرگ) گذرگاهی خشک ازمیان دریای درخشنده و تینگوهیتی آماده کن تا سپاهم بدون قربانی به عقب برگردند. (بند ۷۶-۷۷).

۱۲. یواپشت (یوشت فریان): بنابر گزیده های زاد اسپرم (فصل ۳۵ بند ۲) زند بهمن یسن (فصل ۲) دادستان دینی (پرسش ۹۰) و روایت پهلوی (فصل ۵۴) یکی از بیمرگان (جاودانان) است پدر او فریان ازتورانیان ، دوست زرتشت بوده است. یوشت یکی از پاکان دین زرتشتی است که در پشت ۱۳ بند ۱۲۰ به مناظره او با اخت جادواشاره می شود.

۱۳. هووها ونوزرها (نئوتر): هووها درگاهان (هوگو) اسم یکی از خاندان دولتمند است جاماسب و برادرش ازاین خانواده اند . نوزریان نیز خانواده ای هستند که کی گشتاسب منسوب بدان است اردوی سوراآناهیتا کسی است که مزداپرستان به پیرامونش گرد آمدند با شاخه های برسم به دست اوراهووها ونوزرها ستایش کردند.

۱۴. زیریر: به معنای (دارنده جوشن زرین) است . در پشت پنج اورا بنام دلاوری ایرانی معرفی می کند .



کازرون - رودخانه بیشاپور

اسطوره سیمرغ: واژه سن مرغا (Saena Meregha)

سیمرغ که در شاهنامه فردوسی پرنده ای با بال و پر فراغ و بسیار گسترده است مرغی است که راهنمای آدمیان می شود و زال را به آشیانه خود برده و بزرگ می کند در حقیقت سیمرغ نام زاهدی هوشیار و با تدبیر است که در کوه البرز قله قاف زندگی می کرده و چون زال را در سایه حمایت خود پرورانده نسبت به او و فرزندش رستم احساس مسئولیت و محبت می کرده و در موقع لزوم تدابیری تازه می آندیشید و آنها را به مرحله عمل در می آورده.

قنوس:

پرنده ای افسانه است که هر وقت از زندگی سیر شده و به انتها رسیده از درون خود را آتش زده اما دگر بار روحی نو در کالبدش دمیده و جان تازه ای گرفته و به پرنده ای نو ظهور تبدیل می گردید.

سمندر:

الهه موکل آتش نام پرنده افسانه ای باستانی که در آتش زندگی

می کند





گفتار پنجم

آتش

از آغاز تا به امروز آتش کانون آئین های هند و ایرانی بوده است که ریشه های آن به دوران زرتشت باز می گردد . آتش اسطوره ای است هم زمینی و هم ایزدی زیرا بر عقاید پیشینیان آتش واسطه میان انسان و خدایان بوده است که دو جهان را به هم پیوند می داده است . بنابر باور گذشتگان عنصر آتش در همه جهان پراکنده است . در خورشید که در آسمان برین است وجود دارد . آتش در ابر باران را فروخته می شود و به صورت رعد و برق به زمین فرود می آید و در اینجا دائماً به دست مردمان دوباره متولد می شود . مرکزیت آتش در دین زرتشتی شاید یکی از شناخته ترین جنبه های این دین باشد .



آتش نشانه‌ی مرئی حضور اهرامزداست، نمادی از نظم راستینش. یکی از دانشمندان پارسی می‌نوسید واقعاً چه چیزی می‌تواند بیش از شعله پاک و بی‌آلایش نماینده طبیعی خدا باشد که خود (نور جاودانی) است. (مسانی، ص ۸۰)

آتشکده‌های معروف ایران باستان

آتشکده‌های معروفی که قبل از ظهور زرتشت پیامبر جزومعباد ناهید بوده‌اند عبارتند از: آتشکده آذرگشسب آذرگسنسب یا آتش شهریاران: واقع درکنجک (شیز) واقع درآذربایجان ساحل دریای (جیت چست) دریاچه ارومیه کنونی.

۲. آتشکده آذربرزین مهر یا آتش کشاورزان: واقع درخراسان در کوه‌های الوند شمال غربی نیشابور.

۳. آتشکده آذرفرنغ یا آتش روحانیون: واقع درکوه درخشان (کوه اروند) در نزدیکی شهر کاریان فارسی که در نیمه راه بندر سیراف و دارابگرد بوده است. ساسان پدربزرگ اردشیر بابکان تولید این معبد را به عهده داشته است بنابراین آن دودمان همواره علاقه و احترام خاصی به این معبد داشتند.

همچنین چندین پرستشگاه مهم متعلق به ناهید وجود دارد که در دوران‌های بسیار کهن (پیش از مادها) در نقاط مختلف ایران بنا شده بود

که ما بعنوان نمونه از چند معبد یاد می کنیم. معبد ناهید درهگمتانه (همدان) پولیبوس ، مورخ یونانی که در سده دوم پیش از میلاد می زیسته است درباره آن چنین می گوید : تمام چوبهایی که در این بنا به کار برده شده از درخت سرو و سدر است ، تیرک های سقف و رواق و ستون های پرستشگاه هنوز با صفحات فلزات قیمتی پوشیده شده هنگام ورود آنتی خوس به این شهر تمام ستون های پرستشگاه هنوز با صفحات طلا پوشیده شده بود ولی در فتح اسکندریه تاراج رفت .



از دیگر معابد و
آتشکده های معرف
ایران باستان :
آتشکده تنگ گرم
(متعلق به دوره
ساسانی) - معبد

آناهیتا در کنگاور - آتشکده باکودر آذربایجان. آتشکده نورآباد فارس (دوره سلوکی - پارتی) و پرستشگاه هایی که بسیاری از آنها بازمانده های بناهای کهن هستند و به نام های قلعه دختر - کتل دختر - پل دختر و برج دختر که در سراسر ایران پراکنده اند روزگاری با ناهید ارتباط داشته اند معابد ناهید از غنی ترین معابد بوده اند و در شمار قلاع دفاعی معتبر به شمار می رفته اند .

بخش چهارم

چگونگی تشکیل پادشاهی ایران زمین

از ظهور پیشدادیان تا انقراض کیانیان

(سخنی کوتاه)

تمامی سنت های دیرینه ما ایرانیان از دیرباز زیبا گرانبایه و ارزشمند بوده اند.

اینک کودکان و نوجوانان سرزمینمان بایستی با هویت واقعی خود که همانا مذهب، آداب و رسوم فرهنگ و تمدن غنی میهن عزیزمان ایران می باشد آشنایی کامل داشته باشند.

بنابر این وظیفه جدی پدر و مادر ها، آموزگاران، دانشگاهیان، فرهنگیان و متوالیان علم و فرهنگ و ادب کشور است به سهم خود در حفظ و گسترش رسوم و سنن پر محتوی و گرانبقدر این مرز و بوم مقدس نقشی ایفا کنند.



شهر باستانی

بیشاپور - کازرون

گفتار اول

سلسله پیشدادیان

۱. کیومرث :

در کتاب مقدس اوستا چندین بار از ابوالبشر (کیومرث) یاد شده و از او بعنوان اولین پادشاه جهان نامبرده و بعنوان نخستین کسی که به گفتار و آموزش اهورا مزدا گوش فرا داد و از او خانواده ی ممالک آریا (ایران) و نژاد آریایی بوجود آمد یاد شده است . کیومرث چهل سال پادشاهی کرد و پارسیان او را گل شاه گویند . او پسرودختری بنام (مشی و مشانه) (آدم و حوا) داشت که داستانی بسیار جذاب و شیرین و مفصلی در منابع پهلوی دارد که از ایشان در مدت ۵۰ سال ۱۸ فرزند آمد. در زمان کیومرث کشاورزی و دامداری - پشم رستن و بافتن جامه و گلیم پدید آمد .

پژوهنده	نامه	باستان	که از پهلوانان	زند	داستان
چنین گفت که این تخت و کلاه	کیومرث آورد و او بود شاه				
کیومرث شد بر جهان کدخدایی	نخستین به کوه اندرون ساخت جای				
سرتاج و تختش برآمد ز کوه	پلنگینه پوشید خود با گروه				
از او آمد همی پرورش	که پوشیدنی نو بود و نو خورش				

فردوسی

۲. هوشنگ (هئوشینگه پرذات) :

دومین شاه ایران زمین بود که در کتاب مقدس اوستا در پشت های ۵-۹-۱۵-۱۷-۱۹ از او یاد شده . لغت پرذات به معنی اولین قانگذار بشر یاد شده و در ریگ ودا او را بنیان گذار جشن سده می دانند هوشنگ پدید آورنده آتش و طرز استفاده از آنست وی بوجود آورنده فلزات و جنگ افزار و کار افزار بود .
کندن کاریزها و هدایت آب- باب کردن خانه سازی و شهرسازی . بنای استخر دامغان از اوست . با این حال اول نام پیشداد بر هوشنگ افتاد زیرا اولین قانگذار بشر و نخست دادگر و عادل جهان بود .

مرکز فرمانروایی هوشنگ پیشدادی شهر استخر بوده و مردم وی و برادرش (ویکرت) را پیامبر می دانستند . اکثر مورخان مدت سلطنت او را چهل سال می دانند .

۳. تهمورث (تخم اروپ) :

تهمورث پسر هوشنگ سومین پادشاه پیشدادی و مدت شهریاری سی سال بود در کتاب مقدس اوستا چند بار در پشت های ۱۵-۱۹-۲۳ از او سخن به میان آمده تهمورث زیناوند به معنی تمام سلاح و دیوبند است وی علاوه بر داشتن مقام پهلوانی و شهریاری فردی مؤمن و خداپرست و بردین ادب بود . به روایت اکثر مورخان روزه گرفتن در زمان وی متداول و معمول گشت و سبب این امر آن بود که قحطی سختی در میان مردم بروز کرد و تهمورث به ملاحظه ی فقرا و یتیمان فرمان داد اغنیا به غذای شام اکتفا کنند و از خوردن غذای روز چشم پوشی کنند و آنرا به طبقات محروم بدهند . بموجب مأخذ پهلوی خط و پیدایش آن به اونسبت داده اند .

شهرهای فهندز - مرو - آمل - طبرستان - سارویه - اصفهان او بنا کرده است .

۴. جم شید (نیم خش ت): :

چهارمین شهریار سلسله پیشدادیان جمشید بود .

دوران شهریاری جمشید عصری طلایی تاریخ ایران است نام جمشید در گاتاها و پست های زیاد بچشم می خورد در پست های ۵-۹-۱۳-۱۵-۱۷-۱۹ از جمشید سخن می رود. جمشید بر فراز نای البرز کوه خدا را ستایش می کند و از او چنین می خواهد این کامیابی را به من ده ای دانای توانا که من در میان تولد یافتگان بشرفرهمندترین گردهم در میان مردمان خورشید سان باشم که من در شهریاری خود انسان و چارپایان را فنا ناپذیر گردانم آبها و گیاهان را خشک نشده سازم و انسانها غذاهای زبان ناپذیر خورند و زندگی مردمان را خوش و خرم و دور از گزند سازم .

جمشید جم به سبب ساختن وَرَّه (وَر) یا دژی زیر زمینی مشهور و مورد تمجید است . آفریدگار به او هشدار داده بود که مردمان گرفتار سه زمستان هراس انگیز خواهند داشت که در اثر آن مردمان و حیوانات و گیاهان نابود خواهند گشت . از این رو جم وری ساخت و تخمه های همه انواع حیوانات و گیاهان مفید و بهترین مردمان را به آنچه برد . کاملاً مشهود است که گر چه داستان طوفان سامیان (نوح) از این عقیده برداشت شده است ولی بنابر روایات متأخر ایرانی هدف از (وَر) این بوده که پس از اتمام آن زمستان که

در پایان تاریخ جهان پیش می آید ، دوباره جهان آبادان می شود . از آنجا که اسطوره ی مشابهی در عقاید اسکاند نیویان وجود دارد ، این احتمال هست که این دو سنت که صورت اولیه خود را حفظ کرده اند ، اسطوره هایی را در بر دارند که تاریخ آنها به هزاران سال پیش یعنی به زمان هند و اروپائیان باز می گردد .

در ادبیات سانسکریت جمشید یکی از خدایان هند و اروپایی بوده و بعد از جدایی هندویان و ایرانیان عقاید دیگری درباره وی آورده شده است در کتاب هفتم وینکرد از اقدامات اجتماعی جمشید دایر بر تقسیم کشور به چهار طبقه روحانیون - رزمیان - پیشه وران و برزگران سخن رفته است . جمشید نخستین کسی است که به دانش پزشکی پی برده و در بهداشت مردم کوشیده است از جمله ایجاد گرمابه برای مردم . وی اولین فردی است که جاده ها و شوارع را در کوهها و صحراها پدید آورد .

شراب انگور در دوران او تهیه شده همه مورخان و نیز شاهنامه فردوسی جمشید را جاودانه می دانند زیرا همگی در مورد هفتصد سال پادشاهی جمشید اتفاق نظر دارند.

طبق روایات و نوشته های منابع پهلوی ضحاک (اژی دهاک) با سپاهی بس گران و انبوه که تا آن زمان جهان به خود ندیده بود بطور غافلگیرانه ای به جنگ جمشید آمد. پس از کشته شدن جمشید بدست ضحاک مردم ایران از جور و ستم و بت پرستی ضحاک به ستوه آمده و دنیا پیش آنها تیره و تار گشت گویند دو پاره گوشت بشکل ماراز روی دوشهای او سربرآورده بود که آنها را نشانه ساحری خود می دانست و به توسط آنها مردم را بهراس می انداخت چون زمانی از بیدادگری او بگذشت آن گوشت پاره ها ریش گشت و

درد گرفت و بی قرار شد جادوگری شیطان صفت به او گفت مغز سر جوانان علاج آنست . پس هر روز دو جوان می کشد و مغز سر آنها روی زخمها می گذاشتند تا زمانی التیام یابد .

انقلاب کاوه آهنگر

در اصفهان آهنگری بنام کاوه دو پسر داشت که در یک روز مغز سر هر دو را بیرون آوردن کاوه چون خبردار شد بخروشید و کمک خواست و پوستی که آهنگران برپیش می بندند به مانند بیرقی برسرجوبی کرد و در شهربرافتاد مردم به کمک او شتافتند و عامل ضحاک را کشتند و زر و سیم خزانه را به مردم داد سپس به اهوازرفته عامل آنجا را بکشت و فردی را بجای او گذاشت و ازهرشهری مردم بسیار که دل پرازکینه ضحاک داشتند گرد او آمدند و لشکری گران تشکیل شد درآن موقع ضحاک در دماوند بود و فریدون و یارانش ازدست ضحاک در طبرستان پنهان شده بودند فریدون تا از قیام کاوه آهنگر مطلع شد خود را به کاوه رساند و او را آگاهی داد که از فرزندان جمشید شاه هشتم کاوه فریدون را امیر سپاه نموده و خود سپهسالار شد در جنگ سختی که در گرفت سپاه ضحاک هزیمت شده و ضحاک گرفتار فریدون شد او را در کوه دماوند زندانی کردند و ایرانیان از شروبلای او آسوده شدند .



درفش کاویانی

در کتاب مقدس اوستا لغت (گائوئین درفش) آمده که همان درفش کاویانی به زبان پارسی است. درفش کاویانی چرم پاره ای که کاوه آهنگر برسرچوب کرد و از مردم یاری طلبید به درفش کاویانی مشهور شد که بعدها فریدون آن درفش را مرمت نمود با گوهرهای فراوان و زیبا وارزشمند بیاراست و بیرق خود کرد که این درفش قرن‌ها سمبل و نماد مقدسی برای ایرانیان بود. تا زمان حمله تازیان وحشی بدست عمر بن خطاب افتاد وی گوهرهای آن را جدا کرد و درفش را در آتش افکند

۵. فریدون (ثرائتئون):

پنجمین شهریار سلسله پیشدادیان که در کتاب مقدس اوستا (ثرائتئون) خوانده می شود فریدون بود او در حماسه های ایرانی از ارج و ارزش بسیاری برخوردار است و فریدون پس از جمشید از بزرگترین شهریاران و ناموران باستانی بشمار می رود .

فریدون زاده گیلان امروزی بود که مادرش (فرانک) نام داشت و پدرش بنام ائوی (آبتین) یکی از اولین راهبان و سازندگان گیاه هوم بود .

هوم در ایران باستان گیاهی بسیار مقدس بوده و موبدان عصاره ی آنرا برای حفظ سلامت بدن به اشخاص می دادند این گیاه دارای ماده (افدرین) و ریشه آن مسکراور بوده است .

فریدون یکی از دختران ضحاک را به همسری گرفت که از او دو پسر بنام سرم (سلم) و تور حاصل شد و از همسر دیگرش بنام ایراندخت که پارسی نژاد

بود پسری بنام ایرج آورد فریدون پس از سالهای شهریاریش که امنیت و آرامش را بر ایران حکم فرما کرده بود در اواخر عمر ممالک خویش را بین سه فرزندش تقسیم کرد و خود به عبادت پرداخت فریدون کشورسرمایان را به سلم و توران را به تور و حصه ای که به ایرج تعلق گرفت (اثرین و بیج) ایران زمین بود ایرج در ملازمت پدر در ایران ماند سرم و تور بر ایرج رشک برده بر ایران لشکر کشیدند ایرج از پدر اجازه خواست که به تنهایی به دیدار برادران خود برود ولی آندو ناجوان مردانه برادر را کشته سرش را نزد فریدون فرستادند . فریدون مدتی پس از مرگ ایرج پادشاهی را به منوچهر داد و خود دلشکسته گوشه عزلت را برگزید .

۶. منوچهر (منوش چیترا) : ششمین شهریار سلسله پیشدادیان بوده است. منوچهر در آغاز پادشاهی به خونخواهی ایرج به سرزمین های سلم و تور لشکر کشید و پس از جنگی سخت آن دو را به هلاکت رسانید در این جنگ پهلوانان و سرداران نامی ایران چون سام- زال- منوچهر را یاری کردند . منوچهر مدت یکصد سال شهریار ایران زمین بود .

۷. نودر (تئوتر) : هفتمین شهریار سلسله پیشدادیان بوده است .

بنابر مندرجات کتاب مقدس اوستا نودر در شمار پهلوانان نامدار بوده و برخی از بزرگان و نامداران به خاندان وی منسوبند که نودریان نامیده می شوند . از اشارات یشت پنجم آبان یشت چنین برمی آید که کی گشتاسب از خاندان نودریان بوده است . از رویدادهای مهم این زمان جنگهای پیاپی ایرانیان با تورانیان به سرکردگی افراسیاب است که سرانجام با کشته شدن نودر پهلوانی

که در عصر منوچهر آغاز شده بود از بین رفت در این هنگام پشنگ شهریار کشور توران بود که با آگاهی از مرگ منوچهر طمع دیرین اندیشه تصرف ایران زمین در نهادش شعله ور شد پس دو پسر خود افراسیاب و اغریث را با سپاهی بس گران به جنگ نوذر فرستاد در این هنگام سه نبرد خونین بین افراسیاب و نوذر رخ داد که سرانجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد و افراسیاب بمدت ۱۲ سال تخت و تاج ایران را غصب کرد. اکثر مورخان مدت عمر نوذر را پنجاه و سه سال و مدت سلطنتش را ۷ سال نوشته اند.

۸. زاب یا زو (اوزو):

زاب از شاهان درجه دوم پیشدادی بشمار می رود چون نوذر کشته شد و افراسیاب مدت ۱۲ سال غاصبانه در ایران بر تخت نشست سرانجام پهلوانان ایران زمین به کنکاش نشستند تا شهر یاری بیابند و او را براریکه سلطنت استوار دارند و چون دو پسر نوذر یعنی توس - گستهم را برای احراض این مقام شایسته نمی دانستند.

بنابراین زو پسر تهماسب را به شاهی برگزیدند زو به یاری پهلوانان ایران زمین با افراسیاب به نبرد پرداخت که دو طرف پس از پنج ماه بی نتیجه دست از جنگ کشیدند و رودخانه جیحون را مرز ایران و توران قرار دادند و افراسیاب به سرزمین توران بازگشت زو که آخرین پادشاه سلسله پیشدادیان بود مدت هشتاد و شش سال عمر و ۵۰ سال در نهایت آرامش سلطنت کرد.

۹. گرشاسب (کرساسپ):

گرشاسب یا گنجور شاه پسر (زو- زاب) بعد از پدرمدت ۲۰ سال سلطنت کرد در دوران پادشاهی وی تورانیان که ایران را ضعیف یافتند دگر بار دست به حمله زدند و در همین احوال گرشاسب در گذشت و فرصتی برای اقدام متقابل بدست نیاورد و این فرجام کار سلسله پیشدادیان بود .

گفتار دوم

سلسله کیانیان

سلسله کیانیان به دو دسته تقسیم می شود . دسته اول از کیقباد - کی کاووس - سیاوش و کیخسرو . دسته دوم از لهراسب آغاز و به دارا ختم می شود .

۱. کیقباد (کوی کوات) :

نخستین شاهی که پس از انقراض پیشدادیان بر اورنگ شهریاری ایران تکیه زد کیقباد بود . بنابر مندرجات کتاب مقدس اوستا در آبان پشت فقره ۹۱ و بندهش کیقباد سر سلسله کیانیان پسر خوانده ی زاب پسر تهماسب بوده و چون زاب از خاندان نوذر پسر منوچهر است کیانیان از خاندان نوذر

بشماررفته اند در نامه ها و نوشته های تاریخی پهلوی شرح مبسوط و مفصلی از این نخستین شاه کیانی به چشم نمی خورد ولی بنابه نوشته های بندهش کوی کوات کودکی بود که پدر و مادرش او را در صندوقی نهاده در آب رها کرده بودند اوزو او را دریافت و به فرزند خواندگی پذیرفت و کواذ نام نهاد .

اوزو زنی که از مهتران ترکستان گرفته بود پنج پسر بنامهای کی افته - کی کاووس - کی آرش - کی پیشتین و کی ئیه آورد . کی قبادپادشاهی با عدل و داد بود و ایران را آباد و شهربلخ را پایتخت خود قرار داد در زمان اوجیحون حد میان ایران و ترکان بود و پس از داستانی شیرین که با زال و رستم نوشته اند کیقباد بعد از این ماجرا به استخر پارس که نشستگاه اوست عزیمت می کند درازی عمر کیقباد صد سال و مدت پادشاهیش ۸۰ سال نوشته اند .

۲. کیکاووس (کوی اوسن) :

در کتاب مقدس اوستا نام کی کاووس بشکل (کوی اوسدن) آمده وی دومین پادشاه خاندان کیانی ونامی ترین فرد آن سلسله است . برعکس کیقباد در نامه ها ونوشته ها و تاریخ پهلوی روایات زیادی درباره او وجود دارد .

کیکاووس پس از فراز و نشیب های فراوان توانست بر تمام دشمنان و جدایی طلبان داخلی فایق آید و همه آنها را تحت فرمان خود قرار دهد.

کیکاووس هفت کاخ تودرتو بنا میکند که حصارهای متمرکزی گرد آن قرار داشت و رنگ حصارهای مزبور بترتیب سفید - سیاه - ارغوانی - آبی -

سرخ - نارنجی - نقره ای و طلایی بود که طولانی ترین این حصارها با حصار آتن برابری می کرد.

و آن همان قلعه ای است که امروز اکباتان نامیده می شود و اکثر مورخان و پژوهشگران براین عقیده اند که دیوکس (دیاگو) بنیان گذار پادشاهی ماد آنرا تعمیر و بازسازی کرده است نه بنا .

یکی از جنگ های معروف کی کاووس جنگ با دیو سپید است که در آن جنگ شکست خورده و اسیر دیو سپید می شود و بعد از ماجرای جالبی و درازی که در نوشته های پهلوی و نیز در شاهنامه آمده است رستم با لشکریان ایران به کمک کیکاووس شتافته او و خانواده اش را آزاد کرد و دیو سپید شکست می خورد . (دیو سپید) گروه کثیری از آریایی ها ساکن مازندران کنونی بودند که با آریائیان پارس دشمنی می ورزیدند و چون تابع اصلاحات مذهبی ایران نشده و پیرو آیین قدیم پرستش دواها یا خدایان بودند ایرانیان آنها را دیو می خواندند .

ارژنگ شاه آنان شحنه را از بزرگان ملک است برای طلب یاری نزد دیو سپید می فرستند دیو سپید یکی از امرای بزرگ قبیله ی آریاهای مازندران و دارای سپاهی چندان گران و پرهیبت بود که لشکرکی کاووس را درهم شکست. از دیگر رویدادهای مهم این زمان دو بار فرمانروایان سه کشورها ماوران شاه بربرستان و فرعون مصر با هم همدست شده به ایران حمله می کنند که با سپاه ایران به امیرسالاری رستم به کارزار می پردازند و شکست می خورند و به جای خود برمی گردند .

۳. سیاوش (کوی سیاورش) :

در اوستا جز نام و اشاراتی ناچیز آگاهی دیگری از او بدست نمی دهد ولی در نوشته های پهلوی سخن فراوانی از وی به میان آمده سیاوش پسر کی کاووس که به پهلوی (سیاووخش) یعنی دارنده اسب سیاه (گنن نر) می باشد .

سیاووش یکی از پادشاهان هشتگانه کیانی بوده که پس از کی کاووس بر نواحی شرقی ایران سلطنت کرده و در جنگ با اقوام مهاجم تورانی کشته شده است . ساختن بنای گنگ دژ از اوست .

در شاهنامه فردوسی که از یک منبع مدون و منظم نقل شده است که متأسفانه از نام و نشان آن منبع آگاهی نداریم . بیشتر از سیاوش توصیف شده است و داستان عشق سودابه زن کی کاووس که عاشق سیاوش شده و سودای عشقبازی با وی را در سر می پروراند و همچنین گذشتن سیاوش از آتش و اثبات بی گناهی او سرگذشت بسیار مهیجی دارد .

۴. کیخسرو (کوی هئوس روه) :

در اوستا یشت نهم از کیخسرو یاد شده که او استوار کننده شاهنشاهی ایران بود و در زمان اودوکارمهم صورت گرفته : ۱- ویران ساختن بتکده های مشرکان درکناره دریای مازندران ، که همان دژ بهمن بت خانه معروف اوردس چار بوده است .

۲- کشتن افراسیاب تورانی که دشمن بی امان ایرانیان بود وی پس از شصت سال سلطنت از کار جهان و جهانداری دست کشید و آهنگ عزلت کرد.

بنابراین لهراسب را احضار کرد و او را به جانشینی خود انتخاب و معرفی کرد در این اثنا زال و دیگر امراء کشور با عقیده کیخسرو مخالفت ورزیدن ولی کیخسرو به زال اطمینان می دهد که لهراسب از نژاد کیانیان از نسل هوشنگ است و در هنرها و آیین کشورداری و جنگاوری از خبرگی خوبی برخوردار است.

از سه آتشکده معروف ایران یکی به کیخسرو منسوب است در زمان کیخسرو اولین آتشکده معروف ایران بنام (آتور گشسب) یا آذرگشسب که آنرا برفراز کوه اسنوند بنیاد نهاده شد

۵. لهراسب (اُوروت اسب) :

از نظرگاه تاریخی میان کیخسرو آخرین پادشاه دسته اول سلسله کیانیان و اولین پادشاه دسته دوم این سلسله خلاء و فاصله ای وجود دارد که این فاصله و خلاء به روشنی و وضوح دیده می شود.

به دلیل از بین رفتن بخشی از کتابت مقدس اوستا اسناد و مدارک تاریخی که این خلاء را توجیح کند و چگونگی وقایع این فاصله را مشخص کند اطلاع درستی در دست نیست.

لهراسب در جنگ با تورانیان بدست کهرم سپهسالار توران کشته می شود.

۶. گشتاسب (کوی ویشتاسپ):

در کتاب مقدس اوستا بویژه در گاتاها از گشتاسب یاد شده زرتشت در دوره سی ساله سلطنت گشتاسب به پیامبری مبعوث شده و به کمک او وزیرخردمندش جاماسب آئین زرتشت گسترش می یابد. بی شبهه گرویدن گشتاسب به دین زرتشت برای مؤمنان و روحانیون بهدین موضوعی بسیارمهم و غرورآفرین بوده است درمنابع پهلوی و شاهنامه و بویژه دراوستا دربخش گاتاها ازگشتاسب که پادشاه ناحیه خاوری ایرانست یاد شده که وی درزمان مبعوث شدن زرتشت می زیسته و همچنین از وزیرخردمندش جاماسب که بعدها داماد زرتشت می شود به نیکی یاد شده آنها همگام با زرتشت دراشاعه و گسترش دین و تعلیم مزدایی بسیار کوشیده اند درزمان ویشتاسب ایرانیان با تورانیان و زردپوستان شمال شرقی و خیونان نبردهای فراوانی کردند که به جنگ های مذهبی معروف است که شاهنامه دراین باره داستانهای مفصل و جالبی دارد.

در اوستا نام (هوت اسا) از خاندان نوذر بعنوان همسر گشتاسب و فرزندان وی اسفندیار و پشوتن و دو دخترش هوما (هما) و اریذ کتا نام برده شده است.

از سه آتشکده معروف ایران دو آتشکده در زمان گشتاسب بنیاد نهاده شد که عبارتند از: ۱. (آتور فرنیغ، آذر فرنیغ) یا آتش موبدان

۲. آتشکده (آتور برزین مهر) که در زمان ساسانیان شهرت و اهمیت فراوانی داشت و اولین آتشکده ایران در زمان کیخسرو که آنرا بر فراز کوه اسنوند بنیاد نهاده شده بود بنام آذر گشنسب یا (آتور گشنسب).



۷. اسفندیار (سپنت دات) :

در کتاب مقدس اوستا دو بارازاین دلاورنامدارسخن رفته است .

اسفندیار در راه گسترش آئین زرتشت جد و جهد فراوان بکار برده و به جنگها و لشکرکشی های بسیار دست زده بموجب یک نامه پهلوی اسفندیارو زیر برای نشر و توسعه آئین بهی به هند لشکر کشیدند و فتوحاتی بدست آوردند وی به اعتبار کوشش های ارجمندش مورد توجه و عنایت زرتشت بوده و بوسیله آن پیامبرایرانی روئین تن شده بود بهمین جهت هیچ سلاحی بر بدنش کارگر نمی افتاد. اسفندیار چهار پسر داشت ۱. بهمن ۲. مهرانوش ۳. نوش آذر ۴. آذر افروز توس .



۸. بهمن (وهمن ، وهمنه) :

پس از کشته شدن اسفندیاردست رستم از کار خود پشیمان شده از سلطنت کناره گیری کرد و نوه اش که پسر بزرگ اسفندیار می باشد تخت و تاج پادشاهی را به او واگذار می کند . وی به انتقام خون پدرش اسفندیار با کمک پادشاه کابل شغاد یا شغای به سیستان و زابلستان لشکر کشید و طی جنگی خونین رستم و پدرش دستان را می کشد و طی نبردی دیگر فرزند رستم فرامرز را بهلاکت می رساند و برادرش او زوادگ (زواره) و بسیاری از همراهانش را به اسارت می برد و مادر رستم را در چاهی انداخته او را می کشد .

بدینوسیله افراد خاندان دلاور و جنگاوری که سالها به این مرز و بوم خدمت کرده بودند نابود کرد و سیستان را به آتش کشیده و به ویرانه ای تبدیل می کند. پایتخت بهمن شهر بلخ بود و بهمن شاه در اواخر زندگانی خویش پادشاهی را به دخترش هما وا گذاشت و خود از سلطنت کناره گیری کرد .

۹. هما چهرزاد و داراب بزرگ :

هنگامی که همای چهرزاد بر تخت پادشاهی نشست برادرش ساسان به نیشابور رفت و دیگر هیچگاه به بلخ بازنگشت و نامی از خواهر نبرد . هما بنا را بر عدل و داد نهاد شهرها را آباد کرد رعیت را نواخت و موجبات رفاه و آسودگی مردم را فراهم آورد سپس پسری به دنیا آورد ولی از بیم برادرش و بزرگان کشور با توجه به وصیت بهمن شاه تاج و تخت را از او بگیرند و او را بکشند شب هنگام فرزند را به همراه مقدار زیادی زر و یاقوت و زمرد در

صندوقی نهاد آنگاه صندوق را قیر اندود کرد آنرا به دجله افکند و چنین وانمود کرد که جنینش سقط شده است بطوری که مورد قبول مردم قرار گرفت. گازی صندوق را از آب گرفته کودک را داراب نام نهاده بزرگ کرد و چون به سن رشد رسید به تربیتش همت گماشت. داراب از کودکی شجاع و به سواری و تیر و کمان علاقه فراوان داشت.

به گفته کتابهای فردوسی - طبری - بلعمی روزی داراب سرگذشت خود را از پدر و مادر خوانده اش خواستار می شود و چون حقیقت را می یابد.

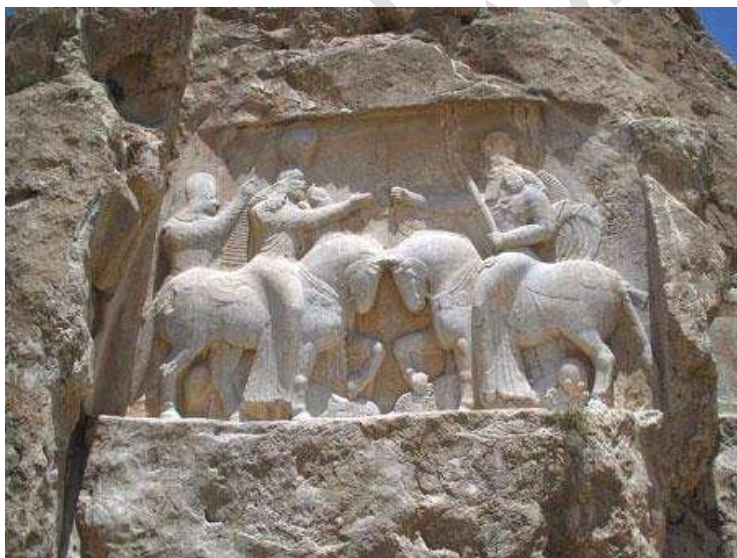
با شمشیر و سپر سوار بر اسب رهسپار بلخ پیش مادرش روانه می شود. در آن هنگام رشنواد سردار ایرانی به دستور هما عازم جنگ با متجاوزین است داراب نیز مصرانه با وی دوش آدوش سردار ایرانی به جنگ رفته و در نبرد با دشمنان آنچنان رشادتی از خود نشان می دهد که رشنواد سردار ایرانی و دیگر پهلوانان خیره می مانند.

هما داراب را با تشریفات ویژه ای به درگاه برده بارعام می دهد و مردم را آگاه می سازد که داراب پسر او و وارث تاج و تخت بهمن است آنگاه تاج را بر سر فرزند خود نهاده از سلطنت کناره گیری می کند. مدت پادشاهی هما ۳۲ سال بود. سپس هما درخواست می کند که حکومت پارس را به وی واگذار کند پس از سی سال حکومت پارس هما در سن ۸۰ سالگی چشم از جهان فرو می بندد سپس داراب پارس را پایتخت قرار داده برهر دو خطه فارس و بلخ فرمان می راند.

داراب شهریاری نیرومند و توانا بود اغلب کشورهای جهان به او خراج می دادند دوران پادشاهی ۱۲ سال و مدت زندگیش ۵۰ سال است.

۱۰. دارا (داراب کوچک) :

پسر داراب پس از مرگ پدر بر تخت شاهی نشست و به کشورگشاهی پرداخت و شهر بابل (عراق) را پایتخت خود قرار داد. دارا شهریاری بیدادگر و ستم پیشه بود چون مردم از او ناخشنود بودند از دورش متفرق شدند و تورانیان فرصت را غنیمت شمردند و به ایران لشکر کشیدند که در ۱۴ همین سال شاهی دارا در سن سی و پنج سالگی در جنگ کشته شد و ایران بدست تورانیان افتاد و خاندان کیانی منقرض شد.



بخش پنجم

نخستین دین، نخستین پیامبر، نخستین کتاب آسمانی

به موجب همه شواهد و قرائن موجود و همچنین به موجب نوشته های شمار زیادی از مورخان، پژوهشگران، دانشمندان علم باستان شناسی و ادیان شناسی معتبر دنیا در قرن معاصر و همچنین بر اساس اسناد و مدارک محققان و نویسندگان عهد باستان می توان نتیجه گرفت که همگی نظریاتی کاملاً نزدیک به هم داشته و معتقد اند که ظهور دین زردشت مقارن با شهریار ی کوی ویشناسپ (گشتاسب) پنجمین شاه از سلسله کیانیان زمانی حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح می باشد. بی شک کتاب مقدس اوستا نیز اولین کتاب آسمانی است که توسط نخستین پیامبر خدا برای راهنمایی و نجات بشر فرستاده شده است.

گفتار اول

آئین زرتشت پیامبر ایرانی

مهمترین سند ما درباره آسوزرتشت گاتِه ها (گات ها) یا سرودهای وی می باشد با همین منابع و مأخذ اندک، موجودیت این بزرگ مرد تاریخ را مسلم و بی خدشه و تردید می نمایاند. در این سروده ها که با زبانی بسیار کهن گفته شده از نام و نشان و آموزش ها و برپایی یک دیگر گونی ژرف در تفکر و اندیشه ی دینی اجتماعی آن عصر آگاه می شویم. برپایه و بنیان

همین سرود هاست که کم و بیش می توان سیمای فکری و اصلاحات و عقاید این آریایی اندیشمند را ترسیم کرد. هر چند که رویدادها و جزئیات زندگی این آریایی آزاده از لحاظ روز شماری و سالماری در پرده تاریکی و ابهام باقی است، ولی به موجب مدارک و نوشته های متأخری چون آثار موبد- زات- سپرم در سده سوم ه. ق و همچنین کتاب دینکرد که به خط و زبان پهلوی تدوین و نوشته شده است و منظومه زراتشت نامه سروده زردشت بهرام پژدو که به سده ی هفتم ه. ق سروده شده و پراکنده نویسی هایی در مجموعه ماندگار های ادبیات عصر ساسانی و نوشته های مورخان یونانی و رومی از سده ی چهارم پیش از میلاد به بعد و نوشته های پراکنده دیگر از آباء کلیسا و کنیسه در سده های میانه و همچنین نوشته هایی از مورخان اسلامی از سده ی سوم تا هشتم ه. ق بسا آگاهی ها از زندگی این رادمرد تاریخ گردآوری توان کرد.

مورخان و فیلسوفان یونانی از سده ی چهارم پیش از میلاد درباره قدمت زمان و فراوانی سرودها و عمق فلسفه و تأثیر عقایدش بر فلاسفه بزرگ و جریان های فکری بسیار سخن گفته اند. سال ۱۷۰۰ میلادی در اروپا، سالی بود که یک کتاب منشأ رستاخیزی بزرگ را فراهم آورد، که بحس و گفتگو و جنجالی برانگیخت که اذهان و افکار را به سوی زردشت و افکار و تعالیم و کتاب وی معطوف نمود، و حتی معلوم شد که پیروان آن آشو هنوز در ایران و هند زندگی می کنند.

کتابی که اشاره شد اثر تحقیقی درباره ادیان ایران باستان از شرق شناس نامی انگلیسی توماس هاید (Tomas Hide) است. بعد ها به سال ۱۷۷۱ میادی یعنی هفتاد سال پس از این کار که نقطه عطفی بود، ترجمه اوستا به

زبان فرانسه توسط انکتیل دو پرون (Aquatic Du Peron) تحت عنوان زند اوستا منتشر شد. بنابراین اوضاع دگرگون گشت و به زودی دامنه تحقیقان آنچنان وسعت یافت که در آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم گلدنر (Goldner) بزرگترین و عظیم ترین متن تصحیح شده اوستا را در سه جلد بزرگ منتشر کرد، که در پی آن ترجمه های انتقادی درست و خوبی انجام شد، که در مغرب زمین با سرعت و شگفتی آئین زردشت شناخته شد و بر فرهنگ اروپایی اثرات فراوانی بر جای نهاد. پس از اروپا در آمریکا و آسیا این دانش، یعنی دانش اوستا شناسی رونق یافت. بیشترین سهم در این مهم، از آن آلمانی هاست و در فرانسه و انگلستان و اغلب کشورهای جهان تعمیم و گسترش یافت. هر چند که در اروپا چنان اندیشه می شود کارهایی که درباره اوستا شناسی لازم است تقریباً انجام شده اما با آن همه کار و انبوه کتاب ها تحقیقات، هنوز راهی دراز در پیش است.

شاید بنابر عنوانی که در فروردین یشت و جاهای دیگر اوستا برای اشو زرتشت آمده و آتربان و زئوتر نامیده شده و بسا اشارات دیگر، بتوان گفت که پیش از پیامبری و برانگیختگی نیز آگاهی کامل از مذهب و دیانت و روحانیت داشته است. بر پایه و اساس همین آگاهی از مذهب و دیانت بود که به نقاط ضعف و نارسایی های آن آگاه و واقف شده و خود دیانتی نو بنا نهاد که هزاران سال است تداوم داشته است.

بنیانهای این دین پیش از آنکه مبتنی بر مسائل فوق طبیعی و به ایزدان و خدایان و آداب و رسوم در قربانی و شایست و ناشایست ها و عبادات و مناسک باشد، در فلسفه و سرشت ماده (طبیعت و انسان) و کار و کوشش و سازندگی های اجتماعی و مسائل اخلاقی بود.

آشو از لحاظ ثروت و قدرت پشتوانه ای نداشت، چون رسالت خود را آشکار ساخت، شاهزادگان و رؤسای طوایف و روحانیون دینی با او به مخالفت پرداخته و در آغاز حتی موفق به آزار و اذیت و تبعیدش از دیارش شدند. اما او با پایمردی و استواری به موجب سنت، ده سال به تبلیغ پرداخت که جز تعداد اندکی گردش نبودند، سرانجام زمان رسالت فرا رسید و او برای عرضه آیین نو، به دربار نزد شاه و یشتاسب می رود، وی برای شاه اصول و عقاید و آیین خود را بیان می کند، هر چند شاه و یشتاسب را خوش می آید اما پذیرش را موقوف به آن می نماید که پیامبر با خردمندان و دانشمندان و روحانیان درگاه بحث و گفت و گو نماید و در صورت موفقیت دین وی پذیرفته شود.



جاماسب و فرشو شتر از وزیران و خردمندان دربار و مشاوران شاه، پس از بحث و مجادله فراوان فریفته اصول اخلاقی و سادگی جنبه های عملی و سازندگی دین زردشت شده حقانیت و راستی آنرا اعلام می کنند بنابراین در زمانی کوتاه آیین جدید با سرعت پراکنده می شود و انتشار می یابد اما چنانکه اشاره شد تیره ها و طوایفی از آریانهها دین مزدایی زردشتی را نمی پذیرند بلکه برادران خود را نیز سرزنش می کنند که از آیین قومی و نیاکان خود روی گردانده اند.



گفتار دوم

کتاب مقدس اوستا

واژه اوستا از لحاظ معنی پس از حدود دو قرن جستجو و تحقیق هنوز هم مبهم مانده و یا لافل اتفاق نظری حاصل نشده است، علت آن است که این کلمه در خود کتاب مقدس نیامده است نه در کتاب مقدس اوستا بلکه در هیچ زبان و لهجه هند و ایرانی و آریایی نیامده است و این به صورت یک راز باقی مانده است، به همین جهت دانشمندان برای توجیه و دریافت و وضع معنی بر آن از ریشه ها و کلمات مشابه و اشتقاق های کلمات همانند بهره برده و به معنی و تفسیر پرداختند.

زبانی که کتاب مقدس اوستا بدان نوشته شده همانا زبان مادری زردشت و پیروان آن آشوبود و با زبان های مادی و هخامنشی ردیف اول و زبان هندی باستان سنسکریت ودایی از یک خانواده است و می توان گفت که زبان فارسی باستان یعنی زبان سنگ نوشته ها به شاخه ای از زبان ایرانی هند و ژرمنی تعلق دارد.

کتاب مقدس اوستایی که هم اکنون در دست ماست تقریباً یک هشتم اوستای کامل آن زمان است، البته بجز قسمت گاتها که همان الهاماتی است که به وسیله فرشته وحی (سروش - وهومنه) به پیامبر رسیده که به طور معجزه آسایی دست نخورده باقی مانده است، و الا دیگر قسمت ها از گزند روزگار مصون نمانده است. از لحاظ محتویات کتاب مقدس علاوه بر گفته هایی از اشو زردشت و همسرش و یاران دانشمندش شامل مطالب تاریخی، جغرافیا، نجوم، تقویم و گاه شماری و چگونگی کبیسسه، پزشکی، پاکی و

ناپاکی، تقوا و زهد و دین داری، آداب و سنن و فقه و اخلاق مزدایی، ازدواج، داستان های کهن، دادگری، کشورداری، قانون، دولت و ... می باشد.

در اغلب روایات مورخان ایرانی و یونانی و اسلامی چنین اخباری را که حاکی از شمول و عظمت کتاب مقدس اوستاست که در زمان یورش اسکندر سوزانده شده آمده است. پس از دوران فترتی که دنباله سقوط پادشاهان هخامنشی روی داد، در زمان پادشاهان مقتدر و آزاد منش اشکانیان جنبشی برای تدوین و تهیه و مکتوب کردن کتاب مقدس بوجود آمد. در کتاب سوم دینکرد شرح این جنبش با اشاره کوتاهی آمده است، به موجب این اشاره با یورش اسکندر به ایران کتابخانه های سلطنتی نیز به مانند دیگر آثار به یغما رفته و بسیاری نابود شدند. پس از این واقعه تلخ نخستین کسی که به گردآوری قطعات پراکنده کتاب مقدس اقدام کرد (ولخش) یا بلاش پنجم پادشاه اشکانی بود، که مقارن با نرون امپراتور روم بسال ۵۱ تا ۷۸ میلادی بود. مطابق فرمان بلاش اشکانی عده ای مأمور شدند تا قطعات موجود اوستا را گرد آورند همچنین عده ای از روحانیون نیز که مقادیری قابل توجه از کتاب بزرگ را سینه به سینه از بر داشتند آنها را مکتوب کردند و هیأتی از کارشناسان آنچه را فراهم آمد مدون ساختند. پس از این نهضت در زمان ساسانیان نیز نخستین کسی که به کار تدوین و ترتیب کتاب مقدس همت گماشت اردشیر بابکان بود که میان سالهای ۲۲۴ تا ۲۴۲ میلادی شهرپاری کرد. به فرمان وی، با سعی و کوشش فراوان آنچه را که ممکن بود از کتاب مقدس را گردآورند و مدون ساختند، پس از او پسرش شاپور اول به سال ۲۴۲ تا ۲۷۲ میلادی نیز در این مهم کوششی فراوان نمود. پس از وی در زمان شاپور دوم شهریار بسیار قدرت مند ایران که مدت ۷۰ سال بر نیمی

از جهان حکم می راند بین سالهای ۳۱۰ تا ۳۷۹ میلادی با سعی و کوششی آذر بد مهر اسپندان که از دانشمندان و روحانیون نامی آن زمان بود، کتاب مقدس اوستا را که شامل بیست و یک نسک (جلد) بود با تجدید نظر کامل به صورتی دقیق و صحیح تدوین کرد، از آن پس شاپور دوم اعلام کرد که کتاب مقدس کامل و بدون خدشه است و کسی را نشاید که شک و گمانی در اصالت آن روا دارد.

لذا کتاب مقدس موجود که امروز ما از آن بهره میبریم تقریباً یک چهارم زمان ساسانیان می باشد، چون حاصل آن همه تلاش و گردآوری و صرف وقت و حاصلی که پس از سالها زحمات طاقت فرسا بدست آمد، در یورش تازیان بی فرهنگ و دانش همراه با بسیاری از مفاخر و آثار دیگر تمدن و فرهنگ ایران زمین ویران شد و از میان رفت. از کتاب مقدس آن مقداری که پس از آن حادثه شوم (یورش تازیان) برای ما باقی مانده است شامل پنج بخش است که عبارتند از:

۱- یسنا ۲- ویسپرد ۳- یشت ها ۴- خرده اوستا ۵- وندیداد

۱- یسنا (یسن)

نیایشهایی است در ستایش آفریدگار و آفریدگانش که این بخش زیر عنوان گاتها و الهاماتی است که از طریق فرشته وحی (سروش - وهومنه)

به اشو زردشت بوده که مستقیماً به پیامبر و آیین او بستگی دارد، در این سرود از ورای قرونی بسیار صدای آرام و مطمئن زردشت را می شنویم که او برای همه آفرینش از درگاه خداوند رامش و آسایش خواهان است.

۲- ویسپرد

موضوعش برگزاری جشن های شش گانه سال بنام گاهانبارها - سرایش و گزارش گاتها در آن روزهاست، ویسپرد بیست و چهار کرده یا بخش دارد و بخاطر برگزاری آئین جشن ها بسی ارزنده و مهم می باشد.

۳- یشت ها

یشت ها وابسته به زمانی حدود ۱۰۰۰ سال پس از زردشت پیامبر و یاران پاک اوست، که بیشتر به صورت قصیده های حماسی در ستایش برخی ایزدان و امشاسپندان (جاودانان) است.

۴- خرده اوستا

خرده اوستا نیایش هایی به زبان اوستایی و افزوده های پازند و پارسی بوده و بطور کلی برای روشن گردانیدن این نیایش ها به زبان ساده تری برای درک بهدینان است.

۵- وندیداد

وندیداد یا قانون ضد دیو که ۲۲ فرگرد یا بخش دارد و گذشته از بکن و مکنها پیرامون پاکی و ناپاکی، اخلاق، کیف‌های گناه، پزشکی و پرستاری، گفته‌هایی درباره تاریخ و جغرافیای ایران زمین، داستان جمشید و کوشش ناکام اهریمن برای فریفتن اشو زردشت جزء آن است.

گفتار سوم

اصول دین

دین زردشتی بر مبنای یکتا پرستی است و جز این باوری ندارد.

معاد

معاد یعنی تعلیمات مربوط به آخرین امور جهان که رکن اساسی و شناخته شده‌ای در تعلیمات دین زردشتی است، بسیاری از دانشمندان بر این اندیشه‌اند که این تعلیمات منبع اصلی است بر تمام ادیان دنیا، منبعی که هم بر اعتقادات شرق و هم بر اعتقادات غرب تاثیر اساسی گذاشته است، از جمله‌اند ادیان یهودی و مسیحی و آیین‌های هندی و بودایی که همه متأثر از تعلیم زردشت پیامبر بوده است. اصول دین زردشتی بر سه

ستون استوار است: ۱- پندار نیک ۲- گفتار نیک ۳- کردار نیک که خود چهار پایه دارد:

۱- یوغ بندگی و بردگی را برمی اندازد و سود جویی و استعمار گروهی بر گروه دیگر از میان می برد و همه را همبر و همسر و برابر یکدیگر می شناسد و شایستگی یک کس را در اجتماع بسته به کار و کوشش او در راه درستی می داند.

۲- در جهان دشمنی و کینه توزی، انتقام جویی ستیزه و جنگ را بر می کند و به جایش دوستی و آشتی و آرامش را می نشاند.

۳- به هر کس آزادی و آزادگی می بخشد تا تنها نیازی که مردم به یکدیگر داشته باشند در زمینه همکاری باشد.

۴- راستکاری و درستکاری در هر کار چه برای خود و چه برای دیگران

و پابندی آئین راستی و قانون آفرینش را می آموزد.

عناصر مقدسی

آتش - آب - خاک - باد (هوا)

به نظر پیامبر پدیده های آفرینش را باید با چشم روشن



نگریست و بجای آنکه به پرستش پنداری آنها پرداخت، یا بر عکس آنها را بی ارزش دانسته نبود ساخت، باید به آنها ارج درستی گذاشت و از آنها درست سود جست.

بر این عقیده اهورا مزدا جهان را در شش هنگام آفرید:

۱- آسمان ۲- خاک ۳- آب ۴- گیاهان ۵- جانداران ۶- انسان

هفت صفات پروردگار

هفت صفات خدایی که تن و پیکری بخشیدن و از آنان هستی یانی چون فرشتگان ساختند عبارتند از: ۱- وهومنه (بهمن) منش نیک ۲- سروش فرشته وحی و نگهبان ۳- اش و هیسته (اردیبهشت) بهترین راستی ۴- خستره و ئیریہ (شهریور) شهریاری برگزیده الهی ۵- سپنته آرمئیتی (سپندار مذ) اسفند - درست اندیشی افزاینده ۶- هئوروات (خرداد) رسایی و کمال ۷- امرتات (امرداد) بی مرگی و جاودانی.

پنج نیروی خداوندی در وجود متشکله انسان

۱. اهو (جان) قوه محرکه و نیروی حیاطی که جنبش و حرکت و حرارت غریزی زندگی است.

۲. اورون (روح) روان که خود متشکل از شش نیروی خدادادی است (اندیشه، گفتار، رفتار، هوش، ویر، خرد)

۳. دئنا (وجدان) که همان واژه مصطلح دین باشد. در اوستا به معنی وجدان و نیروی درآکه و نیروی ممیزه که انسان را از منکرات نهی می کند و در روز واپسین مورد مأخذ قرار می گیرد.

۴. بَتَوَذَّ (بوی، هواس، نیروی فهم و دراکه)

۵. قَرَوَشی (قَرَوهر) بهره ای است از نیروی خداوندی در وجود انسان (نیکان) که به ودیعه گذاشته شده این واژه در اوستا فروشی و در فارسی باستان قَرَوَرَدتی و در پهلوی فروهر و فروردین به صورت جمع تلفظ می شود؛ که ذره مینوی و والاترین اجزای متشکله نیروی های آدمی است یعنی نیروی پیش برنده و تعالی دهنده و روح اعلائی انسانی، هر فردی هنگام تولد این نیروی خداوندی و ذره ای از انوار لایزال ایزدی در بدنش حلول می کند و چون درگذرد این روح ایزدی دوباره به خواستگاهش که همان عرش اعلاست صعود می کند.

نماد فروهر (فروشی)

بیش از هشت هزار و پانصد سال پیش نیاکان مادر یافته بودند که هر انسان زنده از تن - جان - روان - وجدان - فروهر سر شته شده است که

پویندگی و بالندگی از کوشش و جوشش آنهاست. فرَوهر از دو واژه (فره) به معنی جلو - پیش وهر یا (وَرْتی) به معنی پرنده و کشنده درست شده است و شاید بتوان گفت از نظر زندگی فروهر بزرگترین و با ارزش ترین جزء وجود انسان است، چون پرتوی از هستی بی پایان اهورامزداست که انسان را به سوی رسایی رهنما می شود.



و وظیفه پیش بری و فرابری برای انسان به برترین پایه ی هستی را داراست و پس از مرگ با همان پاکی و درستی به اصل خود (اهورامزدا) می پیوندد.

نگاره زیرازنظر زرتشتیان نمایانگر شکل فروهر است و به عنوان نشا نواره ی دین زرتشتی به کار می رود .

این نگاره گذشته ی هشت هزار و پانصد ساله داشته و شبیه آن در جاهای دیگر و نزد اقوام دیگری نیز دیده شده است.

هر پاره از نگاره فروهر یادآور اهمیت و مسؤ لیت فروهر در زندگی مادی و مینوی است.

۱_ سر: سر فروهر به صورت مردی سالخورده است تا با دیدن آن به یاد می آوریم که مانند

بزرگان و خردمندان با تجربه ما را راهنمایی می کند.

۲_ دست ها: دستهای فروهر به طرف بالاست به خاطر آنکه همیشه به اهورا مزدا توجه داشته با شیم و فقط از او یاری بخوایم.

۳_ حلقه ی در دست: وجود آن حلقه نشانه احترام به عهد و پیمان است که باید جداً به آن عمل کرد.

۴_ بال ها: بالها ی فروهر باز است چون بادیدن بالها ی باز ذهن انسان متوجه پرواز و پیشرفت شده واز دیدن این دو بال فوراً به یاد می آورد که او را به سوی پیشرفت و سر بلندی راهنما ی می کند.

همچنین هر بال خود دارای سه بخش است که نشانه اندیشه نیک، کردار نیک، پندار نیک بوده

وبا دیدن این سه بخش آگاه می شویم که هرگونه پیشرفتی باید از راه درست یعنی بوسیله گفتار و رفتار واندیشه نیک انجام شود.

۵_ دایره میان شکل: دایره خطی است منحنی که از هر نقطه آن شروع کنیم باز به میان نقطه شروع خواهیم رسید، منظور از این دایره در میان فروهر نشان دادن روزگار بی پایان است، به این معنی که هر عمل و کرداری که در این زندگی (روی دایره) صورت گیرد، نتیجه آن در همین دنیا متوجه انسان است و اثر آن باقی خواهد ماند.

(باز به همان نقطه دایره خواهد رسید) ودر جهان دیگر روان از پاداش یا جزای آن برخوردار خواهد شد.

۶_ دامن و دو رشته آویزان: دامن فروهر از سه قسمت بوجود آمده که نشانه ی گفتار ورفتار واندیشه بد است.

از مشاهده این سه بخش در می یابیم که همواره باید گفتار وکردار وپندار بد را به زیر افکند پایمال کرده پست و زبون سازیم (همانطور که دامن در زیر قرار دارد).

دورشته آویخته: این دورشته نشانه ی سنپتامینو (خوب) وانگره مینو (بد)است که همیشه ممکن است در اندیشه ی انسان ظاهر شود پس

وظیفه هر متقی این است که خوبی را اندیشه خود قرار داده عمل نماید، و بدی را از خود دور کرده و نیک بیندیشد.

(فَرّ)

در کتاب مقدس اوستا از دو فَرّ سخن رفته است:

فَرّ ایرانی یا فَرّ شکوه و شوکت ایران (آیثرینم خَوَرَنَه) و دیگری فر کیانی (کَوَثَنِم خَوَرَنَو)

فَرّ عبارت بوده از نیروی پشتیبان و تأئیدی که ازسوی اهورا مزدا به سر زمین ایران و

فرمانروایانش قرار می گرفت و تا هنگامی که خواست اهورا بود و آن پادشاهان از خط عدل و داد گستری و مردم داری و دین پروری خارج نشده بودند فَرّ بدانان بود که با نیرومندی فرمانروایی می کردند اما هر گاه شاهی از راه عدل و داد و انصاف و مردم داری بیرون می شد فَرّ نیز وی را ترک می گفت و بدین سبب سقوط می کرد واز میان می رفت.

به موجب تو ضیحات (پشت نوزدهم ۱۹ در کتاب مقدس اوستا) فَرّ کیانی نیروی معنوی است که قابل ستایش و تقدیس بوده و اهورا آفریده است و به موجب مقام و معنویت و کارایی اش، در سر همه آفریده ها قرار

گرفته و جزء لا یتجزای وجود اهورا مزداست، و در پرتو همین نیروی لایتجزایی بود که اهورا مزدا آفرینش را در کمال زیبایی پدید آورد.

پس از آن خداوند، کسانی را که شایستگی داشتند، متظاهر به این نیروی معنوی و فوق العاده کرد تا آنان بتوانند در جهان مادی منشأ خدمات و اثرات نیک و شایسته باشند، چنانکه شو شیانت ها را به این فرآرسته خواهد گردانید تا در روز رستاخیز در نیات خیر خود کامیاب شده و بر دیوان و اهریمن و عاملان شروفساد پیروز شوند.

سوشیانت: (موعود دین زرتشت در رستاخیز جهانی است که دنیا را)

(از تسلط اهریمن می رهند و عدل و داد بر قرار می گرداند)



(آتش نیایش)

آتش یا (آتش بهرام ایزد) به معنی: مقاومت شکن _ پیروزمند
و عبادتگاه یا آتش گاه را (آتور هرام ایزد) نامند.

در روز نهم هر ماه که آذر یا آتش نام دارد و همچنین در جشن های
ویژه آتش در آغاز درود و نیایش است برای آتش سود رسان اهورا داده و
سپس خواننده دعای (اسم وهو): ...

آن گاه متن اصلی آتش نیایش تلاوت می شود:

می ستائیم آتش را که آفریده اهورا مزداست .

ستایش پاک تورا باشد، ای آتش پاک گهر، ای بزرگترین بخشوده
اهورامزدا، ای فروزه بی که در خوری ستایش را.

تو ای آتش اهورا مزدا، تو ای جلوه گاه آن بزرگترین سزاوار ستایش،
فروزان باش در این خانه ، همشیه، و همشیه تا زمان بی پایان.

آن گاه است که نیایش کننده گان، به گوش جان می شنوند آوای
آرامش بخش آتش را که:

برخودار باشید از اندیشه بی روشن و هوش زیاد و آزادی و سرافرازی
و نیرومندی و دلیری.

برخودار باشید از دشت های انبوه و بهره دهنده، از خانه های گسترده و زیبا و پرآسایش که آوای فرزندان دلیر از آنها بر خیزد، که آرامش بخشد شما را، و کشور را.

چون نیایش کنندگان این چنین شنیدند با گوش جان، آفرین ایزد بلند پایه را، برای واپسین بار نیایش می کنند این چنین:

درو و ستایش به توای آتش اهورا مزدا. می ستائیم این روشنی پاک و درخشان را، اینک که به ما آشکاری، توان و نیرو بخشای تا بهترین گفتار و کردار و پندار را داشته باشیم، پاریمان ده که با بدی و زشتی و دروغ پیکار کنیم، روان مارا پالوده گردان از بدی و راه بی فرجامی، تا شایسته ی پرستش اهورای بزرگ باشیم. می ستائیم همه امشاسپندان (جاودانان) را، ایزدان مینوی سپهر منش و گیتی منش را، فروهر های پارسایان را که نخستین گروندگان آئین بودند، و زرتشت را و خاندانش را.

(آب نیایش)

می ستائیم آب را که آفریده اهورا مزداست.

ستایش می کنم تو را، ای آردو سیور آناهیتا.

می ستائیم تو را که نمایانگاه همه آبهای پاک و درخشانی و نمازت می گزارم برای خشنودی اهورا مزدا که آفریده اش هستی

بپرستم اهورا مزدا فرهمند و روان اراده را - و بستائیم همه آب های پاک را که داده اهوراست، و آن ایزد بزرگ را که آبهای مزدا داده را ، و ایزدان مینوی سپهر منش و گیتی منش را - فَرَوَهَرَّ هَای پارسایان را که نخستین گروندگان آیین بودند، - و زرتشت را و خاندانش را .

ستایشگر آب پاک سود رسان زندگی ساز را. که چون فرو ریزد و روان گردد، ناپاکی ها و آلودگی ها را نیست گرداند.

و چون در بستر زمین روان می شود نیرو می بخشد تن و روان را ، که جنبش و زندگی می دهد گیتی را ، می رویاند گیاه ها و سبزه ها راکه بدان افزایش می یابد گله هارورمه ها، افزون می گردد خواسته مردمان که کشور آبادان و نیرومند می شود.

بستائیم آن ایزد توانمند اهورا آفریده را - که سترگ است سترگ چون همه آب های نا آلوده و پاک که از ابرها سرازیر شده و بر سینه زمین چون رود ها چشمه سارها، دریاها و دریاچه ها آرام یافته اند.

آب این نیک ترین آفریده اهورایی ، گره گشای این کسان نشود - آنانیکه جانداران را گزند کنند، آنان که با آزمندی خواسته دیگران را بربایند - یا مردمان را بکشند - یا پیمان شکنند و دروغ گویند یا ستمگری پیشه کنند یا دروی و رشک و ارگی کنند - و بد فرجامی باشد برای کسانی که این چنین کنند.

سازمان ملل متحد از دیدگاه زرتشت پیامبر

ما بهدینان در عبادتگاه، (آشکده) از فروغ مینوی (آتش) خواستار انجمن و اجتماعی می شویم که باید گفت آرمان همگان است.

مردم فرزانه - خردمند ، هوشیار ، بیدار ، آزاده ، آزادگی بخش ، کاردان ، هنرمند و انجمن آرا که همه از برابری و دادگستری بهره مند هستند، از خانه گرفته تا روستا، شهر و کشور و تا سازمان برابری جهانی ، باید در کارهای آبادانی مشغول باشند و در آرامش و آسایش زندگی کنند. از کسانی شویم که این جهان را تازه می کنند

ای خداوندان خرد ، ای دانشمندان و ای کسانی که از راه دوستی و با پیروی از آتیش آن شادی می آفرینند، بیایید همه در جایگاه دانش درونی یک پارچه و یگانه گردیم.

فرزندانی رسا و کاردان ، انجمن آرا و کشور دار، همبر و هنرمند، آزادی بخش و جوانمرد که از برای خانه ما روستا ، شهر ، کشور و جهان آبادگر باشند. بند ۹ سرود اهنود - کتاب مقدس اوستا قسمتی از دعای آتش

(براستی این دعا تصویری است از انجمن دوستی و برادری زرتشت پیامبر که سازمان ملل کنونی یک نمونه ناقص و نارسایی از آن است)

سوره ای از کتاب مقدس اوستا

هیچ کس به اندازه خود زردشت پیامبر نمی تواند توصیف ماهیت مینوی اهورا مزدا را بنماید. پس زردشت گفت: ای اهورا مزدای پاک مرا از نام برترین خودت که بزرگترین، بهترین، کارسازترین، پیروزگر ترین و درمانبخش ترین است آگاه ساز تا بر مردمان بدمنش و بدپندار و بدگفتار و بدکردار چیره شوم.

پس پروردگار اهورا مزدا فرمود: ای پیامبر نخستین نام من دانا دومین نام من هستی بخش توانا سومین نام من بهترین راستی و پاکی و نیکی چهارمین آفریننده و افزایشنده، دشمن دروغ و بدیها، شادی بخش ترین، تندرستی بخش ترین، دادار، نگهدارنده، پژوهندنی، کارساز، گردآورنده، پاداش دهنده، بخشنده ترین و مهربانترین، پرفروغ، پیروز، بینا ترین و شنواترین نام من است. پس تو ای زردشت مرا بستایی به روز و شب که من اهورا مزدا هستم و برای نگهداری و شادمانی تو سروش پاک خواهد آمد.



نماد

فروهر

بخش ششم

تمدن های عهد باستان

یکی از مباحث مهم تاریخ ، مبحث فرهنگ و تمدن است هر یک از ما نیز در سخن گفتن یا نوشتن این دو کلمه را با هم بکار می بریم اما شاید کمتر درصدد توجه دقیق به مفهوم آنها برآمده باشیم بنابراین لازم است برای شروع این کلمات را بطور ساده و خلاصه توصیف شود .

گفتار اول

تعریف فرهنگ و تمدن

فرهنگ : مجموعه ی آنچه زندگی فردی و اجتماعی انسان را از زندگی فردی و اجتماعی حیوانات متفاوت و متمایز می نماید فرهنگ نام دارد.

تمدن : عبارت است از مجموعه ی دستاوردها و آثاری که انسان در اثر فرهنگ خود در طول تاریخ موفق به ایجاد آن گشته است حال باید دید که چه عوامل و شرایطی در بوجود آمدن تمدنها نقش مهمی را ایفا نموده است .

عوامل و شرایط پیدایش تمدنها : چون تمدن بشری دارای سابقه طولانی است به همین جهت در این مورد عقاید و نظرات مختلفی ابراز شده که در اینجا به برخی از عوامل و شرایط خواهیم پرداخت .

فطرت ، عقل ، غرایز انسانی

از جمله عوامل اساسی سازنده تمدنها استعدادهای فطری انسانها ، هدایت‌های عقلی و نیروی غرایز انسانی است چون انسان از ارتباط بامحیط بیرونی و کسب تجارب و اکتسابات گوناگون اولیه دست به ابتکار و آفرینش زده که دستاوردهای حاصله موجب پیدایش تمدن و فرهنگ شده و چون فطرت انسان بسوی زیبایی گرایش داشته موفق به خلق آثار هنری شده و از طرفی اگر فطرت انسان کنجکاو و علم جو نبود این بنای بزرگ علوم و فنون و معارف پی ریزی نمی شد و اگر میل و علاقه انسان به پرستش و تقدیس به کمال مطلق نمی بود چیزی بنام دین در فرهنگ انسانی وجود نداشت .

نقش انبیاء :

باید اذعان کرد که استعدادهای درونی و فطری بشرعامل مهمی در پیشرفت او محسوب می شود اما اگر هدایت تشریحی انبیاء الهی نبود شاید رشد معنوی و مادی بشر میسر نمی شد به عنوان مثال اگر در پرتو تعالیم

زرتشت پیامبر نمی بود چهره تمدن بشری این چنین درخشان و دگرگون
نمی شد و شاید انسان در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی در مرحله
صباوت بسر می برد .



مبارزه با مشکلات :

با مراجعه به تاریخ متوجه می شویم اقوامی که با مشکلات و سختیها مواجه بودند شرایط بهتر و مؤثرتری برای ایجاد تمدن داشته اند . توین بی مورخ و پژوهشگر انگلیسی معتقد است که مبارزه انسان با طبیعت مهمترین نقش را در پیدایش تمدن داشته است .

از نظر توین بی دو تمدن کهن سومری و فنیقی نمونه های غیر قابل انکاری برای اثبات این ادعاست .

ویل دورانت آمریکایی که تحقیقات گسترده ای درباره تمدن های بشری انجام داده تمدن را محصول مبارزه انسان دانسته و می گوید ((تمدن مانند زندگی عبارت است از کشمکش دائمی با مرگ)).

3. مهاجرت :

طبق شواهد موجود میان پیدایش تمدنها و مهاجرت رابطه غیرقابل انکار وجود دارد اما نباید تصور شود که نقش مهاجرت تمدن ساز است .

چون بدون فراهم شدن عوامل مختلف دیگر از جمله خصوصیات یک قوم شرایط خارجی اعم از طبیعی یا سیاسی ، شرایط استعداد های درونی ، فطری تمدنی بوجود نمی آید . برای مثال مهاجرت آریایی ها به سرزمین ایران یا مهاجرت اقوام مختلف به بین النهرین .

گفتار دوم

تمدن های بین النهرین و ماوراء النهر

۱- تمدن جیرفت :

موقعیت جغرافیایی شهر تاریخی جیرفت، این تمدن واقع در استان کرمان تا استان همجوار سیستان و بلوچستان می باشد : قدمت این تمدن به هزاره ششم قبل از میلاد باز می گردد. طبق شواهد و مدارک بدست آمده، به تازگی از سوی برخی از علمای باستانشناس نظریاتی مطرح گردیده مبنی بر اینکه تمدن جیرفت به عنوان اولین تمدن بشر مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد که موجبات مباحث و نظریات فراوانی را در این زمینه فراهم نموده است .

۲. تمدن سومر : اولین تمدن بین النهرین که بیش از ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد بوجود آمد و موقعیت جغرافیایی آن در کنار رود دجله و فرات بود پایتخت آن شهر اورو مردم تمدن آن از خط استفاده می کردند . این تمدن بوسیله بابلیان منقرض شد .

۳. تمدن عیلام : این تمدن حدود ۵۰۰۰ سال (ق.م) که موقعیت جغرافیایی آن را اطراف رود کارون و پایتخت آن شهر شوش بود . استفاده از خط در بین این مردم متمدن رایج بود ، انقراض این تمدن بوسیله آشوریها صورت گرفت .

۴. تمدن مصر : حدود ۵۰۰۰ سال (ق.م) موقعیت آن در کنار رود نیل ، پایتخت تب ، استفاده از خط تصویری و فتح بوسیله ایرانیان .
۵. تمدن آکد : این تمدن ۲۸۰۰ سال (ق.م) موقعیت جغرافیایی بین النهرین جنوب کلد و انقراض بوسیله بابلیان
۶. تمدن بابل : این تمدن ۲۵۰۰ سال (ق.م) که موقعیت جغرافیایی جنوب بین النهرین و پایتخت آن بابل بود این تمدن مشهور به قانون حمورابی و فتح بابل بوسیله ایرانیان .
۷. تمدن آشور : این تمدن ۲۰۰۰ سال (ق.م) و موقعیت جغرافیایی آن شمال بین النهرین و پایتخت آن نینوا و مردمانی جنگجو و خونریز و متجاوز ، انقراض بوسیله ایرانیان .
۸. تمدن فنیقیه : این تمدن ۱۵۰۰ سال (ق.م) که موقعیت جغرافیایی آن قسمتی از سوریه و فلسطین و لبنان بود و پایتخت آن صور ، این تمدن مشهور به اختراع الفبا و تجارت موفق ، فتح فنیقیه بوسیله ایرانیان .
۹. تمدن کلد : این تمدن حدود ۱۰۰۰ سال (ق.م) موقعیت جغرافیایی آن اطراف خلیج فارس پایتخت بابل و انقراض بوسیله ایرانیان .
۱۰. تمدن لیدی : این تمدن ۱۰۰۰ سال (ق.م) موقعیت جغرافیایی آن در غرب ترکیه و پایتخت آن سارد این تمدن مشهور به اختراع پول و تجارت موفق ، فتح لیدی بوسیله ایرانیان .

۱۱. تمدن هند (تمدن رود سند) : در حدود ۳۰۰۰ سال (ق.م) و موقعیت جغرافیایی آن واقع در دره سند و در سواحل رودخانه سند مراکز تمدن چندین شهر از جمله شهر موهن جو دارو و شهرهراپا بوده است .

۱۲. تمدن چین : این تمدن در حدود ۱۷۵۰ (ق.م) بوجود آمده که قدیمی ترین سلسله حکومتی را در چین سلاطین (شانگ) تشکیل دادند . اعتقادات آنان مظاهر طبیعت که مهمترین رب النوع آنان (خدای آسمان) بود .

۱۳. تمدن یونان : این تمدن حدود ۱۰۰۰ سال (ق.م) و موقعیت جغرافیایی آن غرب (یونان امروزی) و پایتخت آن شهر آتن ، این تمدن مشهور به کسب علم و دانش از شرق و ملل دیگر و فتح قسمتی از یونان توسط ایرانیان

۱۴. تمدن روم : تمدن رومی ها برگرفته و ریشه در تمدن یونان دارد از سال ۵۰۰ (ق.م) به بعد آهسته رو به پیشرفت نهاد و ظرف سه قرن به یک امپراتوری بزرگ و قدرتمند تبدیل گشت .

تمدن جیرفت:

در اوایل سال ۱۹۰۰ میلادی اولین باستانشناس استین سر اورل

در شهر تاریخی جیرفت دست به کاوش و تحقیقاتی وسیع در مورد تمدن این مکان زده است. که مهمترین این محل ها عبارت بود از:

شهر سوخته ، تپه پمپور، اسپیدژ، شهداد ، تل ابلیس و تپه یحیی

که بعضی از این محل ها در استان همجوار کرمان یعنی استان سیستان و بلوچستان نیز قرار دارد.

بعدها توسط دیگر باستانشناسان شهر تاریخی جیرفت مورد کنکاش قرار گرفت که یافته های موجود خبر از وجود تمدنی مستقل از عصر سنگ و عصر مفرغ قدیم با زبان و معماری خاص خود را می داد .

این سرزمین دارای صنایع دستی متنوع از جمله صنعت کوزه گری بزرگی بوده وبه همین مناسبت مرکز تجارت شرق و غرب نیز محسوب می شده است .

در کاوش ها ی باستانشناسی در سالها ی اخیر با کشف یک کتیبه آجری در این مکان که بشدت آسیب دیده وخواندن قسمتهایی از آن به دشواری صورت گرفت معلوم گشت که بیش از ۳۰۰ سال از کتیبه های شوش قدیمی تر است و نیز کشف یک مجسمه مفرغی که سر یک بز بود

مشخص شد که تاریخ ناحیه هلیل رود به اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد
میرسد .

علاوه بر این برخی شواهد فرهنگی و اشیاء یافت شده در سایت ماتوت
آباد نشانگر تمدنی ۸ هزار ساله می باشد .

به عقیده باستانشناسان و کارشناسان فرانسوی مستقر در این مکان
تاریخی و با استناد به مدارک بدست آمده حاصل از عملیات ژئوفیزیکی
معلوم گردید در هزاره ششم قبل از میلاد منطقه ای مسکونی و شهری
آبادان بوده و بر همین مبنای مشخص شد که این مکان دارای ۱۰ دوره
تاریخی و باستانی متعلق به ادوار گوناگون می باشد که تا عمق ۱۱ متری
زیر زمین ادامه دارد که مستلزم کاوش ها و تحقیقات بیشتری است
همچنین در مورد کشفیات فرهنگ و تمدن تل ابلیس در بردسیر توسط
باستانشناس آمریکایی ژوزف کالدول که مربوط به اوایل هزاره چهارم
قبل از میلاد می باشد به دوره علی آباد مشهور گردیده است .

مطالعات تحقیقی بر روی آثار یافت شده از تمدن و فرهنگ جیرفت،
در یک مرکز مطالعاتی آمریکا نشان می دهد که زبان نوشتاری در
جیرفت از نمونه یافت شده در تمدنهای بین النهرین بسیار قدیمی تر است
و پژوهشگران معتقدند که زبان نوشتاری از جیرفت به بین النهرین رسیده
است .

زبان شناسان و باستانشناسان عقیده دارند که جیرفت شهری بوده است که برای نخستین بار خط در آن بوجود آمده و امروز دیگر ابداع خط توسط سومریان نفی شده و آنان را اولین مقلدان خط جیرفت می دانند، لذا تحقیقات و مطالعاتی که توسط ۵ زبان شناس معروف از آمریکا، فرانسه، روسیه، دانمارک و ایران به عمل آمده است گویای این حقیقت تاریخی می باشد که تمدن جیرفت مانند تمدن شوش و بین النهرین حائز اهمیت بوده زیرا یافته ها نشان می دهد که تمدن جیرفت از تمدن سومر بسیار قدیمی تر می باشد.

اما غارت مکان های باستانی جیرفت مخصوصاً گورستانهای آن توسط قاچاقچیان در چند سال گذشته که باعث یک فاجعه باور نکردنی در علم باستانشناسی شد، توجه افکار عمومی منطقه را به خود جلب کرد عمق فاجعه و صدمات و خسارات گسترده ای که به آثار مهم ما قبل تاریخ وارد شده بسیار وحشتناک است.

در این غارت فرهنگی که شامل اشیاء سنگی و مفرغی و طلایی با ارزش از دوران های مختلف توسط قاچاقچیان بوده باعث مفقود شدن حلقه هایی از زنجیر تاریخی گردیده و علمای این فن را دچار سردرگمی نمود.

در این مکان تاریخی بیش از ۱۰ هزار گودال حفر شده و کاوش های غیر قانونی انجام گرفته و خرابی های زیادی برجای گذاشته است، شمار

اشیاء قاچاق شده به حدی زیاد بود که نیروی انتظامی مجبور به اعزام نیرو به منطقه شده تا از غارت و صدمات بیشتر جلوگیری بعمل آورد، همچنین پلیس بین الملل نیز برای توقیف و جلوگیری از قاچاق این اشیاء گرانبها در حال همکاری با نیروی انتظامی می باشد.

امیدواریم که این فاجعه باعث بیداری وهوشیاری مسئولین امر شده تا بیشتر احساس مسئولیت کرده وبیشتر به وظیفه خطیر خود که همانا پاسداری از میراث ملی مردم ایران است عمل نمایند





از تمدن جیرفت

تمدن سومر :

سومریان نخستین قوم از ساکنین بین النهرین بودند. که طبق شواهد و فرائن موجود از اوایل هزاره پنجم پا به عرصه شهرنشینی گذاشته و حکومتی سیاسی ، مذهبی را پایه گذاری کرده بودند . سومریان در قسمت بالای خلیج فارس و دو سوی شط العرب زندگی می کردند و شهرهای مهم آنان اور ، اورک ، لارسا بود. فرمانروایان شهرهای سومر (شومر پانسی) نام داشتند که به کمک رب النوعها امورسیاسی ومذهبی کشور را اداره می کردند . بزرگترین خدای سومریان رب النوع فراوانی و نعمت بود مجسمه الهه ای به صورت زنی که پستانهای بزرگ خود را بدست گرفته و شیرخود (مائه آسمانی ، باران)نثار می کند تعدادی ازاین مجسمه ها در کاشان ، گرگان ، دامغان و نهاوند پیدا شده است . دیگر خدایان معروفشان خورشید (بابر) ، ماه (تاتر) ، خدای آسمان (آنو) ، خدای دره ژرف (ا آ) ، خدای زمین (بل) و همچنین به ارواح خبیثه نیز اعتقاد داشتند .



طبقات اجتماعی :

جامعه سومری مانند همه جوامع دنیای قدیم از طبقات مختلفی تشکیل می شد که هر کدام دارای مراتب و درجات خاصی بودند . کاهنان

، لشکریان و مأموران دولتی از طبقات ممتاز بودند و طبقه عامه که از اکثریت مردم جامعه تشکیل می شد .

درمیان طبقه عامه عده ای وجود داشتند که حتی از اعضای طبقه ممتاز جامعه سومری نیز دولت مند تر بودند .

معماری :

مهمترین معماری سومری ها معابد معروف زیگورات بود این بنا در محلی مشرف به شهر و از مکعب های بزرگی از خشت ساخته می شد که هر چه ارتفاع زیگورات بیشتر می شد زیر بنا کوچکتر می شد تا جایی که در آخرین قسمت بنا به محراب یا عبادتگاه قدسی می رسید .

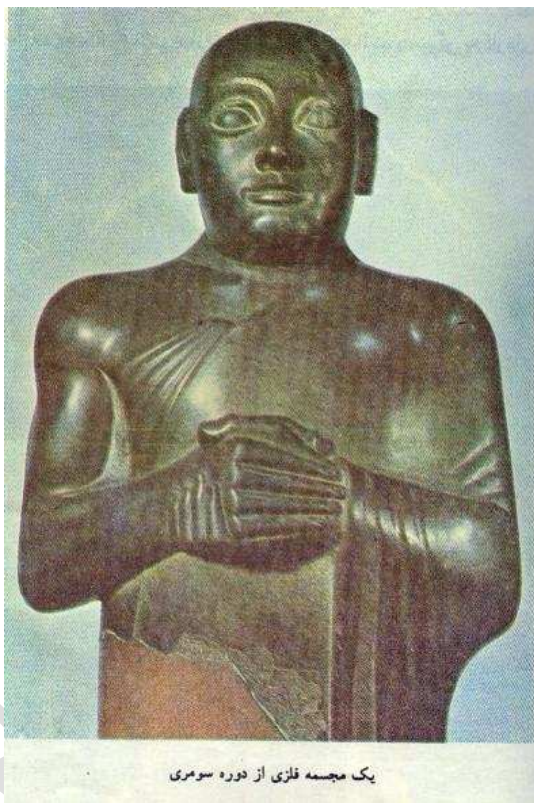
کشاورزی :

منطقه بین النهرین به سبب داشتن دو رودخانه دجله و فرات و بارش بارانهای فراوان از مناطق حاصلخیزی به شمار می رفت . این منطقه به علت داشتن باتلاقهای فراوان مانع از بهره برداری از زمین های حاصلخیزی می شد بنابراین سومری ها با حفر کانال های متعدد و خشک کردن باتلاقها و همچنین با استفاده از سیستم آبیاری منظم محصولاتی

مانند جو ، گندم ، خرما و انواع میوه و سبزی بدست می آورند .
سومری ها برای شخم زدن زمین از گاو آهن که لوله سوراخداری به آن
متصل بود و هنگام شکافتن زمین تخم افشانی نیز می کرد استفاده می
کردند .

صنعت :

سومری ها با استفاده از مس و قلع آلیاژی زیبا و ماندگار می ساختند آنان
در ساختن ابزارآلات آهنی ، ریخته گری با موم و گل رس ، مفتول سازی
، لحیم کاری ، جواهر سازی ، مجسمه سازی ، کوزه گری مهارت داشته و
محصولات خود را به بازار عرضه کرده و در آمد خوبی داشتند . محققین
تمدن مصر را به تمام معنی مدیون تمدن سومر می دانند .



تمدن ایلام :

تمدن ایلام در حوزه رودخانه کارون به وجود آمد و شامل مناطق خوزستان لرستان پشتکوه و کوههای بختیاری بود. این سرزمین از طرف غرب به رودخانه دجله ، از طرف شرق به قسمتی از پارس ، از شمال به

راهی که از بابل به همدان می رفت و از جنوب در ساحل خلیج فارس تا بوشهر گسترش داشت .

کلمه عیلام به معنای کوهستان است و عیلامیها دولت خود را انزان سوسونکا یا انشان می نامیدند .

عیلامیان نام سرزمین خود را حتمتی می نامیدند اما چون همسایگان آنها عیلام می خواندند بدین اسم مشهور شده شهرهای مهم عیلام عبارت بودند از شوش ، اهواز ، ماداگتو که به ترتیب در ساحل رودخانه های کارون و کرخه ساخته شده بود و و شهر دیگرش بنام قایدالو (خاندالو) که در محل خرم آباد کنونی واقع شده بود .



ژان ماری دموورگان باستانشناس فرانسوی که دارای تألیقاتی از جمله از شوش تا لوور (وی بسیاری از آثار با ارزش تمدن عیلامی به یغما به پاریس برد) و کتاب دیگرش مشرق زمین قبل از تاریخ و کتاب انسان ماقبل تاریخ می باشد. او از سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۷ میلادی به ایران سفر کرد و تحقیقات و کشفیات ارزشمند و قابل توجهی در شوش و دیگر نقاط خوزستان انجام داد وی تاریخ عیلام را به دو دوره تقسیم کرد. دوره ماقبل تاریخ و قرون تاریخی که اشیاء کشف شده از سنگ و گل رس را که مربوط به هزاره ششم قبل از میلاد بود به دوره ماقبل تاریخ و مکشفات دوره تاریخی را خود به سه دوره تقسیم کرد.

دوره نخستین و دوران دوم و دوران سوم

مذهب، ایلامی ها

با شاشوشیناک پادشاه عیلام بود و عیلامیان شاه خود را پیامبر خدا، پدر و شاه شاه می خواندند. رب النوع شالا و همسرش این شوشیناک معروفترین خدای مورد پرستش عیلامیان بود پس از اینان پرستش شش رب النوع در میان عیلامی ها رواج داشت که اینان درخدایی با آن شریک بودند. عیلامی ها مانند بابلیها اعتقاد داشتند که وقتی مجسمه



شهری را به شهردیگرانتقال می دادند به این معنی بود که خدای آن شهر را انتقال داده اند و شهردیگر سقوط کرده بود.

حیات سیاسی ایلام

عیلامیها قبل از آنکه موفق به تشکیل دولت مستقلی شوند زیر سلطه سومریان قرار داشتند مقارن حکومت شاهان سومری اقوام دیگری نیز در بین النهرین زندگی می کردند که اگرچه در ابتدا همچون عیلامیها تابع قدرت سومری ها بودند اما بتدریج که ضعف درونی سومر آشکار شد اینها توانستند با تقویت خود وبا استفاده از فرصت مناسب به مبارزه علیه سومری ها پرداخته و به شهرهای آنان حمله کنند.

در شرایطی که قدرت سومری ها رو به ضعف می رفت بد رفتاری آنان با عیلامیان در شهر شوش فرصت و بهانه لازم را بدست عیلامیها داد و آنان با حمله به سومر پادشاه این کشور را به اسارت گرفتند در سال ۲۲۸۰ ق.م پادشاه عیلام (کودرناخندی) موفق به تصرف شهر اور پایتخت سومریان شد و پس از غارت این شهر مجسمه رب النوع (نانا) را به عیلام برد پس از سقوط شهر اور سومر به مدت شصت سال در شمار متصرفات دولت عیلام در آمد .

بعدها در حدود سال ۲۲۳۹ ق.م سلسله ای سامی نژاد که اسامی ۱۶ تن از پادشاهان آن بدست آمده در سومر تشکیل شد وی سرانجام در سال ۲۱۱۵ ق.م پادشاه عیلام توانست بار دیگر سومر و آکدرا که حکومت

واحدی تشکیل داده بودند منقرض کند که پس از شکست سومریان و آکدیان در میان اقوام دیگر حل شدند و قومیت خود را از دست دادند .



خط ، زبان ، صنعت ایلامی ها

خط ایلامی ها خط میخی بود و با خط بابلی و آشوری تفاوت داشت . علامتهای این خط که به شکل افقی و عمودی نوشته می شد حاکی از این بود که عیلامیها خط میخی را از سومری ها اقتباس کرده اند در بعضی از کتیبه های به جامانده از تمدن عیلامی مشاهده می شود که آنان علاوه بر خط مخصوص خود از خط بابلی نیز استفاده می کرده اند.



زبان اصلی عیلامیها زبان اترانی است اگرچه مدتی این زبان جای خود را به زبان سومری داد ولی در حدود ۱۵۰۰ ق.م بار دیگر احیاء گردید و رواج یافت .

هنگامی که عیلامی ها زندگی بیابانگردی و شکار و ماهیگیری را رها کردند و شهرنشین شدند به صنایع دستی روی آورده و با ساختن سلاحها و افزارهای مسی و سنگ چخماخ این ابزارهای را مورد استفاده قرار دادند . انقراض سلسله ایلامی ها بدست آشور بنی پال در سال ۶۴۵ ق.م صورت گرفت .



جام مارلیک - ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد

تمدن آکد :

آکدی ها دسته ای از اقوام سامی نژاد بودند که پس از مهاجرت از موطن اولیه خود به بین النهرین وارد شدند و بعدها به سبب عواملی با سومریان متحداً دولت کلدۀ قدیم را تشکیل دادند .

سیب ، پاروگیش و بابل از شهرهای مهم آکد بشمار می رفت . در سال ۲۸۰۰ ق.م مانیشثو پاته سی آکد سلسله کیش را بوجود آورد که شکوفایی واقعی دولت آکد از زمان پادشاهی سارگون اول (اواسط هزاره سوم ق.م) آغاز شد . این پادشاه توانست شهرهای آکد را متحد سازد و سومرها رامطیع خود کند و سلسله نیرومندی را بوجود آورد که قلمرو آن از کوههای عیلام تا دریای مدیترانه و آسیای صغیر توسعه بخشید .

تمدن بابل

پس از انقراض سلسله پادشاهی سارگون حمورایی آکد و سومر را متحد کرد و دولت بابل را بوجود آورده کشور بابل از ترکیب آکدی ها و سومری ها و آموری ها و کلدانی ها بوجود آمد . در طول تاریخ پنج سلسله پادشاهی بر بابل فرمانروایی کردند . که حمورایی شمش پادشاه از سلسله اول بود که از سال ۲۱۲۳ تا ۲۰۸۰ ق.م به مدت ۴۳ سال حکومت کرد که این دوره از تاریخ بابل به بابل قدیم مشهور است .

بخت النصر (بنوگد نصر) این پادشاه جماعت بسیاری از یهودیان را به اسارت در آورد و به بابل منتقل کرد . این اسیران پس از سقوط بابل به دست کوروش کبیر آزاد و به موطن خود منتقل شدند که این دوره از تاریخ بابل به بابل نوین (کلد) مشهور شده است .



طبقات اجتماعی در بابل عبارت بودند از کاهنان ، مستخدمان دولت ، نظامیان ، بازرگانان ، پیشه وران ، کشاورزان و بردگان . در نزدیکی شهر باغهای معلق مشهور بابل قرار داشت که یونانیان آنها را از عجایب هفتگانه عالم شمرده اند . این باغها بر روی سلسله ای از ستونهای دایره شکل بر روی هم ساخته بودند .

خدمتی که بابلیها به نجوم کردند فوق العاده قابل ستایش است علم نجوم و هیأت از رصدهای فلکی و نقشه های نجومی که بابلیها برای پیشگویی و غیب گویی انجام می دادند ، متولد شد . بابلی ها در دوهزارسال پیش از میلاد موفق شدند نسبت طلوع و غروب ستاره زهره و خورشید را ثبت کنند و موضع ستارگان مختلف را در آسمان تعیین نمایند . کاهنان بابلی موفق شدند مدار خورشید را رسم کنند ، قواعد خسوف و کسوف را کشف کنند ، خط سیر سیارات را دریابند و ستارگان ثابت و سیار را از یکدیگر تمیز دهند .

سلسله های قوی و دولتهای نیرومند بابل عبارتند از :

۱. سلسله حمورابی ۲. سلسله هیت ها ۳. سلسله سوم

۴. سلسله پاش ها ۵. سلسله بازیها

تمدن آشور

قوم آشور از جمله اقوام سامی هستند که در بین النهرین تمدنی بزرگ بوجود آوردند این قوم حدود سه هزارسال ق.م درعرصه تاریخ ظاهر شدند و از تمدن سومری و بابل بهره زیادی گرفتند . درابتدای تشکیل دولت کوچک آشور دولتهای قدرتمند همسایه و نیز قبایل پراکنده اطراف همواره آشوریها را مورد حمله و غارت قرار می دادند .

بنابراین ضرورت دفاع از خویشتن به تدریج از قوم آشور جنگاورانی نیرومند ساخت که نه تنها توانستند قلمرو خود را توسعه دهند بلکه بعدها بر شهرهای ایلام ، سومر ، آکد و بابل نیز غلبه کردند و حتی از این فراتر در اوج قدرت خود بر فنیقیه و مصر دست یافتند . پایتخت آشورشهر نینوا بود از دیگر شهرهای مهم آشور اربلا (اربیل کنونی) کالاه و موصل بود .

عقاید مذهبی آشوریها - رب النوع بزرگ و معتبر آنها که نام این قوم و سرزمین از نام او گرفته شده است ، آشور بود ریاست اصلی این کشور متعلق به این رب النوع بود و شاه خود را مطیع و منقاد او می دانست همچنین قدرت زیاد کاهنان مذهبی حاکی از ریشه قوی مذهب در این جامعه بوده است .

اوضاع اقتصادی و اجتماعی آشور :

از نظر اقتصادی میان تمدن آشور و بابل تفاوت عمده ای وجود دارد آنها عمدتاً به کشاورزی اشتغال داشتند و ثروت آنان از درآمد املاک بزرگ کشاورزی بدست می آمد حال اینکه ثروتمندان بابلی عموماً بازرگان و تاجر بودند .

صنعت آشور : استخراج معادن فلز یا از داخل قلمرو یا از خارج چرخ صنعت آشور را می چرخاند . از آهن و مفرغ در ساختن ساز و برگ نظامی و دیگر وسایل مورد نیاز استفاده می شد .

همچنین گداختن فلزات ، ساختن شیشه ، تولید پارچه های پنبه ای ، رنگ آمیزی پارچه و لعاب دادن سفال در آشور متداول بود . بیشترین رشد تمدن آشوری در زمان پادشاهی آشور بنی پال (۶۶۸ تا ۶۲۶ ق.م) حاصل شد . این دوره شاهد معماری و کنده کاری و پیشرفت هنر در برخی زمینه ها بود از رویداد بزرگ و مهم این زمان ایجاد کتابخانه عظیم بود که با حفاری باستانشناسان چندین هزار لوحه گلین کشف شد که بر روی آنها وقایع تاریخی ، اشعار حماسی ، اطلاعات ریاضی و نجومی و پزشکی نوشته شده بود .

طبقات اجتماعی آشور : در جامعه آشور طبقات اجتماعی عبارت بودند از کاهنان مذهبی ، اعیان و مالکین بزرگ ، صنعتگران ، تجار و پیشه وران ، نظامیان ، کارگران ، کشاورزان و بردگان .

در آشور بعضی از کشاورزان وابسته به زمین وجود داشتند که همراه با زمین خرید و فروش می شدند . بردگان شامل اسیران جنگی و بدهکارانی بودند که قادر به پرداخت بدهی خود نبودند . که گوشهای آنان را سوراخ و سرشان را می تراشیدند . در کشفیات باستانشناسان نامه های گلینی که سناخریب به پدرش سارگون نوشته است پیداست که لشکریان آشور از وحشتبارترین نیروی نظامی آن زمان محسوب می شدند . آنان به هر کجا هجوم می بردند بیرحمانه غارت و ویران می کردند و با قساوت تمام کودکان و زنان و مردان را در آتش می سوزاندند .

تمدن مصر باستان

از خواستگاه اولیه مصری ها اطلاع دقیقی در دست نیست اما تحقیقات نشان می دهد که در مصر شباهتهایی در صنایع و طرز زندگی و مذهب بابلیان دیده می شود مصر باستان دارای دو قسمت مصر علیا و مصر سفلی بود که هر کدام مشخصات تمدنی خاصی داشتند در سال ۴۵۰۰ ق.م هر کدام دارای حکومتی مستقل و منسجم پیدا کردند . که هر کدام رب النوعها و نشانه های مخصوصی داشتند . مصر علیا دارای تاج سفید بود و تحت نگهبانی رب النوع شاهین قرار داشت و نشان پادشاهیش ساقه علفی موسوم به (سعد) بود . مصر سفلی

دارای تاج قرمز و نگهبانش رب النوع مار کبری به نام (بوتو) و نشان پادشاهیش زنبور عسل بود اما زمانی که مصر شمالی و جنوبی تحت اداره حکومت واحدی در آمد و وحدت یافتند تمدن این کشور رشد سریعی پیدا کرد و از سال ۳۳۰۰ تا ۲۵۶۳ ق.م صحنه ظهور پیشرفتهای گسترده

تمدنی شد . فراعنه مصری در حکم فرزند (رع) که به نظر آنان آفریننده و سازنده همه چیز بود به شمار می رفتند حتی بعضی از فراعنه مستبد ادعای خدایی نیز می کردند . در عهد باستان تعداد ۲۶ سلسله از این فراعنه در طی قرنهای بر کشور مصر فرمانروای کردند . حضرت یوسف در زمان (اِپوفس) یا (اپاپی اول) یکی از فراعنه سلسله شانزدهم به مقام



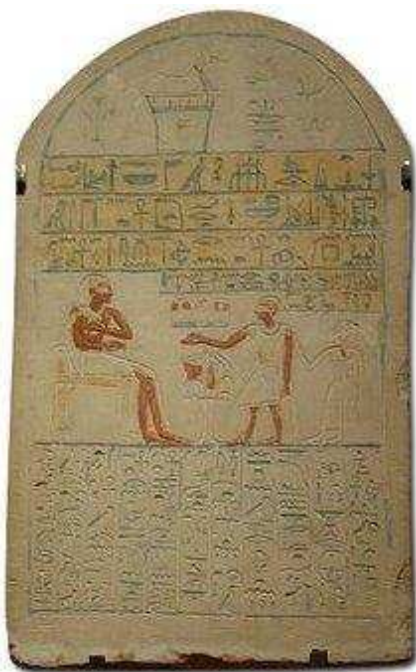
عزیزی مصر رسید . حضرت موسی نیز در زمان (رامسس دوم) که یونانیان او را (سوستریس) می نامند متولد شد و در قصر او بزرگ شد . رامسس دوم ، سومین فرعون از سلسله نوزدهم بود . پس از مرگ وی

فرزندش (منقح) ۱۲۳۲ تا ۱۲۲۴ ق.م قدرت را بدست گرفت . این پادشاه در نزاع با حضرت موسی خود و لشکریانش در دریا غرق شدند .

عقاید دینی : در میان مصریهای باستان انواع اعتقادات دینی وجود داشت و آنان رب النوعهای زیادی را مورد پرستش قرار می دادند (رع) و (سیبو) از مهمترین خدایان آنان بود . مصریها اکثراً بر این عقیده بودند که انسان پس از مرگ دوباره به زندگی رجعت می کند (اندیشه جاودانگی)

خط مصری ها

ظاهراً خط نویسی در مصر باستان با نوعی خط آغاز شده است که به خط تصویری شهرت دارد . خط تصویری به مرور زمان ساده تر و منظم تر شد و سرانجام هر تصویر نماینده یک اندیشه گشت و به این ترتیب خط مقدس هیرو گلیف بوجود آمد بعدها تکامل خط نویسی در مصر باستان به اختراع خط الفبایی انجامید که به جای آنکه مانند خط هیرو گلیف ۵۰۰ علامت داشته باشد . دارای ۲۴ علامت شد .



کاغذ پاپیروس :

پاپیروس ماده ای است که از شیره ی علفی بنام (بردی) به دست می آمد و به راحتی به صورت نوارهایی در می آمد که از اتصال آنها صفحاتی نازک به شکل کاغذ فراهم می شد و مصری ها را از زحمت نوشتن بر روی سنگها و لوحه های گلین نجات داد

مصر سرزمین اهرام بزرگ و کوچکی است که در این کشور پراکنده اند معروفترین این اهرام هرمهای سه گانه است که در جیزه نزدیک قاهره قرار دارند و توسط سه فرغون از سلسله چهارم به نامهای (کتوس)، (کفرن)، (می کرینوس) که حدود ۲۸۰۰ سال ق.م می زیسته اند ساخته شده است . بلندترین هرم از این اهرام سه گانه هرم (ختوپس) است که ۱۴۷ متر ارتفاع داشته و در حال حاضر بر اثر فرسایش به ۱۳۶ متر رسیده است . طول ضلع مورب این هرم ۲۲۷ متر است که ۴۰۰۰۰۰ کارگر و برده در مدت ۲۰ سال آنرا ساخته اند . این بناهای عظیم از تخته سنگهایی آهکی از نقاط کوهستانی بسیار دور آورده اند و این اهرام در واقع قبر فراغنه به شمار می رفته اند .



صنایع و علوم مصری ها :

صنعت شیشه سازی ، کوزه گری ، سفال سازی ، لعاب سازی و پارچه بافی متداول بود دانش نجوم و ستاره شناسی و علوم ریاضیات و هندسه رواج داشته است .

تمدن چین باستان :

تمدن چین اگرچه دیرتر از تمدن بین النهرین ، دره سند و مصر بوجود آمدولی بیشتر از این تمدنها دوام یافت و دچار انحطاط و انقراض نشدحکومت ملوک الطوائفی چین از اجتماعات کهنسال فلاحتی بوجود آمد و قریب هزار سال دوام یافت و بتدریج جای خود را به سلسله های مختلفی داد که قدیمی ترین سلسله حکومتی چین خاندان (شانگ) از سال ۱۱۱۲ تا ۱۷۶۶ ق.م یعنی مقارن با مهاجرت آریانها به هندوستان بود پس از خاندان شانگ نوبت به حکومت (چو) در چین می رسد با حکومت خاندان چو کشور چین کم کم در روشنایی تاریخ قرار می گیرد .

اعتقادات چینی ها :

اعتقاد و ایمان چینی ها در اوایل به نیروهای مرموز بود و همچنین جادوگری و پرستش ارواح بسیار داشت و قربانی کردن حیوانات و انسان به

عنوان یک



سنت متداول بود . بعدها می توان گفت که آئین ابتدایی چینها پرستش مظاهر طبیعت مانند زمین - باد - رعد - درخت - کوه - اژدها و مار و رب النوع معروف آنان آسمان بود که معتقد بودند همه اینها روح و جان دارند .

آیین کنفوسیوس:

کونگ چيو به سال ۵۵۱ ق.م تعالیم خود را در خدمت رشد زندگی اجتماعی در آورد وی انسان را به جهان مادی دعوت می کرد و با ترک دنیا و رهبانیت مخالفت داشت . آیین لائوسه اساس فلسفه وی بر این بود که تمام اشیاء ، اشخاص و ارواح و تمامی پدیده های طبیعت دارای دو نیرو و خصوصیت هستند :

۱. یانگ که نیروی فاعلی و مثبت و بالا رونده بود .

۲. بینگ که نیروی منفی و انفعالی بود .

صنایع ، اختراعات و علوم :

تمدن چین دستاوردهای صنعتی و علمی قابل توجهی به فرهنگ بشری تقدیم داشته است چینیها با اختراع و تکامل بخشیدن به فن چاپ و کاغذ سازی و مرکب از دوده چراغ و اختراع قطب نما ، پول کاغذی در قرن دهم کمک زیادی به پیشرفت علم و دانش کردند همچنین نقاشی ، سفال سازی ، چینی سازی ، مجسمه سازی و مفرغ کاری و اختراع باروت

در زمان حکومت تانگ و استفاده از زغال سنگ و همچنین در علم ستاره شناسی و محاسبه دقیق کسوف و خسوف بود. از نظر معماری دیوار بزرگ چین نیز از عجایب هفتگانه می باشد.

تمدن هند باستان :

به عقیده لغت شناسان نام هندازاسم رودخانه سند که میان هندیها (ایندوس) نام دارد گرفته شده است . قبل از مهاجرت آریایی ها تمدن کهن و ریشه داری در هندوستان وجود داشته است که در فاصله حدود ۳۰۰۰ سال ق.م در ساحل رودخانه سند بوده است باستان شناسان پس از مدتها کاوش توانستند در دره سند ویرانیهای شهر (موهن جو دارو) و (هراپا) و بقایای شهرهای دیگر در نواحی پنجاب و شورا شترا کشف کنند . از صنایع این دوران می توان به ظروف منزل - لوازم آرایش - دستبند های زرین و سیمین - گشواره ها و گردن بندها اشاره کرد . از دیگر صنایع کشف ظروف سفالی ساده و نقاشی شده - سفالینه ها - کاشیهای بسیار عالی - سلاحها و لوازم مسین نام برد .

اعتقادات هندیها :

بومیان هندی نیروهای طبیعت از جمله آسمان ، آفتاب ، آتش ، رعد و برق ، باران رامی پرستیدند . در کتاب (ریگ ودا) که کتاب مقدس هندوها است سرودهایی در ستایش خلقت و آفرینش دیده می شود .

آیین ودا :

دین ودایی قدیمی ترین آیین هندی است و آیین های بعدی در واقع صورت اصلاح شده ای از همین آیین است .

کلمه ودا از ریشه ویدیا به معنی بینایی و بصیرت است . ودا نام مجموعه ای از کتابهای مقدس آیین ودایی است . قدیمی ترین وداهای چهارگانه (ریگ ودا) شهرت دارد که متجاوز از هزار سرود در ستایش نیروهای طبیعت است . بخشی از وداها (اوپانیشاد) نام دارد که حاوی مفاهیم متعالی و معنوی و عرفانی است .

آیین بودا :

آیین بودایی که در قرن ششم ق.م توسط (گوتاما بودا) بوجود آمد یکی از آیین های قدیمی جهان است و تعداد زیادی پیرو دارد . او در حقیقت متفکری است که یک سلسله نظریات فلسفی و عرفانی را پایه ریزی کرد و شریعت و طریقت خاصی را که به سانسکریت (دارما) گویند بنیاد نهاد . بوداگری که از آیین هندوئیسم متأثر است همه رنج و تعب آدمی را از افراط در هوی و هوس و پیروی از خواهشها و شهوات می داند . او معتقد است روح انسان با تلاش خویش می تواند به کمال برسد و به (نیروانا) که همان مرحله کمال محض است و اصل گردد.

آیین جین



این آیین پس از آیین بودا در حدود ۵۵۰ سال ق.م توسط (مهاویرا) پیشوای این مذهب بوجود آمد. اساس این آیین را زهد و ریاضتهای سخت تشکیل می دهد. آنان احترام فوق العاده ای برای جانداران قائلند و از کشتن حیوانات و از بین بردن نباتات را حرام می دانند.

علوم و صنایع در هند :

صنایع دستی از قبیل پیکر تراشی ، سفال سازی ، ساختن ظروف فلزی و پارچه بافی از دیرباز در هند متداول بوده است . همچنین استخراج طلا ، نقره ، مس ، سرب ، روی و آهن در ۱۵۰۰ سال ق.م در

هند باستان رایج بوده است همچنین علم نجوم و ریاضی ، فیزیک ، شیمی و طب در هند باستان رواج داشته عدد صفر و اعدادی که امروز بکار می بریم از ابتکارات ریاضی دانان هندی است .

تمدن فنیقیه

فنیقیه در ادوار کهن به سرزمینی اطلاق می شد که قسمتی از سوریه و لبنان و فلسطین را در بر می گرفت این سرزمین به طول ۱۶۰ و عرض ۱۶ کیلومتر در ساحل دریای مدیترانه واقع شده بود . این حاشیه ساحلی در میان کوههای لبنان و دریای مدیترانه محدود می شد . بهمین جهت فنیقیها بیشتر در دریا و بر روی آب زندگی می کردند

فنیقیه ها اگرچه یکی از قدیمی ترین تمدنها را پی ریزی کردند اما مانند دیگر ملت‌های باستانی موفق به تشکیل حکومت مرکزی و قدرتمند و مستقل سیاسی نشدند . کتیبه های مصری و آشوری حاکی از تحت سلطه بودن این کشور را تأیید می کند .

عقاید مذهبی :

فنیقیه ها مذهب و خدای مستقلی نداشتند عقاید دینی آنان عمدتاً متأثر از بین النهرین به خصوص بابل بود مهمترین خدایان آنان (بعل) یا رب الارباب و (آستارته) رب النوع عشق بود .

علوم صنعت و تجارت فنیفه :

شگفت انگیز این است که فنیفه ها در آن شرایط طبیعی دشوار و نداشتن استقلال سیاسی توانسته بودند در زمینه صنعت به رشد قابل توجهی برسند . کارگاه ها و کارگران بسیاری در صنایع پارچه ، اسلحه ، کشتی ، جواهر ، شیشه شفاف و رنگی مشغول به کار بودند . و نیز از طریق خشکی و دریا به تجارت با کشورهای آسیایی و افریقای می پرداختند فنیفه ها اولین دریا نوردان تاریخ بشری هستند همچنین اختراع الفبا در ۱۱۰۰ ق.م از دستاوردهای آنان است .

تمدن غرب باستان

در شرایطی که نیمی از تاریخ بشری سپری شده بود و ایرانیان هوشمند و تمدن دستاوردهای فراوانی در امر کتابت و معماری و صنعت و قوانین اجتماعی بدست آورده بودند اروپاییان هنوز نخستین مراحل زندگی اجتماعی را طی می کردند با اندک تأملی در ریشه تمدنهای غربی می توان دریافت که غرب در بسیاری زمینه ها میراث خوار شرق بوده است و از طریق مختلف به اخذ دستاوردهای این بخش از جهان پرداخته و با استفاده از این مجموعه اندک مایه هایی به آن افزودند و تمدن غرب را پایه ریزی کردند . با توجه به اینکه منشأ تمدن غرب یونان است . یونان نیز در آغاز تمدن خود را از (کرت) گرفته است تمدن کرت نیز دنباله و نتیجه تمدن باستانی بین النهرین است . همچنین تمدن روم نیز بنیاد

تمدن اروپا و آمریکاست که خود ریشه در تمدن یونان باستان را دارد (در سال ۵۰۰ ق.م) قبائل رومی چندان شهرتی نداشتند و قلمروشان به شهر روم و اطراف آن محدود می شد اما چند قرن بعد که امپراتوری روم وسعت یافت ، نه تنها مراکز تمدن اروپا را زیر سلطه در آورد بلکه از مرزهای اروپا نیز عبور کرده و به قسمتهایی از آسیا و افریقا نیز نفوذ کرد . رومیها در مدت زمان کوتاهی امپراطوری بزرگ و قدرتمندی را تشکیل دادند و مدتها با قطب اول جهان را که پادشاهان اشکانی و کسریان ساسانی بودند به کشاکش و جنگ و ستیز پرداختند .

تمدن یونان باستان

یونان از مجموعه جزایر و مناطقی تشکیل می شود که توسط دریا و کوههای مرتفع از یکدیگر جدا می شوند . این جزایر علیرغم پراکندگی بر رویهم کشور واحدی را بوجود می آورند . دولت -شهرهای جدا از هم در



این سرزمین و گاه کشمکشهای طولانی میان آنان هرگز مانع از آن نشد که یونانیان خود را در مجموع ملت یگانه ای تلقی کنند . معروفترین دولت - شهرهای یونانی که هر کدام مشخصات سیاسی و نظامی و اقتصادی و اجتماعی خاص خود داشتند عبارت بودند از آتن و اسپارت .



حکومت در یونان باستان

وجود دولت - شهرهای مختلف در یونان باستان مانع از این بود که در این سرزمین حکومت متمرکز و واحدی پدید آید اما عمدتاً حکومت در انحصار اشراف و بزرگان قرار داشت .

در اسپارت ، اشراف در مجلسی بنام مجلس بزرگان جمع می شدند و درباره امور مختلف دولت - شهر اسپارت تصمیم می گرفتند . این مجلس که اعضای آنرا افراد سالخورده بالای شصت سال تشکیل می داد دارای ۲۸ عضو بود . در اسپارت همچنین مجلس دیگری بنام مجلس سنا وجود داشت که سیاست عمومی کشور را معین می کرد . در اسپارت مجلس سومی هم وجود داشت که مجلس عمومی یا (آپه لا) نام داشت و وظیفه آن رسیدگی به مشکلات و مسائل عمومی کشور بود . در آتن نیز حکومت در دست اشراف بود و اگرچه حاکمان و شاهانی نیز تعیین می شدند که به ظاهر اداره امور آتن را در دست داشتند اما قدرت اصلی جامعه را همین اشراف و ملاکان و سرمایه داران بزرگ تشکیل می دادند .

دومین طیفه جامعه را بازرگانان ، پیشه وران ، صنعتگران و کارگران آزاد تشکیل می دادند . پس از آن طیفه کشاورزان بودند و بعد از این طیفه بردگان قرار داشتند .

عقاید یونانیان

عقاید یونانیان با پرستش نیروهای طبیعت آغاز می شد هنگامی که هومر به سرودن (ایلیاد) و (ادیسه) دوائر حماسی و اسطوره ای قدیم می پرداخت (۸۰۰ ق.م) چنانکه از همین اشعاربرمی آید یونانیان به پرستش رب النوع های متعددی می پرداختند از جمله می توان



۱. زئوس: (رب النوع آسمان و فرستنده آذرخش)
۲. آپولو: (پسر خورشید و نگهبان هنر و زیبایی)
۳. آتنا: (الهه هوا و هنرهای سود بخش و خرد)
۴. پوسادون: (رب النوع دریا)
۵. آفرودیت: (الهه عشق)

آفرودیت

رب النوع های متعدد یونانی به هفت گروه تقسیم شده اند که عبارتند از رب النوع های: آسمان - زمین - حاصلخیزی - حیوانات - زیرزمین - گذشتگان و قهرمانان و خدایان المپوس .

بنیان دین در یونان که براساطیر و افسون و جادوگری استوار بود هرگز در اخلاق مردم تأثیر مثبتی به جای نگذاشت و به عکس، شرق عامل تطهیر روح و رفتار نشد .

علم و دانش دریونان

با توجه به اینکه یونانیان تمدن خود را از شرق گرفتند اما توانستند دستاوردهای مشرق زمین را به کمال برسانند و با توسعه دانشهای مختلف که ریشه در شرق داشت خدمات شایسته ای به تمدن بشری بنمایند .

فلسفه - نجوم - ریاضیات - فیزیک - معماری - تاریخ - جغرافیا - پزشکی
وادبیات در میان این قوم رشد شایانی کرد .

قدیمی ترین فلاسفه یونانی حکمای هفت گانه بودند .

تالیس : ریاضیدان و منجم

انکسماندروس : منجم

سقراط ، افلاطون ، ارسطو : فلاسفه معروف و بزرگ جهان

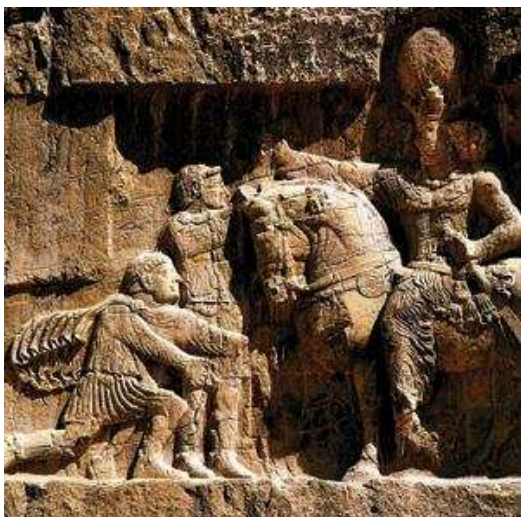
فیثاغورث : منجم و کیهان شناس معروف یونان

بقراط : حکیم و پزشک مشهور یونان

همچنین مورخ نامدار یونانی هرودوت که به پدر تاریخ لقب یافته است علاوه بر به ثبت رساندن تاریخ غرب قسمتهای مهمی از تاریخ شرق را به نگارش در آورده است .

تمدن روم باستان

تأثیر عمیق تمدن یونان در روم چنان بود که بعضی ها قائل به تمدن مستقلی بنام تمدن روم نیستند و تمدن روم ها را تمدن یونانی - رومی می شمارند . در این تمدن نوع و ابتکار از آن یونانیان بود و جلال و عظمت و کشور گشایی از آن رومیها بود .



شکست والرین

امپراتور روم از شاپور اول

مشخصات حکومت در

روم باستان

امپراطوری روم توسط امپراطور و به یاری اشراف بزرگ اداره می شد چون همین امپراطور توسط مجلس سنای روم که مجمع اشراف و زمینداران بزرگ بود انجام گرفت او را منتخب مردم و برگزیده رب النوع ها می شمردند . مجلس سنا بر کارهای امپراتور نظارت کامل

داشت و گاه نیز کشاکشی میان آنان و امپراتور در می گرفت علاوه بر انتخاب امپراتور تصویب قوانین مربوط به جنگ و صلح توسط سنا انجام می گرفت اعضای سنا از مسن ترین افراد و مرکب از سیصد نفر بودند .

طبقات اجتماعی روم

در جامعه اشرافی روم باستان طبقات گوناگونی وجود داشت که مهمترین آنان همان اشراف اند که از قرن دوم ق.م به دو دسته تقسیم شدند .

دسته نخست : عبارت بودند از زمینداران بزرگ - کارکنان دولت - حکام - قضات و سناتورها که بر روی هم اشراف نامیده می شدند

دسته دوم : را نیز بازرگانان - رباخواران و صرافان تشکیل می دادند . اینان به شوالیه شهرت داشتند که چپاول کشاورزان و بردگان ، کبر و نخوت و بیرحمی از مشخصات این طبقه بود . طبقه متوسط که مرکب از شهرنشینان تهیدست و روستائیان بود و آخرین طبقه بردگان بودند که امپراتوران و اشراف روم به بهره کشی و استثمار بیرحمانه بردگان اکتفا نمی کردند آنان به هنگام برپایی جشن ها و مراسمات بردگان جنگجو را که به گلاادیاتور مشهور بودند به جان هم می انداختند تا یکی از آنها بر دیگر فائق آید و بیرحمانه کشته شود .

رومی ها گاهی نیز برای تفنن بیشتر بردگان را به درون قفس درندگان می انداختند تا حیوانات درنده برده بیچاره را پاره پاره کند تا ساعتی تماشاگران با این صحنه فجیع لذت ببرند و بخندند .

عقاید رومی ها

اعتقادات رومیها در انجام مراسمی برای جلب رضایت رب النوعها خلاصه می شد در این اعتقادات هرگز راه اصلاح مفاسد اخلاقی مطرح نمی شد . در واقع عقاید آنها به عبادت رب النوع ها محدود می شد تعداد رب النوع ها ی رومی بیشمار بود و هر کدام وظیفه ای مخصوصی داشتند .

معماری

معماری در روم باستان توسعه و پیشرفت زیادی یافت امپراتوران روم و اشراف به زندگی در قصرهای مجلل اهمیت می دادند و سعی می کردند برای رب النوع ها نیز معابد بزرگ و با شکوه بسازند و همچنین نگرشهای دنیا گرایانه عنصر رومی و علاقمندی شدید به تفریحات و ورزشها و مسابقات متنوع و نیز وجود ۱۷۵ روز جشن در سال باعث شد که علاوه بر قصرها و معابد - ورزشگاهها و سالنهای تأثیرسیار بزرگی در روم ساخته شود .



بخش هفتم

ادوار تاریخی ایران در عهد باستان

از پیدایش مادها تا سقوط ساسانیان

تعریف تاریخ

تاریخ شرح و بررسی زندگی اجتماعی فرهنگی انسان است در دوران های گذشته که حکومت ها، جنگ ها، ادیان، آداب و رسوم ملت ها، دانش ها، هنر ها و زندگی بزرگان را شامل می شود و از نظر دانشمندان علم تاریخ به پنج دوره مشهور تقسیم بندی شده است که به قرار زیر می باشد .

۱- دوره پیش از تاریخ (ما قبل تاریخ) : که از قدیم ترین ازمته تا حدود شکل گیری تمدن ایلام می باشد .

۲- عهد باستان : که از اوایل تمدن ایلام تا اواخر دوره ساسانیان می باشد تا سال ۵۰۰ میلادی

۳- دوره میانه (قرون وسطی) : که از اواخر دوران کسرایان ساسانی تا تأسیس سلسله صفویان می باشد از سال ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی

۴- دوره جدید : که از تشکیل دولت صفوی تا تأسیس پادشاهی قاجاریه می باشد . (۸۸۰ تا ۱۱۷۴ ه . ش) از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی

۵- دوره معاصر : که از آغاز عصر قاجار تا کنون ادامه دارد .

اینجا لازم است متذکر شد که به اعتقاد برخی مورخان دوره معاصر با جنگ جهانی دوم پایان یافته و دوره پس از آن به دلیل تفاوت‌های زیادی که با دوره قبل دارد ، دوره ای جدید است که (دوره اخیر یا تاریخ اخیر) نامیده می شود .

گفتار اول

پادشاهی مادها

بطور کلی ازمینه تاریخی قوم ماد در ایران از اوایل سده هشتم قبل از میلاد آغاز می گردد و در این قرن سه قوم آریایی هریک نقاطی از ایران را تصاحب و دولتهای ملوک الطوایی را تشکیل دادند .

۱- پارسی ها در جنوب ۲- باکتریها (باختریها) در مشرق ۳- مادها در مغرب طبق کتیبه های متعلق به دوره پادشاهی شلمانسر پادشاه آشور در آن زمان سرزمین ماد مملکتی آباد و حاصلخیز و پر جمعیت بوده که

دائماً مورد تعرض و هجوم و غارت آشوریان قرار می گرفته است در آن زمان سرزمین مادها دارای سه استان بزرگ بود ۱- ماد کبیر ۲- ماد آتروپتن ۳- ماد راجیانا

و اما مادها پس از ورود به غرب ایران در منطقه ای استقرار و اسکان یافتند که ساکنانی با فرهنگ و تمدن خاص خودشان آنجا بودند که خواه، ناخواه حضور تازه واردان را در کنار خویش پذیرا شدند اما بدلیل پراکندگی مجموعه این قبایل و فقدان تمرکز سیاسی در میان آنها قدرت های نیرومند داخلی و خارجی از جمله آشویها همواره آنان را مورد هجوم و غارت قرار می دادند. در این میان مردی بسیار زیرک و باهوش به نام دیاکو با متحد کردن تمام قبایل موفق به تشکیل اتحادیه قبایل ماد گشت و در اوایل سده هشتم ق.م فرمانروایی دولت ماد را صاحب شد و توانست در مدت ۵۳ سال پادشاهی خود با ایجاد وحدت سیاسی و دفاع یکپارچه د مقابل مهاجمین مانع از چپاول ها و باج ستانی های آنان گردد. تا اینکه سرانجام هووخ شتر (هوخشتر) یا کیاکسار جانشین وی با اتحاد با بنولاس سار پادشاه بابل پادشاهی صد ها ساله آشور را بر انداخت و مادها قدرت سیاسی، نظامی آن دوران را بدست گرفتند. اما سیادت و قدرت مادها چندان دوامی نداشت زیرا بدلیل خوشگذرانی های پادشاهان ماد و به طبع تجمل پرستی بزرگان و رؤسای ماد مردم از آنها فاصله گرفته و این نا رضایتی ها بهترین موقعیت را برای قیام پارسها علیه آنان فراهم آورد و بالاخره هگمتانه پایتخت ماد به دست کورش کبیر تصرف و دولت ماد

سرنگون شد اما کورش کبیر بدلیل داشتن افکار بلند و آزاد منشی با پادشاه ماد جوانمردانه رفتار نمود و حتی با واگذاری بعضی از مقامات به بزرگان ماد آنان را به طرف خود جلب کرد او حتی شهر هگمتانه را به

عنوان

پایتخت خود

برگزید.



سلاطین ماد

دیاوکو (دیاوکو) بنیانگذار پادشاهی ماد که مدت ۵۳ سال سلطنت کرد .

فروتیش پسر دیاوکو که همچنان عین سیاست پدرش را دنبال کرد . ۲۲ سال سلطنت کرد و در جریان لشکر کشی به آشور کشته شد .

کیاکسار (هووخ شتر) فرزند فروتیش

در سال ۶۵۳ قبل از میلاد جانشین پدر شد و در سال ۶۱۲ ق. م دولت آشور را برانداخت و سکاها را در شمال غربی ایران نیز شکست داد و بر فلمرو ایران افزود .

آستیگ (آژدهاک) آخرین پادشاه مادها بود که این سلسله (در سال ۵۴۹ ق. م) بدست کوروش منقرض شد .

گفتار دوم

چگونگی تشکیل شاهنشاهی مقتدر هخامنشیان

سر سلسله هخامنشیان فردی از نژاد آریایی به نام هخامنش بود .

وی مدتها در آرامش از طریق کشاورزی و دامداری و تجارت با آشوریها و بابلیها ثروت فراوانی را جمع کرد و به تقویت بنیه مادی و معنوی خود پرداخت . پس از آنکه قدرت عیلام رو به ضعف نهاد دست به تشکیل حکومتی محلی زد که پس از او جانشینانش گام به گام به قدرت ان افزودند .

پس از هخامنش امیری پارسی ها به فرزندش (چیش پش) رسید . وی از اختلافات دولت عیلام و آشور استفاده کرده و سرزمین انشان (انزان

(را زیر نفوذ ایلامی ها بود به مملکت خویش ضمیمه نمود . چیش پیش در سال ۶۴۰ ق . م در گذشت . پس از او هر یک از پسرانش در بخشی از سرزمین ایران تحت حکومت پدر به قدرت رسیدند .



آریامن (آریارمنه) که جانشین رسمی پدر بود فرمانروایی پارس را بعده گرفت و کوروش اول در انشان قدرت یافت از این زمان بود که هخامنشیان به دو شاخه تقسیم شدند .

پس از کوروش اول پادشاه انشان فرزندش کمبوجیه اول وارد صحنه سیاسی ایران شد وی با دختر اژدی هاک آخرین فرمانروای ماد بنام

(ماندانا) ازدواج کرد که نتیجه آن تولد کوروش دوم (کوروش کبیر) بنیانگذار دولت هخامنشیان شد. کوروش کبیر سالهای جوانی را در دربار ماد گذرانید تا اینکه پدرش کمبوجیه اول در گذشت و به دستور اژدی هاک در سال ۵۵۹ ق. م به جای پدرش شاه انشان گردید.

کوروش کبیر مدتی بدون اینکه حساسیتی ایجاد کند به تقویت قدرت خویش پرداخت او قبایل و طوایف مختلف پارس را با خود متحد ساخت.

با گذشت زمان و علنی شدن فعالیت های کوروش کبیر اژدی هاک پادشاه ماد احساس خطر کرده و کوروش کبیر را به هگمتانه احضار کرد. اما کوروش کبیر از اطاعت او سرباز زد. بنابراین پادشاه ماد خود در رأس سپاهی بزرگ عازم نبرد با کوروش گردید. اما در نزدیکی پاسارگاد شکست خورد و به اسارت افتاد.

کوروش بسوی همدان شتافت و پایتخت ماد را تسخیر کرد و این آغاز کار امپراطوری وسیع هخامنشیان بود.

پس از انتشار خبر سقوط ماد کرزوس پادشاه لودییه مصمم شد که با سپاهش برای سرکوبی کوروش کبیر و بازگرداندن دوست و هم پیمان خود به قدرت بسوی ایران حرکت نمود، کوروش نیز همراه سپاه خود از هگمتانه خارج شد و با قوای کرزوس به جنگ پرداخت در این نبرد که دشمن مجبور به عقب نشینی شد و کوروش با تعقیب آنان موفق شد سارد پایتخت لودییه را محاصره کند و بر حریف پیروز گردید.

پس از آنکه لودیه سقوط کرد کوروش در صدد برآمد شهر های یونانی آسیای صغیر را به تصرف در آورد و در اندک زمانی این کار انجام گرفت.



کوروش پس از بازگشت از آسیای صغیر متوجه سرزمین های شرق گردید و در فاصله سالهای (۵۴۶ تا ۵۳۹ ق . م) فتوات خود را در مشرق ادامه داد و تا آمودریا و سیر دریا و رود سند پیش رفت . پس از آن کوروش با گذشتن از رود دجله بابل را محاصره کرد و چون مقاومت جدی در بیرون شهر صورت نگرفت به این ترتیب کوروش به راحتی وارد بابل شد و آنجا را تصرف کرد . کوروش پس از فتح بابل متوجه شمال شرقی ایران گردید ، تا فتوحات خود را در آن نقاط کامل کرده تحکیم بخشد او در نواحی سیر دریا با مقاومت ماساژت ها مواجه شد و در جریان جنگ زخمی شد و در گذشت . که پیکر بی جانش را به پاسارگاد آوردند و در انجا به خاک سپردند و آرامگاه او اینک زیارتگاه عاشقان ایران زمین است.





قلمرو ایران زمین در 12 قرن



سالنماد

در سال ۱۳۵۰ خورشیدی به ابتکار فرهیختگان و فرهنگ دوستان کشور و با مدیریت وزارت آموزش و پرورش وقت سال کورش کبیر نامگذاری شد که در این زمینه نوشته ها و آثار هنری با ارزشی به یادگار مانده که مهمترین آن نماد زیبای **سال کورش کبیر** می باشد.

خصوصیات و اخلاقیات کوروش کبیر

کوروش کبیر که در بدو امر پادشاه ولایت کوچکی بود و عاقبت شاهنشاه معظم ترین دولتی که تا آن زمان در دنیا دیده نشده بود گردید.

وی از اشخاص تاریخی است که بسیار محل توجه و محبوبیت همه گان واقع می شود. به طور کلی فتوحات جوان مردانه او اسباب اعجاب جهانیان است،

چه می بینم لیدیه و بابل و آشور بزرگترین قدرت آن زمان هر یک در ظرف چند ماه جنگ مسخر می شوند. که همگی نشان دهنده هنرهای رزمی اوست که با اقداماتی مقتدرانه و سریع دشمن را غافل گیر کرده و شکست داده است. ظاهر آن است که زیبایی مردانه و شجاعت و قهرمانیت و فعالیت او در تمام مدت عمرش هویدا بوده و هیچ وقت عیاشی و تن پروری که بسیاری از بزرگان دنیا گرفتار آن بوده اند به مردانگی او صدمه وارد نیاورده است.

کاردانی حزم و مدارا و مهربانی داشته و بدین جهت قدرت و تسلط او به مانند دیگر جهانگیران و فاتحان ظالمانه و ناگوار نبوده است و همواره مروت و انسانیت و انصاف را به حد کامل داشته است.

وی تنها پادشاهی است که حرم سرا نداشته و با توجه به سنت تنها یک همسر برگزیده بود.

کاساندان دختر فارنسیس را که از خانواده هخامنشی بوده تزویج نموده و چون آن درگذشت براو نوحه و زاری بسیار کرده است . و همیشه بانام و یاد او در جمع زاری سر می داده .

حسن سلوک و رفتار او نیز کامل و از تکبر و نخوت دور بوده و مردم را به خوبی پذیرفته و حال آنکه سلاطین سلف مخصوصا از ملاقات با مردم احتراز داشتند و کسی را به خود راه نمی دادند.

سایکس دانشمند و نویسنده بزرگ انگلیسی به سال ۱۸۹۲ میلادی در کتاب تاریخ ایران صفحه ۱۹۹ و ۲۰۰ جلد اول می نویسد:

پرفسور کزنفون راجع به کوروش کبیر در سیر و پدی چنین اظهار داشته است او سطوت و جذبه خود را در تمام روی زمین انتشار داد به طوری که همه را مات و مبهوت ساخت حتی یک نفر جرأت نداشت که از حکم او سربیزی کند و نیز توانست دلهای مردمان و ملل مختلف را طوری رو به خود کند که همه می خواستند جز اراده او کسی بر آنها حکومت نکند.

دکتر گوبی نو (GOBINEAN) در تمجید این پادشاه نوشته است او هیچگاه نظیر خود را در این عالم نداشته است؛ او یک مسیح بود و مردی که درباره اش تقدیر مقرر داشته بود باید برتر از دیگران باشد. مسطورات کتاب مقدس و مورخین یونانی و خود ایرانی ها همه عقیده دارند که کوروش واقعا استحقاق لقب کبیر را داشته است.

اهل کشور او ، او را دوست می داشتند و پدر می خواندند و ما جهانیان هم می توانیم مباحث کنیم به اینکه اولین شخص بزرگ آریایی که احوال او در تاریخ به خوبی معلوم می باشد دارای چنان صفات عالیه و برجسته بوده است.

دکتر آراین نقل می کند که روی مقبره وی این عبارت نوشته شده :
منم کوروش پسر کمبوجیه که سلطنت ایران را تأسیس کرده ام و پادشاه آسیا بوده ام. من شخصاً سه مرتبه به زیارت آن مقبره رفته ام و در آنجا موفق شدم مختصر تعمیری انجام دهم. در هر موقع به این نکته متذکر شده ام که این مقبره کورش کبیر پادشاه بزرگ و شاهنشاه عالم مزیت کوچکی نیست و من چقدر خوشبخت بودم که به چنین افتخاری نایل شده ام و در واقع شک دارم آیا برای ما طایفه آریایی هیچ بنای دیگری هست که بیشتر از مقبره مؤسس دولت پارس و ایران که تقریباً دوهزار و چهارصد و چهل سال قبل از این در آنجا دفن شده اهمیت داشته باشد.

کورس کبیر ناجی قوم یهود

اعاده چهل هزار یهودی به وطن

در سال ۵۸۶ قبل از میلاد بعث النصر پادشاه آشوری بابل اورشلیم (اوخالم) را گرفت و معبد حضرت سلیمان را ویران کرد و کشتار بسیار کرد و مظالم بر قوم یهود روا داشت .

پس از آن هزاران هزار نفر از قوم یهود را اسیر کرده و از وطنشان به بابل کوچ داد.

آنها سالها در بابل در عین اسارت برای حفظ مذهب و معتقدات خود کوشیدند کمال مطلوب آنها آزادی از دست حکومت ستم گر آشور و باز گشت به وطن خود و تجدید بنای آن سرزمین ویران شده بود.

در رؤیای ساخت حکومتی دیگر که دیگر دچار سستی و انقراض نشود روز به شب و شب به روز می رساندند.

اشعیا نبی میفرماید: یهودا به دست آشوریهها خراب خواهد شد و بعد آشور هم از جهت ظلم و گبر پادشاهانش منقرض خواهد شد. کتاب اشعیا نبی باب ۱۰. وقتی یهودیهها در بابل بودند پیغمبران آنها مزده می دادند که بزودی خداوند شخصی را برانگیزد که بساط ظلم در جهان را فروخواهد کشید و ملت یهود را از اسارت بیرون آورد و دیری نگذرد که عظمت ملت یهود باز گردد.

کتاب اشعیا نبی باب ۱۳، گفتار مراهش نوید : کسی از مشرق می آید کسی را که همه او را مرد خدا می دانند (منظور کوروش کبیر) کجاست که او قدم نهد؟ و خداوند ملل را به اطاعت او در آورد و شاهان را به پای او افکند.

کتاب اشعیا نبی باب ۴۱

فتوت فوق العاده ای که کوروش کبیر نست به یهودیها ظاهر ساخته ممکن است به واسطه خدماتی باشد که آنان در ضمن جنگ بابل به او نموده اند یا به واسطه آنکه مذهب یهود متأثر و برگرفته از دین زرتشتی بود و همچنین به واسطه اینکه کوروش کبیر می خواسته است در دورترین سرحدات مصر جماعتی از طرف داران با وفادارسته باشد به هر حال به نظر می رسد که کوروش کبیر منظور و مقصود مخصوصی در مساعدت با یهودیها داشته است زیرا که نه تنها به آنان اجازه تجدید بنای اورشلیم و معبد را داد بلکه ظروف طلا و نقره و ثروت معبد را به ایشان هدیه کرد وی در حکم محکمی که به یهود عطا نمود و در کتاب عزرا منقول است همه قسم معاونت و مساعدت مبذول داشت بنابراین همواره یهودیان نسبت به ایرانیان هواخواه و وفادار بودند .

ذوالقرنین

کوروش کبیر بنابه پژوهش های یک قرن گذشته دانشمندان و علمای مسلمان همان ذوالقرنین (که برخی او را به دلیل سخن گفتن خداوند با وی (وقلنا یا ذوالقرنین) پیامبر الهی می دانند) است که در سوره کهف قرآن از او یاد شده است. کوروش نزد یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان و مسلمانان از جنبه آسمانی و تقدس برخوردار است و به همین دلیل است که مقبره ی او طیبه ۲۵۰۰ سال از گزند روزگار مصون مانده است.

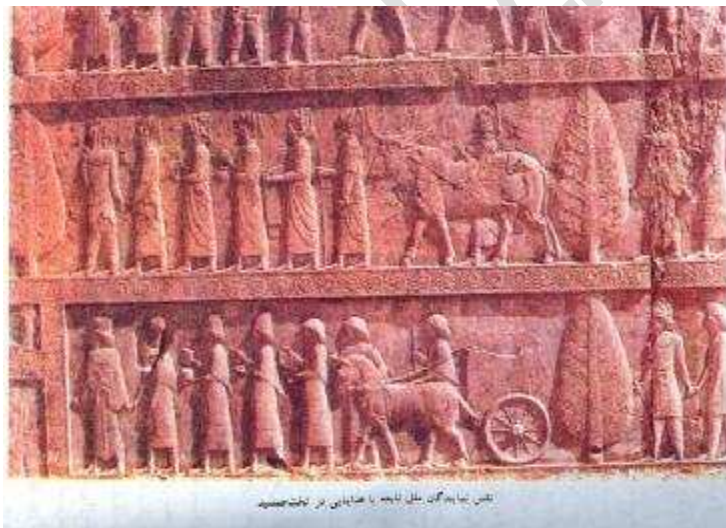
در کتاب مقدس تورات اشعائینی (ع) _ دانیال نبی _ هزقیال (ع) از میان نبی از او به عنوان حضرت مسیح ، بت شکن ، فرستاده پروردگار، چوپان خدا، دست خدا شکست دهنده فرعونیان ، شاهین خدا، نجات بخش و دانشمند خدا نام برده شده است.

در کتاب صحف عزرای پیامبر (حضرت عزیز) آمده است : کوروش فرمود : خداوند به من دستور داده است تا خانه ای برای او در بیت المقدس بسازم .

به عقیده دانشمندان و پژوهشگران اسلامی کوروش کبیر دومین بانی بیت المقدس و مسجدالاقسی (یا همان قبله نخست مسلمانان که حضرت سلیمان (ع) آن بنا را ساخت) نام می برند.

در کتاب مقدس انجیل آمده است که : کوروش پادشاه ستاره ای را که هنگام مولود عیسی مسیح طالع شده بود را دیده است.

تفسیل این روایت با آنچه که مجوس و نصاری در باره آن گفته اند نیز در کتاب (اخبارالزمان) آمده است.



کاساندان ملکه ایران

کوروش در طول زندگی پربار خود فقط یک زن اختیار کرد و او کاسان
دان نام داشت ،



دختر فرناسپ از شاه دختان خاندان هخامنشی

کاسان دان قبل از کوروش درگذشت و بعد از او کوروش در اندوهی فراوان ماند و برای همیشه و به احترام همسرش تنهایی را برگزید.

هیویسا ، آتوسا، کمبوجیه و بردیا حاصل ازدواج کوروش و کاسان دان می باشند و از این میان آتوسا همان است که همسر داریوش کبیر است.

آتوسا دومین بانوی ایران باستان

آتوسا همسر داریوش کبیر و مادر خشایار شاه برجسته ترین زن در تاریخ ایران باستان است.

در زندگی سیاسی آتوسای هخامنشی وی پس از آناهیتا دومین شخصی است که لقب بانو که یک عنوان مذهبی بود را صاحب شد.

اونقش تصمیم گیرنده و آموزش دهنده درباریان داشت.

وی باهوش ، با فرهنگ، با قدرت و تفکر سیاسی بود. و در موقع لزوم کمک خوبی برای داریوش کبیر به حساب می آمد.

هردوت می گوید: آتوسا از قدرت فوق العاده ای برخوردار بود و در دوره جنگ با یونان که به توصیه های او انجام شده بود داریوش شاه همواره از نظرات و همراهی او بهره می جست.

آتوسا در زمان سلطنت فرزندش خشایار شاه به عنوان مادر پادشاه همواره در امور مملکتی دخالت داشته و پس از پادشاه بیشترین نقش را بازی می کرده است.

آتوسا جنگ ایران و یونان را به صلاح کشور نمی دانست و از جمله کسانی بود که با این لشکر کشی مخالف بود

آرامگاه او در کنار آرامگاه داریوش کبیر در نقش رستم می باشد.



مقبره پادشاهان هخامنشی (خشایارشا - داریوش و اردشیر) در نقش رستم فارس

گزنفون نویسنده و سر دار نامدار یونانی وصیت نامه کورش کبیر را اینگونه نقل کرده است:

این راد مرد بزرگ تاریخ در هفتمین بار که آخرین بار سرکشی از امپراتوری پهناورش بود .

به فرزاندانش این چنین گفت : ای خدا نیایش مرا که پایان زندگی من است بپذیر زیرا من با نشانه های آشکار دریافته ام که اکنون به پایان زندگی نزدیک گشته ام.

سپاسگذارم بخاطر صداهایی که به من نمودی که چه باید بکنم و از چه چیزهایی بپرهیزم ، مخصوصاً حق شناسم از اینکه هیچ گاه از یاری خود مرا محروم نکردی خدایا از شما خواستارم فرزندانم ، دوستانم و وطنم را سعادتمند بداری .

زادگاه من بخش کوچکی از آسیا بود من آن را اکنون سر بلند و بلند پایه ، باز می گذارم اما از آنجا که از شکست در هراس بودم خود را از خود پسندی و غرور بر حذر داشتم ، حتی در پیروزی های بزرگ پا را از اعتدال بیرون ننهادم.

اکنون میهنم را خوشبخت می بینم از این رو می خواهم که آیندگان مرا مردی خوشبخت بدانند .

در مرگ است که روح به ابدیت می پیوندد و چون از قید و علائق آزاد می گردد به آتیه تسلط پیدا می کند و همیشه ناظر اعمال ما خواهد بود پس اگر چنین بود به آنچه گفتم عمل کنید و بدانید که من همیشه ناظر شما خواهم بود ، اما اگر چنین نبود آنگاه از خدای بزرگ بترسید که در بقای او هیچ تردیدی نیست و پیوسته شامل و ناظر اعمال ماست.

اکنون باید آشکارا جانشین خود را اعلام کنم تا پس از من پریشانی و ناسامانی روی ندهد من شما دو فرزندانم را یکسان دوست می دارم ولی فرزند بزرگترم آزموده تر است و تو ای کمبوجیه مپندار که عصای زرین پادشاهی ، تخت و تاجت را نگاه خواهد داشت . بلکه دوستان یکدل و یک رنگ برای پادشاه عصای مطمئن تری هستند.

از کژی و ناروایی بترسید . اگر اعمال شما پاک و منطبق بر عدالت بود قدرت شما رونق خواهد یافت ، ولی اگر ظلم و ستم روا دارید و در اجرای عدالت تسامع ورزید ، دیری نمی انجامد که ارزش شما در نظر دیگران از بین خواهد رفت و خوارو ذلیل و زبون خواهید شد.

وصیت نامه کورش کبیر

پس از مرگم بدنم را مویایی نکنید و در طلا و جواهرات و زیور آلات نپوشانید و زودتر آنرا در آغوش خاک پاک ایران قرار دهید تا ذره ذره های بدنم خاک ایران را تشکیل دهد ، چه افتخاری برای انسان بالاتر از

اینکه بدنش در خاک ایران دفن شود . چه بهتر که انسان با خاک که این همه چیزهای نغز و زیبا می پرورد آمیخته گردد.

من همواره مردم را دوست داشته ام و اکنون نیز شادمان خواهم بود که با خاکی که به مردمان نعمت می بخشد آمیخته گردم .

از همه پارسیان و هم پیمانان بخواهید تا بر آرامگاه من حاضر گردند مرا از اینکه دیگر هیچ گونه بدی و رنجی نخواهم دید شادباش گویند.

اما واپسین بند من : اگر می خواهید دشمنان خود را ناکام گذارید به دوستان خود نیکی کنید.



وفات کورش کبیر

تشیع و خاکسپاری جنازه کورش کبیر

چند ساعت قبل از ورود تابوت شاه به تخت جمشید فرزندان کورش کبیر از جمله دخترش آتوسا با همسرش داریوش کبیر همراه با درباریان و



سرداران و همچنین سرداران پیری که در جنگ های کورش کبیر او را همراهی کرده بودند با سه هزار نفر از سربازان گارد در بیرون شهر به منظور استقبال از جنازه شاه گریان و نالان به انتظار ایستاده بودند.

از سوی دیگر تمامی مردم شهر و روستاهای اطراف در دوطرف جاده ورودی شهر بادسته های گل و عود و اسپند با اندوهی فراوان منتظر بودند.

ناگهان از دور گردو غباری دیده شد و مردم ناخداگاه بسوی آنجا روانه می شدند تابوت کورش کبیر برگردونه سلطنتی همراه با فراولان و محافظین تابوت آهسته پیش می آمدند پیشاپیش آنان سپهسالار برگردونه جنگی (رتفه) درفشی که مخصوص کوروش بود در دست داشت و اشک ریزان به جلو می آمد.

پشت سر نیز نوازندگان سرودهای خاص خورشید و بهرام می خواندند و هر چند قدم ، یک بار می ایستادند.

تا اینکه تابوت به دروازه شهر رسید . داریوش مشایعین را امر به توقف داد و با چهره ای اندوهگین آهسته بر فراز گردونه رفت و بر تابوت بوسه زد پس از آن جنازه به قصر برده شد و سه شبانه روز مردم با احترام از برابر پیکر کورش کبیر می گذشتند و گل و عود و بخور نثار می کردند و موبدان با خواندن سرود ها و دعاهای مراسم مذهبی بجا می آوردند

روز سوم جنازه این آزاد مرد تاریخ بشریت با تشریفات خاصی به طرف شهر پاسارگاد که از وصیای وی بود حرکت دادند.

این قسمت به دلیل جذابیت و شیوایی فوق العاده با اندکی تغییر بر گرفته از کتاب کورش کبیر نوشته سعید قانع می باشد.

مؤلف

و سر انجام پیکر بی جان کورش کبیر را در بنای چهار گوش سنگی زیبایی که ساخته بودند به خاک سپردند. در این آرامگاه این عبارت به چشم می خورد: «ای انسان هر که باشی و از هر کجا که بیایی ، زیرا می دانم که خواهی آمد ، من کورش هستم که برای پارسیان این دولت وسیع را بنا کردم ، پس بدین مشتی خاک که بدن مرا می پوشاند رشک میر»





قسمتی از مفاد منشور حقوق بشر کورش کبیر

۲۰. منم «کورش»، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه توانمند، شاه بابل، شاه سومر و آگد، شاه چهار گوشه جهان.(۶)

۲۱. پسر «کمبوجیه» (ک-آم - بو - زی - یه)، شاه بزرگ، شاه «آنشان»،
نوه «کورش» (کورش یکم)، شاه بزرگ، شاه آنشان، نبیره «چیش پیش»
(شی - ایش - بی - ایش)، شاه بزرگ، شاه آنشان.

۲۲. از دودمانی که همیشه شاه بوده‌اند و فرمانروایی‌اش را
گرامی می‌دارند و با خرسندی قلبی پادشاهی او را خواهند. آنگاه که بدون
جنگ و پیکار وارد بابل شدم؛ (۷)



۲۳. همه مردم گام‌های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان
بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک دل‌های پاک مردم بابل را
متوجه من کرد، زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم. (۸)
۲۴. ارتش بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و
آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

۲۵. وضع داخلی بابل و جایگاه‌های مقدسش قلب مرا تکان داد ... من برای صلح کوشیدم. نبونید، مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود، کاری که در خور شأن آنان نبود.

۲۶. من برده‌داری را برانداختم. به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچکس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.

۲۷. همه پادشاهان سرزمین‌های جهان، از «دریای بالا» تا «دریای پایین» (دریای مدیترانه تا خلیج فارس)، همه مردم سرزمین‌های دوردست، همه پادشاهان «آموری» (آ - مور - ری - ای)، همه چادرنشینان. مرا خراج گذاردند و در بابل بر من بوسه زدند. از ... تا «آشور» (آش - شور) و «شوش» (شو - شن). من شهرهای «آگاده» (آ - گ - ده)، «آشنونا» (آش - نو - نک)، «زَمان» (ز - آم - ب - آن)، «مَٔورنو» (م - تور - نو)، «دیر» (د - ایر)، سرزمین «گوتیان» و شهرهای کهن آنسوی «دجله» (ای - دیک - لت) که ویران شده بود را از نو ساختم.

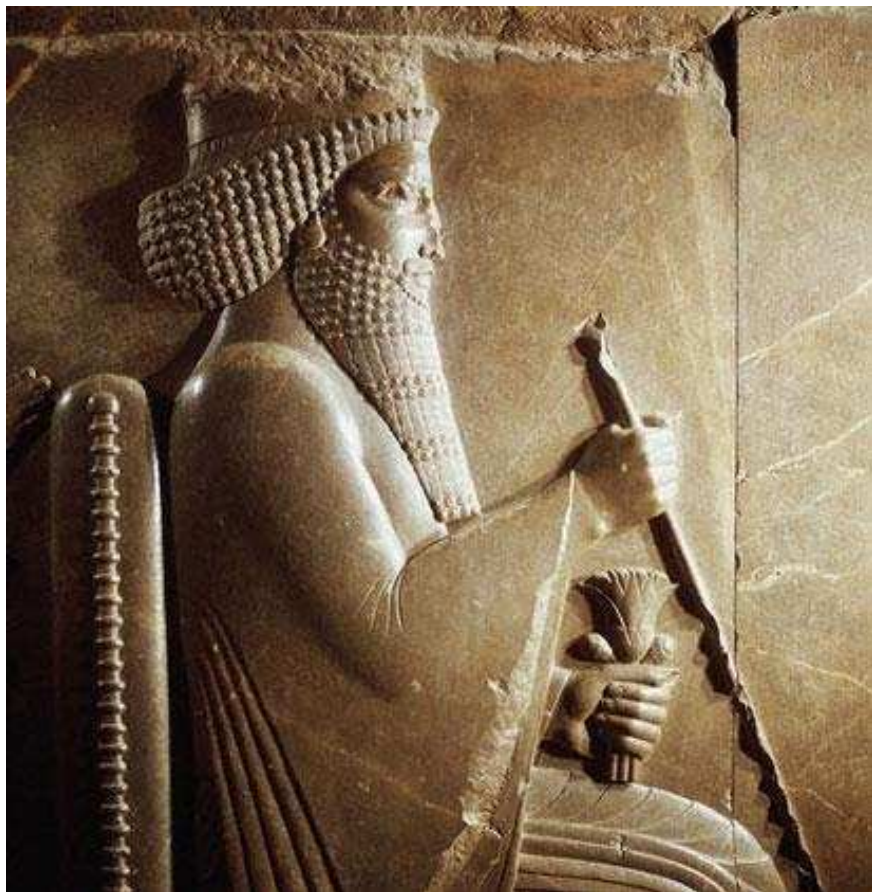
۲۸. فرمان دادم تمام نیایشگاه‌هایی که بسته شده بود را بگشایند. همه خدایان این نیایشگاه‌ها را به جاهای خود بازگرداندم. همه مردمانی که

پراکنده و آواره شده بودند را به جایگاه‌های خود برگرداندم. خانه‌های
ویران آنان را آباد کردم. همه مردم را به همبستگی فرا خواندم. (۹)

۲۹. همچنین پیکره خدایان سومر و آکد را که نبینید بدون واهمه از
خدای بزرگ به بابل آورده بود؛ به خشنودی مردوک به شادی و خرمی،
به نیایشگاه‌های خودشان بازگرداندم، بشود که دل‌ها شاد گردد. بشود،
خدایانی که آنان را به جایگاه‌های مقدس نخستین‌شان بازگرداندم، (۱۰)

۳۰. هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم خواستار زندگانی بلند باشند.
بشود که سخنان پر برکت و نیکخواهانه برایم بیابند. بشود که آنان به
خدای من بگویند: ”به کورش شاه، پادشاهی که ترا گرامی می‌دارد و
پسرش کمبوجیه جایگاهی در سرای سپند ارزانی دار.“ (۱۱)

۳۱. بی‌گمان در روزهای سازندگی، همگی مردم بابل، پادشاه را گرامی
داشتند و من برای همه مردم جامعه‌ای آرام فراهم ساختم. (صلح و
آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم). . . . برای همیشه سعی نمودم تا
به کسی ظلم ننمایم، تا تمامی بندگان خدا از من راضی باشند..



داریوش بزرگ

داریوش بزرگ

داریوش بزرگ از شاخه دیگر هخامنشی یعنی از نواده گان آریامن شاه پارس و هم چنین داماد کوروش کبیر بود. این شاه با تدبیر دولت ایران را بر مبنای محکم تری از آنچه سابق داشت استوار کرد و اساس حکومت ها و ولایات را بر شالوده ای ریخت که از هر حیث ممتاز بود، مسلم است که اگر این پادشاه که واقعاً مستحق لقب بزرگ است ظهور نمی نمود آن دولت عظیمی که کوروش کبیر بنا نهاده بود مثل دولت ماد به سرعت منحل می گردید.



داریوش بزرگ دریافت که یکی از مهم ترین نیازها برای بقای حکومت هخامنشیان ارتشی منظم و مجهز است.

بنابر این داریوش بزرگ در لشکر کشی به مصر که خود فرماندهی سواران و نیزه داران را به عهده داشت با تشخیص و انتخاب مطیع ترین و مناسب ترین نیروهای نظامی خود هسته اصلی (سپاه جاویدان) را پایه ریزی کرد.



همچنین داریوش بزرگ با تلاش فراوان نیروی دریایی ایران را به نحو احسن تجهیز کرده و گسترش بخشید.

سپس برای تداوم حیات امپراطوری عظیم خود نوعی نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ضروری دانست به همین منظور او کشور را به سی ایالت تقسیم نمود و برای هر یک استاندار، یک فرمانده نظامی و یک

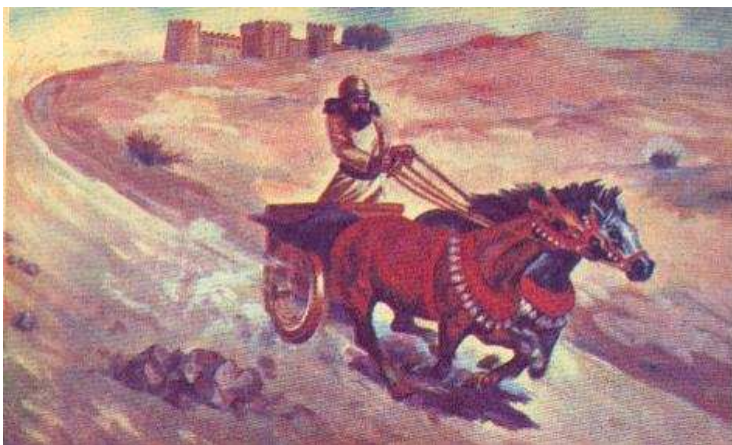
کارمند امور مالی قرار داد که هریک به طور مستقل تام الاختیار بودند، در ضمن مأموران مخفی برای نظارت و گزارش کار آنها گماشت.

این مأمورین از طریق شبکه های ارتباطی منظم و سریع که به دستور پادشاه در سراسر قلمرو وسیع هخامنشیان ایجاد گشته بود و در محله هایی با موقعیت و با فاصله مشخص چاپارخانه هایی ایجاد شده بود که به وسیله چاپارها که پیک هایی با اسبان تیزتک بودند در کوتاه ترین مدت اخبار را جابه جا می نمودند از دیگر اقدامات برای ایجاد و گسترش خطوط ارتباطی

آن بود که به دستور شاه جاده ای میان شوش و سارد به طول ۲۴۰۰ کیلومتر کشیدند(جاده شاهی) که در مسیر آنها نیز چاپارخانه هایی احداث گردیده بود.



جام طلایی داریوش بزرگ



این امر علاوه بر گسترش ارتباطات از جنبه نظامی و سیاسی و تجاری حائز اهمیت بود.

در این دوران از نظر فرهنگی کشور ایران از پیشرفته ترین ملت های جهان باستان بوده است. داریوش بزرگ احیا کننده دین زردشت که یکی از مهمترین و بزرگترین ادیان آن عصر می باشد ولی در عین حال او با افکار و اندیشه های رایج در سایر ملت ها و کشورها نظیر هند و یونان نیز بیگانه یا دشمن نبود. افکار بلند او باعث می شد تا با بهره گیری از میراث پیشینیان خود و دیگر ملت ها در زمینه فن و هنر موفقیت های بسیاری بدست آورد. در زمان داریوش بزرگ ایران از نظر اقتصادی توانمند ترین کشور به شمار می رفت که در آن شرایط بسیار مساعدی برای گذران زندگی مردم فراهم بود و کشاورزی در اوج پیشرفت بود وی با تأسیس ضراب خانه ها در شهرهای مختلف ایران با ضرب سکه طلا (دریک یا

زریک) و ضرب سکه نقره (شیکل) به تجارت داخلی و هم خارجی رونق شایانی بخشید به طوری که دامنه تجارت خارجی از شرق تا هند و چین و از غرب تا اروپا گسترده بود از دیگر شاهکارهای داریوش بزرگ ساخت



کانال سوئز و معبد هیبیس بود که مصریان به او لقب فرعون بزرگ دادند.

از دیگر اقدامات داریوش بزرگ آزادی هرچه بیشتر زنان و مداخله آنان در امور

جاریه ی مملکتی که حتی ریاست و سرپرستی بعضی امور مهم اداری به آنان واگذار شده بود و دیگر ایجاد قانون تأمین اجتماعی که زنان نیز از برخی مفاد آن بهره مند بودند از جمله مرخصی زایمان و دوران شیردهی بود که هنوز پس از گذشت دو هزار و پانصد سال برخی از جوامع بشری هنوز از آن بی بهره اند.

از مهمترین و مشهورترین اقدام نظامی داریوش بزرگ لشکر کشی به اروپا جهت سرکوب سکاهای بود. زیرا سکاهای با تعدی به شهرهای مرزی

ایران گاه و بی گاه مرزهای غربی ایران را مورد تاخت و تاز و غارت قرار می دادند. و ثانیاً این اقدام مقدمه ای بر حملات آتی به امپراطوری یونان بود.

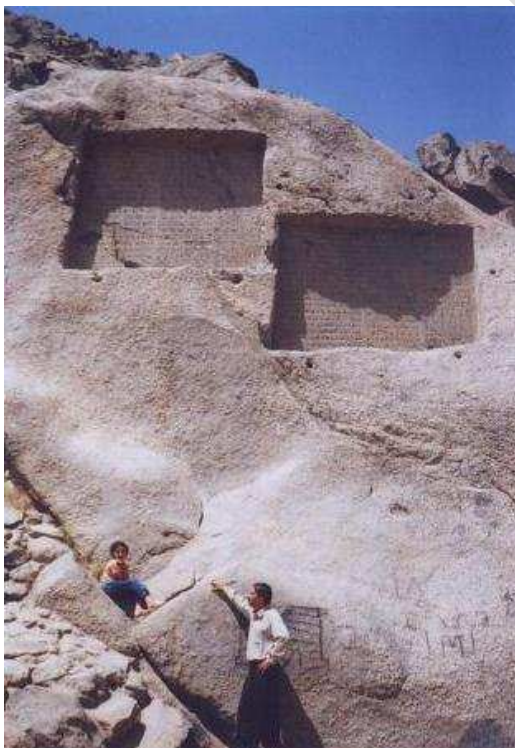
از فتوحات داریوش بزرگ الحاق پنجاب و سند در مشرق و طراس و مقدومیه در مغرب بود که این فتوحات را ظاهراً بدون اشکال زیاد به انجام رسانید. بنابراین می بینیم دولتی مشتمل بر تمام دنیای معلوم آن زمان و مقداری از اراضی که تا آن هنگام مجهول مانده و هنوز کشف نشده بود که آن از ریگ زارهای سوزان آفریقا تا نواحی سرد سیر چین امتداد داشته است.

تمامی این امپراطوری وسیع و پهناور تحت اطاعت و انقیاد پادشاه ایران زمین بوده و جادارد که بگوییم این موقع منتهای ترقی ایران و بهترین دوره از جمیع ادوار دول بزرگی که تا آن زمان به وجود آمده بوده است.

اما به طور کلی می توان گفت در دوره ی این پادشاه با تدبیر جنگ و درگیری و همچنین فتوحات خارجی نیز کم بوده زیرا او سعی کرده فتوحات قبلی کورش کبیر را تثبیت و نگه داری نماید. از این رو بیشتر وقت خود را صرف امور داخلی و اداره و اصلاحات کشور نموده است.

همان طور که اشاره شد تنها لشکرکشی بزرگ داریوش بزرگ تصرف قسمتی از سرزمین هند و قسمتی از خاک اروپا بود. و علت جنگ با یونان آن بود که سکاها که در حوالی رود دانوب زندگی می کردند مدام از

سمت شمال غربی مرزهای ایران را مورد تاخت و تاز و غارت قرار می دادند. بنابر این شاه ایران با لشکری بزرگ از طریق آسیای صغیر وارد عمل شده و سواحل رود دانوب و شهرهای یونانی آسیای صغیر را تصرف کرده و سرانجام در سال ۴۹۰ ق. م پادشاه ایران پیروزمندانه با سپاهانش به وطن برگشتند.

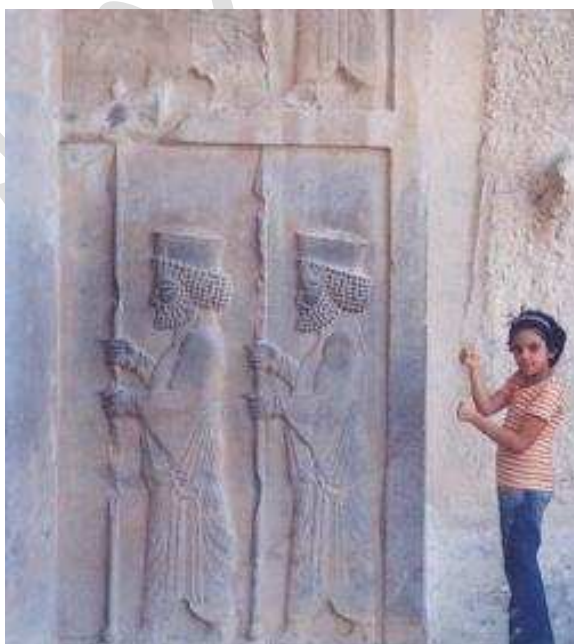


اما قسمتی کوچک از سربازان ایرانی مستقر در آن ناحیه مورد هجوم لشکریان یونانی که باهم متحد شده بودند و با تمام توان در دشت ماراتون به ایرانیان حمله کردند که سربازان ایرانی متحمل شکست شدند اما این شکست برای دولت ایران بسیار کم اهمیت بوده که حتی داریوش بزرگ در صدد جبران آن بر نیامد.

کتیبه گنج نامه

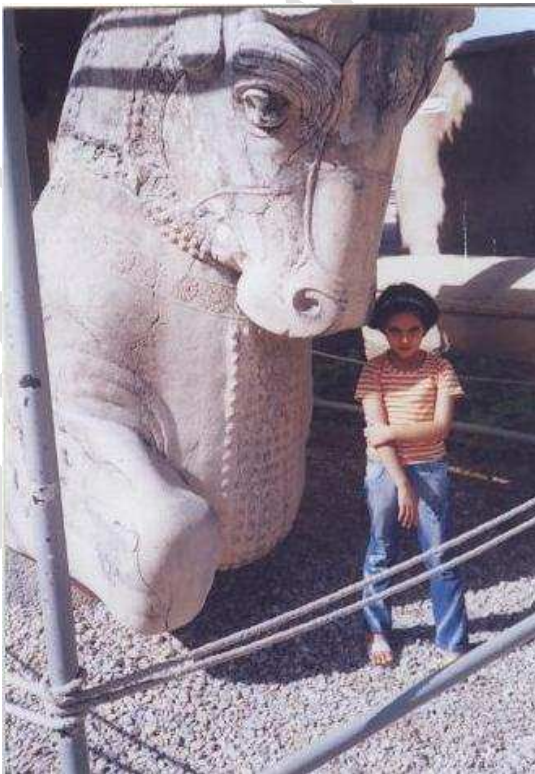
پس از داریوش بزرگ فرزند و جانشینش خشایارشا به پادشاهی رسید. بخشی از اقدامات خارجی اولشکرکشی به مصر و بابل و سرکوب شورش مجدد آنجا بود. پس از برقراری آرامش در مصر و بابل برای جبران شکست ماراتن، خشایارشا علی رغم مخالفت ملکه مادر و برخی از بزرگان دربار در سال ۴۸۰ ق.م. نیروی دریایی خود را به فرماندهی آرتاباز سردار معروف ایران به طرف دریای مدیترانه به حرکت در آورد و خود شخصاً فرماندهی نیروی زمینی را به عهده گرفت و با سپاهی عظیم از طریق آسیای صغیر عازم کشور یونان گشت.

وی پس از گذشتن از تنگه داردانل به ناحیه ای به نام تراس در یونان حمله برد و به آسانی مقاومت یونانی ها را در هم شکست و آتن پایتخت یونانیان را به تصرف در آورد و به آتش کشید.



پس از این پیروزی شاه ایران به طور جدی عملیات نظامی را دنبال نکرد و همین را برای تنبیه یونانی‌ها که حاضر به اطاعت از او نشده بودند کافی دانست و با سپاهیان‌ش به سمت ایران مراجعت کرد.

در چنین شرایطی نیروی دریایی ایران در مدیترانه به آبراهه باریکی رسیدند و به دلیل ناآشنایی به منطقه و به علت کثرت کشتی‌های جنگی به هم گره خورده و قدرت حرکت و مانور از آنها سلب شد.



در این اثنا نیروی دریایی آتن که درگیر جنگ نبود و سالم مانده بود با کمک نیروهایی که از دست ایرانیان پا به فرار گذاشته بودند و به هر جایی متواری شده بودند از کمین گاه بیرون آمده و یکباره همگی با تمام توان به نیروی دریایی ایرانیان حمله بردند این حمله غافلگیرانه در حالی انجام شد که نیروهای ایران همگی قسط بازگشت را داشتند بنابراین نیروی عزیز دریایی ایران توانست خود را از این بن بست نجات داده و با جنگ و گریز به طرف آبهای ایران برگردد. این نبرد که منجر به خساراتی به ارتش هر دو طرف گردید به جنگ سالامیس معروف گشت. در حقیقت این پیروزی برای یونانیان با اهمیت بود ولی این شکست برای دولت هخامنشیان کوچک و کم اهمیت بود بطوری که در کشمکش های بعدی ایران مقابله با یونانی ها را فقط به شهربان های خود که در مرزهای یونان بودند سپرده و خود به طور مستقیم به آنها نمی پرداختند.



مبحثی اجمالی بر پیدایش مسکوکات

طبق کشفیات و تحقیقات و مطالعات دانشمندان علم باستان شناسی و سکه شناسی جهان بنظر می رسد که سکه در سرزمین کهن و پهناور ایران قدمتی طولانی دارد ، بنابراین می توان سکه ها را ذیکی از مهم ترین اسناد باستانی بشمار آورد . از این رو شناخت سکه ها ، خاصه برای ما ایرانیان اهمیت بسزایی دارد ، به همین دلیل در این بخش سعی نموده ام که بنحو شایسته ای درباره تاریخچه سکه های آغازین اشاره ای مختصر ولی مفید داشته باشم . بنابراین قبل از هر چیز باید متذکر شوم ، سلسله های فراوانی که در تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم جایگاهی والا داشته اند و دارای مسکوکات بی نظیر و ارزشمندی بوده اند از ذکر نام آنها خودداری شده و فقط به معرفی اولین سکه های تاریخ ایران و جهان بسنده گردیده است .

اغلب یافته های باستان شناسان از مواد فاسد شدنی از قبیل چوب ، پارچه ، استخوان ، پوست و غیره ساخته شده اند که در طول قرونی زیاد تحت تأثیر - خاک ، آب ، هوا فرسوده شده اند یا تغییر شکل یافته یا ناقص شده و یا بطور کلی از بین رفته اند حتی بناهای عظیم و محکم از گزند روزگار مصون نمانده اند . ولی سکه ها چون از فلزاتی مانند طلا و نقره و آلیاژ بوده بسیار مقاوم و ماندگار هستند . بله سکه این شیء بسیار کوچک میراثی گرانبهاست که هر یک خود کتابچه ای پر محتوا از تاریخ گذشته است . سکه ها معرف و نشان دهنده بخش مهمی از تاریخ ،

جغرافیا، مذهب، هنر، خط، آداب و سنن، صنعت، اقتصاد، سیاست و تمدن دوران خود هستند. برای مثال نقش کشتی های جنگی داریوش کبیر در پشت سکه ساتراپ های هخامنشی، تصویر هنرمندانه چهره شاهان و ایزدان در پشت سکه های اشکانی و نقش های زیبای آتشکده در سکه های ساسانی.

ایرانیان تا پیش از پیدایش سکه معاملات و داد و ستد را با مبادله کالا با کالا انجام می دادند و این مشکلات فراوانی بهمراه داشت. با شروع دوران فلزات تحول عظیمی در نظام اقتصادی و اساس بازرگانی و تجارت ایجاد شد و ایرانیان با استفاده از فلزات مختلف اشیایی به شکل شمش، حلقه، میله، قطعات چهار گوش یا مدور تهیه کردند که مبادلات را در کمترین وقت و شکل آسانی انجام می داد. در کاوشهای شوش حلقه هایی در ویرانه های معابد از دوران دو هزار سال قبل از میلاد بدست آمده، همچنین در کاوش های تپه نوسی جان که متعلق به دوران ماد ۲۷۰۰ سال است تعداد ۲۳۱ قطعه نقره درون یک کاسه مفرغی کشف شد که بر روی آنها علاماتی دیده می شود. تا اینکه پس از چند قرن تجربه برای اولین بار سکه هایی توسط پادشاهان لیدی ضرب شد که شکل قطعه پهن نامنظمی بود از مخلوط طلا و نقره (الکتروم) که نقش روباه مظهر باکوس که یکی از ارباب انواع مورد پرستش مردم بوده است نقش گردید.

بعد ها در شهر اژین سکه هایی با نقش لاک پشت دریایی مظهر آرتیمیسی الهه یونان ضرب شد. و سپس سکه کروزوس به سال

(۵۶۰ ق.م) با نقش نیم تنه گاو میش و شیر در حال حمله به یکدیگر ضرب شد که این سکه از لحاظ وزن، نقش، اندازه و نوع فلز و شکل در نهایت هنرمندی و زیبایی خصوصیات سکه واقعی برخوردار بود.

کوروش کبیر در سال ۵۴۶ (ق.م) پس از پیروزی بر کرزوس پادشاه یونان به علت داشتن افکار بلند خواست که چنین اختراع مفید و گرانبهایی را که وضع اقتصادی را در آن نواحی تغییر داده بود را از میان بردارد و حتی در نشر آن سعی نمود، ضرب سکه های محلی در شهر های ساحلی آسیای صغیر در تمام دوران سلطنت کوروش کبیر و فرزندش کمبوجیه ادامه داشت در اواسط قرن ششم قبل از میلاد برای اولین بار بر روی سکه تصویر انسان ظاهر شد مثلاً در یک طرف در همهای اژینی کنید، سرشیر و طرف دیگر آن سر آفرودیت است.

با آنکه کوروش کبیر بنیانگذار سلسله هخامنشیان متوجه لزوم و اهمیت ضرب سکه و تأسیس ضربخانه بود، ولی بخاطر درگیری با متجاوزین که از شمال و شرق و غرب به ایران هجوم می بردند و او مجبور بود که با سپاهیان برای سرکوب عصیانها و تجاوزات دائماً در حال لشکر کشی و نبرد باشد و چون در نبرد با سکاها زخمی و سپس کشته شد هرگز این فرصت را پیدا نکرد، پسرش کمبوجیه اول نیز در راه ادامه راه پدر که همان دفع متجاوزین بود در دوران کوتاه فرمانروایی خود فرصت پرداختن به امور داخلی کشور را پیدا نکرد. اما داریوش بزرگ در سال (۵۲۱ ق.م) پس از برقراری نظم در امپراطوری پهناور هخامنشی،

به تشکیلات امور داخلی و تقسیمات مملکتی و ممالک تابعه پرداخت و بخصوص توجه خاصی نسبت به وضع مالی و اقتصادی مبذول داشت . بنابه دستور وی ضرابخانه ها تأسیس گردید و شروع به ضرب سکه های طلای داریوش ۱ در یکی و ۲ در یکی به وزن $16/65$ گرم و ۹۷ درصد خالص در تمام مناطق یونان و آسیا شهرت و اهمیت بسزایی یافته بود که حتی بعد از انقراض سلسله هخامنشیان تا چند قرن سکه های داریوش بزرگ در اروپا و آسیا رواج داشت .



اردشیر سوم حدود ۳۶۰ سال
قبل از میلاد ضرب صیدا





سردار هخامنشی - آریوبرزن

مشخصات سکه داریوش بزرگ :

بر روی سکه تصویر شاه به حال ایستاده و تاج کنگره داری بر سر دارد ، زانوی او خمیده است و زانوی راست او به سمت جلو و پای چپ به طرف عقب متمایل است کمان نیزه داری که انتهای آن به گویی منتهی می شود در دست دارد ، یک تیردان مملو از تیر در پشت شاه دیده می شود . شاه دارای ریش و موی بلند است که بر پشت گردن جمع گردیده است ، لباس او ردایی با چینهای بسیار که در روی بازوها و سراسر اندام او این چینها دیده می شود ، ردای زانوی چپ را نمی پوشاند و با حاشیه ای مفرس از شرابه های مدور زینت شده است . لباس فرمانروا با کمربندی به دور کمر بسته شده است . و در روی سکه های شکل شاه به جای نیزه خنجری در دست دارد .



شاخه های اصلی پارسیان

پازارگادی (پاسارگادی)

ساگارتین (ساگارتی)

دروپیکي

مارافین (مارافی)

گرماین (کرمانی)

ماسپتین (ماسپی)

دروزین (دروسی)

پانتالین (پانتیالی)

دائن (دایی)

مارد (مردی)

پارسیها از لحاظ وضع زندگی و اجتماعی به دو دسته تقسیم می شدند .

طبقه اول کشاورزان - که این طبقه نیز ۶ طایفه بزرگ را در بر می گرفت .

بازارگادی : که هخامنشیان جزء این عشیره بودند .

مارافی ۳ - ماسپی ۴ - پانتیالی ۵ - کرمانی ۶ - دروسی

طبقه دوم - دامداران که از چهار عشیره تشکیل می شدند .

دایی ۲ - مارد ۳ - دروپیک ۴ - سارگالی

سالممار شاهان هخامنشی :

- ۱- هخامنش سر سلسله هخامنشی
- ۲- چیش پیش
- ۳- آریا من (شاه پارس)
- ۴- کوروش اول (شاه انشان)
- ۵- کمبوجیه اول
- ۶- کوروش دوم (بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشیان)
- ۷- کمبوجیه دوم
- ۸- بردیا
- ۹- ارشام
- ۱۰- ویشتاسب
- ۱۱- داریوش کبیر
- ۱۲- خشایار شاه
- ۱۳- اردشیر اول

۱۴- داریوش دوم

۱۵- اردشیر دوم

۱۶- اوستان

۱۷- ارشام دوم

۱۸- اردشیر دوم

۱۹- اردشیر سوم

۲۰- آرسس

۲۱- ارشک

۲۲- داریوش سوم (آخرین پادشاه هخامنشی)





گفتار سوم

سلوکیان

دولت هخامنشی در نتیجه انحطاط و ضعف داخلی و خالی شدن خزانه بخاطر جنگهای متعدد با تهاجم نیروی عظیم و قدرتمند خارجی مواجه شد و منقرض گردید . این تهاجم بوسیله اسکندر مقدونی صورت پذیرفت که بیشتر سپاهیان آنرا یونانیها تشکیل می دادند . او با پیروزی و پیشروی دولتی وسیع را بنا نهاد که دوره قدرت و عظمت آن کوتاه بود و چون تجزیه شد چندین دولت مستقل از آن بوجود آمد که وسیعترین آنها در ایران با نام سلوکیان ادامه حیات داد . پس از مرگ اسکندر چون وی فرزند و جانشینی نداشت بین سردارانش بر سر قدرت کشمکش هایی صورت گرفت که در نتیجه ان یونان به آنتیگون و مصر بطلمیوس و ایران به سلوکوس رسید . سلوکیان از سال ۳۱۲ ق . م به مدت ۸۰ سال سلطه

ایران زمین

خود را بر ایران آغاز کردند . تا در زمان سلوکوس دوم به سال ۲۵۰ ق . م با قیام فرمانروای پارت (ارشک) روبرو گشته و در جنگی شکست خورد و این آغازی برای برچیده شدن سلطه سلوکیان در ایران بود.



اسکندر



سالشمار سلوکیان

سلوکوس

آتتیوخوس اول

آتتیوخوس دوم

سلوکوس دوم

آتتیو خوس سوم

از این به بعد غلبه اشکانیان و کوتاه شدن دست سلوکیان از سرزمین ایران و پس از این ادامه حکومت سلوکیان در سوریه که بعداً توسط رومیان منقرض شدند و در زباله دان تاریخ جای گرفتند.

گفتار چهارم

سلسله معظم و آزاد منش اشکانیان



نظام دموکراتیک پارتیان

یکی از ادوار مهم تاریخ ایران دوران حکومت پارتیان است . دوره بس درخشان و پر عظمت که فرمانروایان آن توانستند با تدبیر و دلاوری و شجاعت ، دست جانشینان اسکندر را از سرزمین ایران کوتاه نمایند . و اساس و بنیان حکومتی را که مدت پنج قرن دوام داشت پی ریزی نمایند .

پارتیان جنگجویان دلیر و با شهامت بودند که در تیر اندازی و سوارکاری مهارت تام داشتند . در حمله اسکندر به ایران سپاهیان پارت به همراه سایر سپاهیان ایرانی در جنگ شرکت نموده علیه اسکندر جنگیدند پس از سقوط دولت هخامنشی ، فاتح مقدونی سرزمین پارتها را نیز به تصرف در آورد . پارتها از تسلط سلوکی ها و فرمانروایی آنها بسیار رنج می بردند بنابراین تحت رهبری ارشک دست به شورش زده ، و دولتی تشکیل دادند که ابتدا شامل منطقه کوچکی بود ، ولی با وجود حملات مکرر و پی در پی سلوکیان ، آنها موفق شدند دست سلوکی ها را از بسیاری از مناطق ایران کوتاه کرده ، و حکومت بزرگتر و مقتدری را پایه

گذاری کنند. ارشک در حدود سال ۲۵۰ ق. م به شهر نیسا رفت و دو سال بعد اولین پادشاهی اشکانی را آغاز کرد، تاج گذاری ارشک، مبدأ تاریخ ایران شد، دو سال بعد در پیکاری با سلوکیان کشته شد و برادرش تیرداد در سال ۲۴۸ ق. م جانشین او گردید و به سلطنت رسید. وی ناحیه هیرکانی (گرگان) را به تصرف در آورد و به تجهیز سپاه خود پرداخت تا بتواند در برابر حمله سلوکوس دوم یا دیودوت شاه باخت با آنها مقابله کند. بخت با تیرداد یاری کرد و شاه سلوکی در اثنای پیکار به علت شورش که در ناحیه غربی روی داده بود ناچار شد به آن سوی عزیمت کند. دیودوت شاه نیز چون تنها ماند مجبور شد با تیرداد از در مصالحه در آید. پس از درگذشت تیرداد به ترتیب ارشک دوم، فریادپات، و فرهاد اول فرمانروایی کردند. و با پیکار با سلوکی ها و همچنین تقویت موقعیت خود توانستند سرزمین های وسیعتری را از سلطه سلوکی ها خارج نمایند.



در سال (۱۷۱ - ۱۳۸ ق . م) با آغاز فرمانروایی مهرداد اول برگ زرینی در تاریخ ایران زمین ورق خورد . این شاه مقتدر و با تدبیر توانست در اندک زمانی دولت باختر ، تمام نواحی شمالی و ماد ، التمانی ، خاراسن ، پارس ، بابل و آشور را تصرف کند . و با شکستی که به دمتریوس دوم ، شاه سلوکی وارد ساخت موفق شد دست سلوکی ها را به طور کامل از ایران و سرزمین های تابع زمان هخامنشیان کوتاه کرده و ایران را دوباره به یک قدرت جهانی تبدیل کند .





سورنا - سردار نامی اشکانی

پس از درگذشت مهرداد پسرش فرهاد دوم (۱۳۸ - ۱۲۸ ق. م.)
جانشین او شد.

آنتینوکوس هفتم شاه سلوکی برای تصرف مناطق از دست رفته برای
مقابله با سپاه ایران وارد بین النهرین شد. که ابتدا در جنگ بر ایرانیان
غالب گردید و تا هگمتانه (همدان) پیش آمد. اما طولی نکشید که با تیر
اندازان و سواره نظام پارتیان موجه گردید و در این جنگ و گریز که شیوه
ارتش پارت بود شکست سختی خورد و آنتینوکوس در جنگ کشته شد.
و حکومت سلوکیان فقط به سوریه محدود شد که بعداً توسط امپراطوری
رومی ها بساط سلوکی هم برچیده شد و ضمیمه متصرفات امپراطوری روم
گشت از سوی دیگر پارتی ها نیز اساس حکومت خود را که در پارت و
هیرکانیا تأسیس نموده بودند در صدد تحکیم و توسعه و ازدیاد حوضه
اقتدار خود بر آمده و بالاخره حدود قلمرو خود را با حدود قلمرو امپراتور
غرب (روم) متصل ساختند این قوم رشید و دلاور با ترقی حیرت انگیزی
در مدنیت و فرهنگ توانستند چندین قرن دنیای معلوم را ما بین خود و
دولت روم قسمت کنند به طوری که بعداً معلوم گشت این دو دولت
نظامی و جنگی در سرزمینی که مناسب با سواران سبک اسلحه است پنجه
به پنجه هم افکنده و در نتیجه سلطنت آسیایی در تمام موارد در جای
خود ثابت و استوار مانده حیثیت و مقام خود را کاملاً محفوظ می دارد،
لیکن هر دو دولت مزبور از مناسبات و ارتباط با هم استفاده نموده و مظاهر

و مناظر شرقی و غربی آنها را توسعه و بسط داده راه اعتلاء و ارتقاء را برای هر دو آماده و مهیا ساخت.

از این رو سلسله پارت یا خاندان اشکانی سهم بزرگی در تمدن و فرهنگ و آزادگی بشر داشته ولی متأسفانه اثار و ارث کمتری برای اعقاب از آنها به جا مانده است، لکن به اعتراف دشمنان و رقیبان خود آنان در رشادت و شجاعت و مردی و مردانگی الحق خاندان مزبور همه نوع قابل تحسین و تمجید بوده اند. زیرا در مدت قریب به ۵۰۰ سال سلطنت در یک خاندانی بوده است که فقط چند تن از آنها سست اراده و نالایق بوده که همگی شاهانی مقتدر، آزاد منش و رعیت نواز بودند و از این رو پادشاهان پارت را می توان با پادشاهان بزرگ هخامنشی و نیز با تنی چند از امپراتوران بزرگ یونان و روم هم پایه دانست.

سقوط دولت اشکانی

در اواخر عهد اشکانیان وضع دولت ایران رو به پریشانی گذاشت، مرگ یک پادشاه مدتی کشمکش بین بزرگان مملکت به همراه داشت زیرا هر یک مایل بودند فرد مورد نظر خود را به سلطنت برسانند. عامل دیگر چون فرمانروایان این خاندان به علت روحیه آزاد منشی فعالیت تمام ادیان و احزاب را کاملاً آزاد گذاشته بودند به همین دلیل ادیانی مانند مسیحیت

و بودایی مجال گسترش یافتند که این وضع موجب رنجش و نارضایتی موبدان زردشتی شده بود.

عامل سوم به علت آزادی و حاکمیت دموکراسی در آن سلسله کشور با نظام ملوک الطوایفی اداره می شد و شاه آنچنان قدرت سیاسی نداشت حتی اگر شاهی به انحطاط می رفت فوراً مجلس مهستان که از بزرگان اقوام مختلف تشکیل شده بود شاه را معدوم یا برکنار می کرد و شخص دیگر بجایش می نشاند، به همین خاطر چون مرکزیت واحدی وجود نداشت از این رو هسته مرکزی ارتش ایران ناراضی و خواهان یک حکومت مرکزی بود.

عامل چهارم امپراتوری قدرتمند روم و همچنین دولت های همسایه مستعمره با تجاوزات خود دائماً مخارج سنگینی را بر شاهان اشکانی تحمیل می کردند. بنابراین عوامل مذکور زمینه را برای سقوط حکومت پارتیان را فراهم ساخت و باعث شد تا مترقی ترین و آزادی بخش ترین نظام دموکراسی که تاریخ بشر تا کنون به خود ندیده است از صحنه سیاست

کنار رود.



پهلوها

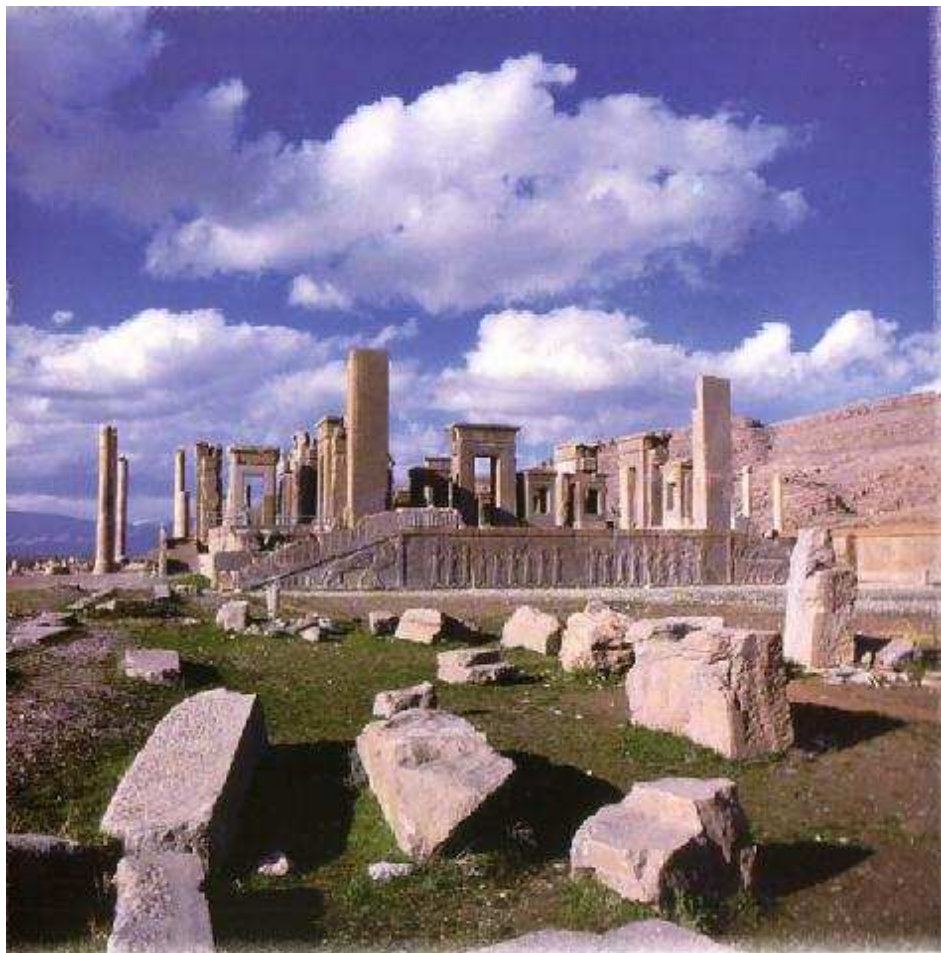
این سلسله همزمان با اشکانیان تاسیس شده و یکی از زیر مجموعه های این سلسله بود پهلوه ها شعبه ای از پارتها بودند که در جنوب شرقی ایران سیستان که با ساکها مخلوط شدند و قومی به نام (سیت و پارت) تشکیل دادند. تس پادشاه سیستان و قندهار بود که مسکوکات خود را با دو رسم الخط یونانی و خط خروشتی از جنس مس و نقره ضرب کرد، دیگر پادشاهان این سلسله، گندوفارس، ابدگاسا، اورتاگنس، و پارکوزاوی بودند.

سکه های پارتی

سکه های اشکانی از دو رسم الخط یونانی و پهلوی اشکانی و از جنس نقره به نام اُبول و دراخما (درخمی، درهم) و دیگری از جنس برنز (کالکوی) که کوچکترین آن اندازه یک عدس به وزن نیم گرم و بزرگترین آن بیش از چهل گرم می باشد اما تنها یک مورد سکه های طلای اشکانی متعلق به وزن اول در یک حفاری در ارمنستان دیده شده است سکه های نقره و برنز پادشاهان اشکان از مهمترین و گرانبها ترین اسناد و مدارک تاریخ، فرهنگ و شاهکار هنری ایرانیان به حساب می آید. بر روی سکه ها تصاویر حقیقی شاهان اشکانی به زیبایی دیده می شود. بر پشت سکه های برنزی اشکانی که از تنوع شگفت آوری برخوردار است به علت آزاد

اندیشی و دموکراسی مهوری این خاندان معظم مظاهر و نشانه های مذهبی و فرهنگی نقاط مختلف این امپراتوری پهناور را به خوبی انعکاس داده است. چون شاهان دست نشانده و حاکمان هر ایالت اختیار داشتند بر اساس باورهای مذهبی و عقاید و فرهنگ مردم آن دیار مبادرت به ضرب سکه نموده که در بین اقشار مختلف مردم کاربرد داشته و از لحاظ تصاویر و مضامین بسیار متنوع هستند. بر روی سکه ها القاب و عناوین شاهان به صورت عادل، نیکوکار، دوستدار پدر، دوست دار برادر، خودمختار، پیروز، نامدار، شاه بزرگ ارشک، دادگر، خدا پدر، دادگستر، فاتح، خدا دیده می شود که ان القاب از هر جهت مبین منش و اخلاق پارتیان دلیر و آزاده می باشد.







ارشک - بنیانگذار سلسله اشکانیان

مهمترین تصاویر و نقوش حک شده بر پشت سکه های اشکانی



سالممار فرمانروایان اشکانی

ارشک سرسلسله اشکانیان ۲۵۰ - ۲۴۸ ق. م وی قیام خود را بر علیه سلوکیان از سال ۲۵۶ قبل از میلاد آغاز کرد و در سال ۲۵۰ ق.م سلسله پارت را در شمال شرقی ایران پایه ریزی کرد که بعداً جانشینانش رفته رفته قلمرو او را گسترش دادند.

(اشک اول) تیرداد برادر ارشک که برای بزرگداشت بنیانگذار دولت پارتیان نام خود را اشک و دولتشان را اشکانیان نام نهاد وی ۳۷ سال پادشاهی کرد به سال ۲۴۸ - ۲۱۱ قبل از میلاد در سنین پیری درگذشت.

پارته‌ها سال ۲۴۸ ق. م یعنی زمان جلوس سلطنت تیرداد اول را مبدا تاریخ خود قرار دادند .

اشک دوم (ارشک دوم) ۲۱۱ تا ۱۹۱ ق. م

اشک سوم (فریپارت) دوران سلطنت ۱۹۱ تا ۱۷۶ ق. م

اشک چهارم (فرهاد اول) دوران سلطنت ۱۷۶ تا ۱۷۱ ق. م

اشک پنجم (مهرداد اول) دوران سلطنت ۱۷۱ تا ۱۳۸ ق. م - مهرداد پس از مرگ برادرش فرهاد به تحت رسید وی بنیانگذار عظمت پارت است در مدت ۳۷ سال پادشاهی پارت را گسترش داد و لقب داریوش سلسله اشکانی را به خود اختصاص داد مجلس مهستان را تشکیل داد و

دست سلوکان را برای همیشه از ایران کوتاه نمود وی به سال ۱۳۸ درگذشت.

اشک ششم (فرهاد دوم) دوران سلطنت ۱۳۸ تا ۱۲۸ ق. م

اشک هفتم (اردوان اول) دوران سلطنت ۱۲۸ تا ۱۲۳ ق. م

اشک هشتم (مهرداد دوم) دوران سلطنت ۱۲۳ تا ۸۸ ق. م

اشک نهم (اردوان دوم) دوران سلطنت ۸۸ تا ۷۷ ق. م

اشک دهم (سنترک) دوران سلطنت ۷۷ تا ۷۰ ق. م

اشک یازدهم (فرهاد سوم) دوران سلطنت ۷۰ تا ۵۷ ق. م

اشک دوازدهم (مهرداد سوم) دوران سلطنت ۵۷ تا ۵۵ ق. م

اشک سیزدهم (اُرد اول) دوران سلطنت ۵۵ تا ۳۷ ق. م - پس از مرگ مرداد سوم برادرش اُرد به سلطنت رسید وی پادشاهی با درایت و پر تلاش بود که مستعمرات ایران را گسترش داد دوران اول جنگ های ایران و روم در زمان او شروع شد و سورنا سردار نامی اشکانی در نبردی بزرگ رومیان را شکست داد و کراسوس و فرزندش فابیوس را به همراه لژیونش نابود ساخت که هرگز به روم برنگشتند، در نتیجه سوریه و همه شهرهای فنیقیه و سراسر آسیای صغیر تحت نفوذ دولت ایران درآمدند.

اشک چهاردهم (باکر) دوران سلطنت ۳۹ ق. م

اشک پانزدهم (فرهاد چهارم) دوران سلطنت ۳۸ تا ۳۷ ق. م - وی پس از کناره گیری پدر به سلطنت رسید و فوراً برادران خود را از میان برداشت او مردی خونخوار و ستم پیشه بود اما جنگجویی با درایت و در لشکر کشیهایش همیشه بهترین موفقیت ها را به دست می آورد او چندین بار رومیان را شکست داد و آنچنان آنان را کشت و غارت کرد که تا یک قرن بعد رومیان اندیشه هجوم به ایران را به خاطر راه ندادند. در حدود سال دوم پیش از میلاد موزا همسر رومی فرهاد وی را مسموم کرد

اشکش شانزدهم (تیرداد دوم) دوران سلطنت ۲۶ تا ۲۷ ق. م

اشک هفدهم (فرهادک) - موزا همسر رومی فرهاد چهارم پس از کشتن شوهرش فرزندش فرهادک را به تخت نشاند ولی مردم او را بیگانه و غاصب می پنداشتند که بعد از ۲ سال سلطنت او را برکنار کردند مهمترین وقایع زمان فرهادک تولد حضرت عیسی مسیح بود.

اشک هجدهم (ارد دوم) دوران سلطنت ۴ تا ۸ م

اشک نوزدهم (ون اول) دوران سلطنت ۸ تا ۱۲ م

اشک بیستم (اردوان سوم) دوران سلطنت ۱۲ تا ۴۰ م

اشک بیست و یکم (وردان اول) دوران سلطنت ۴۰ تا ۴۵ م

اشک بیست و دوم (گودرز) دوران سلطنت ۴۵ تا ۵۱ م

اشک بیست و سوم (مهرداد) دوران سلطنت ۴۹ م

اشک بیست و چهارم (ون دوم) دوران سلطنت ۵۱ م

اشک بیست و پنجم (بلاش اول) دوران سلطنت ۵۱ تا ۷۸ م - برادر اردوان سوم ون دوم بوسیله مجلس مهستان به پادشاهی رسید وی با برادرش بلاش اول در اداره مملکت شریک بودند بعد از مرگ ون بلاش به مقام سلطنت رسید او مردی مهربان کاردان و سلح دوست و معتقد به دین زردشت بوده وی جمع آوری اوستا را آغاز نمود که تا زمان اردشیر بابکان به پایان رسید در زمان بلاش احیای ایران گری از نو آشکار شد در پشت سکه های بلاش نقش آتشگاهی با یک موبد دیده می شود و برای نخستین بار بعد از هخامنشی ها الفبای پهلوی ضرب گردید بلاش ارمنستان را از رومیان بازپس گرفت و تیرداد پسرش را به روم نزد نرون امپراتور روم فرستاد نرون در جشنی عمومی تاج بر سر تیرداد گذاشت و پیمان دوستی ۵۰ ساله ای را با او امضاء کرد و خود را خراج گذار وی دانست.

اشک بیست و ششم (پاکر دوم) دوران سلطنت ۷۸ تا ۸۳ م - پاکر دوم فرزند بلاش اول بود اما بعد از بلاش نسبت به جانشینی او بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد چون حد واسط این دو پادشاه خلاء مجهولی وجود دارد. وی در سال ۱۰۸ میلادی درگذشت اما مجلس

مهستان به جای دو پسر او برادرش خسرو را برای سلطنت انتخاب کرده بود.

اشک بیست و هفتم (اردوان چهارم) دوران سلطنت ۸۰ تا ۸۱ م

اشک بیست و هشتم (خسرو) دوران سلطنت ۱۰۹ تا ۱۳۰ م

اشک بیست و نهم (بلاش دوم) دوران سلطنت ۸۷ تا ۱۴۸ م

اشک سی ام (مهرداد چهارم) دوران سلطنت ۱۳۰ تا ۱۴۸ م

اشک سی و یکم (بلاش سوم) دوران سلطنت ۱۴۸ تا ۱۹۱ م

اشک سی و دوم (بلاش چهارم) دوران سلطنت ۱۹۱ تا ۲۰۸ م

اشک سی و سوم (بلاش پنجم) دوران سلطنت ۲۰۸ تا ۲۱۳ م

اشک سی و چهارم (اردوان پنجم) دوران سلطنت ۲۱۳ تا ۲۲۴ م

اشک سی و پنجم (ارتاواز) دوران سلطنت ۲۲۴ تا ۲۲۸ م

گفتار پنجم

کسرایان قدرتمند سلسله ساسانیان

نیروی اصلی مخالفان دولت اشکانی در پارس قرار داشت زیرا این سرزمین خاستگاه هخامنشیان بود و بزرگان آنجا خود را از نسل هخامنشیان و وارث حکومت می دانستند .



ایالت پارس نیز مانند دیگر ایالات در دوره اشکانی از استقلال داخلی برخوردار بود. رئیس خاندان پارس ساسان بود که تولیت معبد آناهیتا در شهر استخر (نزدیک تخت جمشید) را بعهدہ داشت. وی با دختر فرمانروای پارس ازدواج کرد. که بعد ها بابک پسر ساسان توانست حکومت ایالت پارس را به دست گیرد پس از بابک پسرش اردشیر جانشین او شد. او با تبلیغات بر ضد اشکانیان توانست موبدان زرتشتی و ارتش را با خود همراه سازد. اردشیر با فرصتی که از شکست اردوان پنجم پیش آمده بود در صدد برآمد تا اشکانیان را از قدرت برکنار کند، و سرانجام در جنگی که بین سپاه اردشیر و اردوان در دشت هرمزگان در گرفت، آخرین تلاش آخرین پادشاه اشکانی در منطقه هرمزگان خوزستان توسط اردشیر ناکام ماند و با مرگ وی قریب پنج قرن امپراطوری سلسله معظم و آزاد منش اشکانیان به پایان رسید. اردشیر اول در سال ۲۲۶ م در معبد آناهیتای استخر تاجگذاری کرد. و در چهار قرن بعد یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی نیز در این معبد تاج بر سر نهاد که این سلسله بیش از چهار قرن تداوم داشت و قلمرو آنان از شمال به جیحون و ماوراءالنهر، و دریای مازندران و از مشرق به سند و پنجاب و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از مغرب به سوریه و عربستان و مدیترانه می رسید. حکومتی که اردشیر تاسیس کرد بر پایه دین زرتشت و مرکزیت دولت استوار بود. ساسانیان برخلاف اشکانیان که حکومتی آزاد برای تمام طوایف، اقوام و احزاب و ادیان بوجود آورده بودند قدرت کشور را در خود تمرکز داده و با اقتدار بسیار بر همه ی ولایت کشور

نظارت می کردند این دولت با عظمت چنان شأن سیاسی خود را بالا برد که در آن عهد دنیای متمدن بین دو کشور ایران و روم تقسیم می شد .

از نظر مسائل خارجی ساسانیان با کمال شهامت در سه جبهه ، محاربات خود را با دشمنان و متجاوزین ادامه می دادند . در مغرب با رومیان در مشرق با کوشانیان و هیاطله و در شمال با اقوام وحشی و صحرا گرد . همچنین مشکل ارمنستان نیز بخشی از کوشش آنها را مصروف خود می داشت .



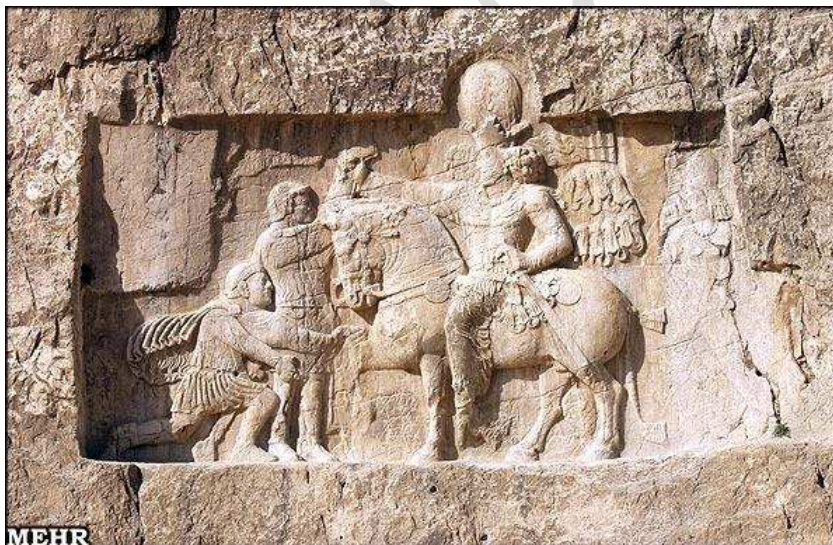
کازرون -

ستون های یادبود

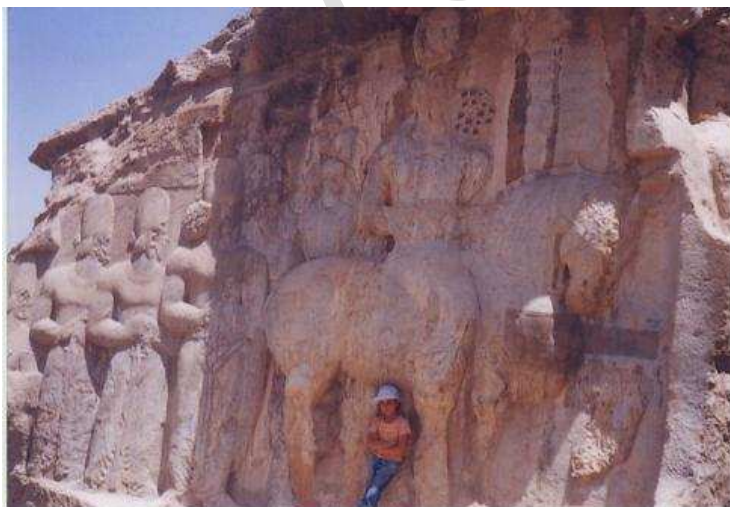
سلاطین ساسانی شکوه و جلال سلطنت هخامنشیان را تجدید نموده و یک فصل برجسته و درخشانی را بر تاریخ ایران افزودند. ایرانیان این سلسله را نه تنها به خاطر عظمت و اقتدارشان تجلیل و احترام می نمایند.

بلکه به واسطه احیاء دین زرتشت و فرهنگ و تمدن گذشتگان، توسعه معماری _ صنعت _ اقتصادی درخشان _ آموزش و پرورش و امر کتابت و استفاده از علم و فنون غرب و شرق و ... نیز مهم می دانند.

شاید دانشمندان و مورخین اروپایی دوره ساسانی را بدینواسطه با اهمیت می دانند که وقایع تاریخی ایران در این دوره از حالت داستان های قدیمی صورت تاریخی به خود می گیرد.



بی شک یکی از خوشبختیهای خاندان ساسانی بوده که برای ریختن شالوده یک امپراتوری جدید و استحکام مبانی آن ، دوپادشاه مقتدر و اندیشمند پشت سر هم آمدند اردشیر و فرزندش شاپور را می توان به کورش کبیر و داریوش کبیر تشبیه کرد . هرچند که این دو پادشاه هخامنشی خصایل و صفات بالاتر و کامل العیارتر از آن دو پادشاه ساسانی بودند. این دو پادشاه مانند داریوش کبیر گو اینکه سربازان جنگجوی فاتحی بودند اما بیشتر خود را یک نفرمدیر و اصلاح کننده نشان دادند . چنانکه عملیات مهم و نمایان آنها در شهر ها مانند حجاری و نقوش برجسته و نیز ابنیه عظیم و اصلاحاتی را که در عصر خود ایجاد نمودند این مطلب را مدلل می دارند. از این رو بر اساس روایات تاریخی وفات آنها موجب تأثر و سوگواری عموم ملت گردید.



اقدامات مهم اردشیر بابکان



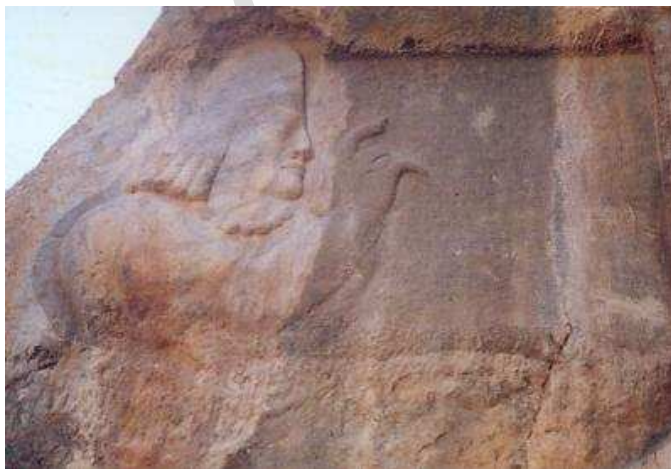
۱. استقرار وحدت سیاسی: اردشیر چون به قدرت رسید خاندان های مخالف خود را در هم شکست و شیوه ملوک الطوایفی را برانداخت او تمام مملکت را تحت اداره مستقیم

دولت مرکزی ساسانی در آورد و بزرگان پارس و همچنین تمامی متحدین خود را به مقامات قضایی، سیاسی و نظامی منصوب کرد. اردشیر برای اداره منظم قلمرو وسیع خود نظام اداری گسترده ای به وجود آورد که فردی به عنوان وزیر اعظم (بزرگ فرمذار) در رأس آن قرار داشت. وی بیشتر ایام سلطنت خود را صرف تحکیم امور داخلی ایران کرد و تنها یک مورد تجاوز رومیان را پاسخی دندان شکن داد و این جنگ موجب پیروزی ایران و خراجگذار شدن رومیان گردید.

۲. ایجاد وحدت دینی، هنر، خط و زبان: علاقه ای که اردشیر از زمان جدش ساسان به دین زردشتی و معابد آن‌ها پیدا داشت باعث همراهی موبدان با او شد، بنابراین کرتیر موبدان موبد بالاترین جایگاه مذهبی کشور را عهده دار شد و پیوند زردشتیان سراسر کشور برقرار گردید.



ایجاد حکومت مرکزی و دین رسمی در کشور ، تغییرات بزرگی در اوضاع اجتماعی ، فرهنگی و هنری این دوره ایجاد کرد ، بطوریکه بدون در نظر گرفتن بافت و ساختار حکومت در این عصر ، درک و شناخت مفاهیم هنری بسیار مشکل و گاهی غیر ممکن به نظر می رسد . در هنر ساسانی اندیشه مذهبی به نحو دقیقی مجسم شده ، بطوریکه بررسی و پژوهش هنر این دوره در نهایت به تصویر شناسی مذهبی می انجامد . آثار هنری ایران در دورانهای پیشتر هیچگاه یا چنین اطمینانی از وحدت و اتحاد دین و دولت را بیان نکرده است . هنر ساسانی نمودار احترام و تعلق ساسانیان به آئین مزدیسنا و زرتشت است . برای مثال بر پشت سکه های ساسانی سراسر این دوران نقش آتشکده به چشم می خورد . تاج شاهان ساسانی جنبه سمبولیکی پیچیده ای دارند که با آئین زرتشت پیوند ناگسستنی خود



را نشان می دهند . مثلاً نقش هلال ماه مظهر آناهیتا و پرتو خورشید سمبل مهر (میترا) و بالهای شاهین مظهر ورثرغش ، تشری است که آگاهانه و منضبط در هنر ساسانی تجلی می کند و فقط با درک شناخت این سمبلها ست که درک مفاهیم هنری و مذهبی امکان پذیر می گردد .

خط و زبان ساسانیان زبان پارسی یا پهلوی ساسانی و خط آنها مأخوذ از خط آرامی است . ایرانیان برای نویسندگی در رشته های گوناگون هفت خط داشتند که متأسفانه آگاهی ما از سه نوع از آن خط ها فراتر نمی رود .

۱. خط دین دبیره برای نوشتن اوستا بکار رفته

۲. آدم دبیره که خط عمومی کتابها و نامه ها بوده

۳. گشته دبیره که برای نوشتن روی سکه ها ، مهر ها و قباله ها بکار

می رفته



شاپور اول (شاپور بزرگ)

بعد از اردشیر بابکان فرزندش شاپور زمام امور ایران را بدست گرفت، ابتدای حکومت شاپور با شورش ارمنستان و حران همراه بود، شاپور پس از فرو نشاندن شورش های داخلی متوجه تصرف سرزمین های

تحت سلطه رومیان گردید و جنگ اول خود را با رومیان که مدت سه سال طول کشید (۲۲۴-۲۲۱ م) آغاز کرد که با پیروزی شاپور، امپراتور روم در شورش توسط سپاهیان خود به قتل رسید. جنگ بعدی شاپور با رومیان به سال (۲۵۸ م) آغاز گردید و دو سال به درازا کشید در این جنگ که با پیروزی شاپور و شکست رومیان انجامید امپراتور روم والرین به اسارت در آمد و تا آخر عمر در شهر بیشاپور در قصری که مخصوص او ساخته شد و هنوز بقایای آن برجاست زندگی کرد. (بیشاپور در ۲۰ کیلومتری شهر قباد شهرستان کازرون کنونی واقع در جنوب غربی استان فارس) در زمان شاپور اول همانند دوران پدرش اردشیر ایران در اوج قدرت و افتخار بود و این شاه مقتدر در امور داخلی نیز اصلاحات ارزنده و فراوانی انجام داد.



کازرون
غار شاپور



یک موقعیت ویژه جغرافیایی

پایتخت تاریخی بیشاپور: واقع در جنوب غرب شهرستان کازرون

شهرستان کازرون: واقع در جنوب غرب استان فارس

استان فارس: واقع در جنوب غرب کشور ایران

کشور ایران: واقع در جنوب غرب قاره آسیا

تندیس شاپور اول پادشاه ساسانی در شمال شهر تاریخی بیشاپور واقع در غاری بزرگ و دیدنی در دل کوه زاگرس می باشد که این مجسمه عظیم سنگی بیش از ۷ متر ارتفاع و بیش از ۳۰ تن وزن دارد.

این شاهکار هنری بسیار زیبا در یورش وحشیانه تازیان به ایران سرنگون و خراب شد که متأسفانه از ناحیه هر دو پا و هر دو دست و قسمتی از صورت و تاج آسیب جدی دیده است. تندیس بزرگ و زیبای دیگری که به صورت نیم تنه شاپور اول در قسمت جنوبی شهر بیشاپور وجود داشته است که این مکان هم اکنون به علت وجود دو ستون سنگی بزرگ به میدان ستون های یادبود معروف است، این اثر تاریخی نیز به علت در دست رس بودن همراه با ستون ها و سر ستون های زیبای شهر در حمله تازیان به کلی نابود شده اند.

شاپور دوم (شاپور ذوالاکتاف)

از دیگر شاهان معروف ساسانی شاپور دوم است. این پادشاه بطور فوق العاده ای مدت هفتاد و یک سال با اقتدار سلطنت کرده و دوران پادشاهی وی معاصر باده امپراطور روم بوده است که اول آنها گالرنوس و آخرین آنها والن سی نین می باشد. که در این دوران شاپور شاه دایماً با آنان گلاویز بوده و همیشه سربلند و پیروز بیرون آمده است.

دوران طولانی سلطنت مستحکم شاپور به دوره هایی چند تقسیم می شود که قسمت آن عبارت از ۲۵ سال پیش از جنگهای او با روم بوده است این پادشاه جوان زمام امور را در شانزده سالگی مستقلاً به دست گرفته و سیاست خارجی او بسیار هوشمندانه بوده که مدتها رویه دفاعی داشته است. بعداً با تهاجم اقوام و طوایف مجاور مخصوصاً اعراب که دایماً شهرهای مرزی را مورد غارت و تجاوز و قتل عام قرار می دادند. بنابر این پادشاه جوان رویه تعرضی و هجومی اختیار کرده و شخصاً فرماندهی جنگ ها را به عهده می گرفته است. اولین لشکر کشی مهم وی دفع متجاوزین جنوب شرقی بود وی زمام امور کشور را به ملکه مادر، سپرده و خود شخصاً وارد کارزار گردید. طبق نظر محققین و مورخین می توان گفت اولین بار بعد از لشکر کشی عظیم دریایی خشایار شاه به یونان است. که یک نیروی دریایی بزرگ در خلیج فارس دست به عملیات جنگی زده است شاپور در این لشکر کشی تمام متجاوزین شرقی را فرمانبردار ساخت و تمامی خاک عربستان را مورد تاخت و تاز قرار داد و عده ای را

از دم تیغ گذرانده آبادیهایشان را ویران کرد و سرکردگانشان را اسیر نموده دستور داد کتف آنان را سوراخ کنند و ریسمانی از آن بگذارند آنها را در تمامی شهرهایشان آویزان کنند . از این زمان تا پایان عمر سلسله ساسانیان که زمان پادشاهی یزد گرد سوم بود آنان دیگر هرگز نتوانستند فکر تجاوز به خاک ایران را در سر پیورانند و تهدیدی جدی بحساب آیند به همین دلیل در تاریخ لقب شاپور ذوالاکناف برای این شاه مقتدر ماندگار شده است.





آتشکده نیاسر



بهرام گور

پادشاهی بهرام

از دیگر پادشاهان خاندان ساسانی بهرام گور است. احساسات یا مهر و علاقه ای که از طرف ایرانیان نسبت به بهرام هنوز هم ابراز می شود از این جهت است که او همیشه و در تمامی اوقات نمونه یک شکارچی مقتدر و پهلوان که با شیران دست و پنجه نرم می کرده باقی مانده و آن تا این پایه است که او به گور حیوانی که شکارش مورد علاقه وی بود مکنی شده و آن همیشه با اسمش به طور قابل غیر انفاک همراه است. او در آخر کار در نزدیکی اسوپاس ، جنوب غربی آباده در تعاقب گور خری در یک ریگ روان یا باتلاقی نقد حیاتش را از کف داد. چنانکه عمر خیام در این باب گفته است :



بهرام که گورمیگرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت (تعداد کمی از نسل گورخر های مورد علاقه بهرام هنوز در منطقه بهرام گور استان فارس وجود دارد که در حال انقراض اند)

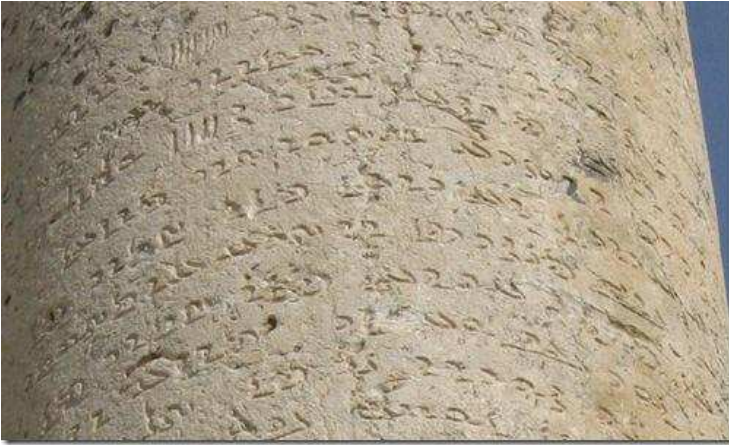
سلطنت و حکم فرمایی این پادشاه بزرگ را می توان خیلی خلاصه کرد و گفت که او جنگجویی موفق در میدان بوده و در امورات داخلی قانون و عدل و داد را بدون تبعیض مجری داشت.

زراعت و کشاورزی و علم و دانش ، ادب ، پیشه و هنر را ترویج نمود . عشق به شکار و تفریح هیچ وقت او را از انجام وظایفش باز نداشت و هنگام وفاتش در ۴۴۰ میلادی ایران در اوج قدرت و عظمت بوده است.

سلطنت قباد

این پادشاه حدود ۴۰ سال سلطنت کرده است ، ممکن است که او یکی از بزرگترین پادشاهان سلسله خود به شمار نیاید اما در این شک نیست که در امور لشکری مقام بلند و ارجمندی دارا بوده و می توان گفت علاوه بر مسائل لشکری در مسائل کشوری و سیاست هم یدی بسزا داشته است تفصیل و جزئیات ۱۰ سالی را که او در جنگ با هیاطله ، همان قبایل وحشی که قشون ایران را شکست داده و فیروز را به قتل رسانیدند محتمل است که سابقه قباد و شرح حال او زیاده از آنقدریکه هست درخشان و قابل ستایش و احترام باشد. او شهرهای زیادی بنا نمود که از آنجمله شهر کازرون معروف واقع بین بوشهر و شیراز می باشد که از شهر بیشاپور

چندان فاصله ندارد و دیگر گنجینه از بلاد قفقاز که از بناهای قباد است که آن را الیزابت پول می نامند. در هنگام مرگش در منتها درجه عظمت و اقتدار بود و برای اخلافش ارتشی باقی گذاشت که در جنگهای با روم و با هیاطله کاملاً ورزیده و در فنون حربی کار گشته و مجرب و ماهر بودند.



خط پهلوی

خسرو اول انوشیروان عادل

یکی دیگر از شاهان به نام و معروف ساسانی انوشیروان عادل است . این پادشاه که غرب او را خسرو و شرق او را کسری می نامیدند حقاَ یکی از بزرگترین و نامی ترین پادشاه سلسله ساسانی می باشد. او خیلی طرف

مهر و علاقه پدرش قباد بود و بیش از همه فرزندان او را دوست می داشت چه تولد او در نیشابور با مرگ ولاگاس و برطرف شدن جنگ خانگی تصادف کرده و این تصادف را او به فال نیک گرفته و طالع وی را میمون دانست

اتفاقات مهم دوران او:

- ۱_ اعدام مزدک و برچیدن بساط او
- ۲_ صلح با روم امپراتور ۵۳۳ میلادی و خراجگزار شدن امپراتور روم به ایران
- ۳_ پیشرفتهای روم در افریقا و ایتالیا ۵۳۹ میلادی
- ۴_ فتح انطاکیه توسط انوشیروان عادل ۵۴۰ میلادی
- ۵_ فتح لازیکا به دست ایرانیان ۵۴۰_۵۵۷
- ۶_ دومین صلح با روم ۵۶۲ میلادی و خراجگزار بودن امپراتور روم
- ۷_ ظهور ترکان و هم پیمان شدن با انوشیروان عادل
- ۸_ شکست و مطیع ساختن هیاطله
- ۹_ شکست و مطیع کردن طائفه خزر

۱۰_ فتح عربستان توسط خسرو انوشیروان ۵۶۷ میلادی

۱۱_ جنگ با اتراک

۱۲_ جنگ سوم با روم ۵۷۹-۵۷۲ میلادی

و ۵۶۷ میلادی

چگونگی جنگ با روم

با کمال تعجب ژوستن امپراتور روم از معاهده چشم پوشیده و عهد صلح را نقض کرد وی از قوه و اقتدار ایران سخت نگران شده و ترسید که ایران به کلی تعادل و توازن را بهم بزند، علاوه بر آن پادشاه بزرگ ایران آنوقت سنش هفتادوپنج سال بود و ژوستن چنین کمان کرد که او پیرو ضعف شده و نمی تواند بر پشت اسب نشسته و جنگ را رهبری کند . غافل از اینکه این شیر پیر هنوز قوی و خطرناک بوده چنانکه به مجرد احساس خطر شخصاً فرماندهی قوا را به عهده گرفته با سپاه عظیمی امواج روم را که تصیبین را محاصره کرده بودند شکست داده و تا دارا آنان را تعاقب نمود و آن شهر را هم محاصره کرد. در همان هنگام با اعزام لشکری از قوه طیار از گارد جاویدان مرکب از ده هزار سوار زبده به سوریه حمله برده و اطراف انطاکیه را آتش زده شهر اپاما را خراب کرد و بعد از برپادی تمام آن نواحی به سرعت برگشته جلو دارا به انوشیروان ملحق گردیدند. (طیار سپاهی از گارد جاویدان بود که دارای سواره نظام

سبک اسلحه بود که به سرعت از جایی به جایی هجوم می بردند و شیوه آنها جنگ و گریز بود این ارتش در تمام دوران پارتیان و ساسانیان برقرار بود)

بر اثر این شکست در سال ۵۷۳ میلادی ژوستن دیگر نتوانست سلطنت کند و کنت تیبریوس امپراتور جدید روم گشت. در دوران سلطنت عادل انوشیروان تمامی احزاب و ادیان از آزادی کامل بهره مند بودند از آن جمله است.



کازرون - نگاره سنگی بیشاپور

فعالیت کلیسای ایران با نسطوری در آن زمان واقعا حیرت انگیز بوده است. چنانکه در سال ۵۴۰ میلادی در نتیجه خدمات و مساعی کلیسای نامبرده در هرات و سمرقند تأسیس حوزه اسقفی گردید و نیز برای انتشار دیانت مسیح در چین و هند قدمهای وسیعی برداشته شده مبلغین اعزامی که



کازرون - از نقوش بیشاپور

مقدر بود موفقیت های شایانی کسب کنند تا این اندازه مقید به آداب و رسوم ایرانی بودند که تمام کلیساهای نسطوری که در این حدود تأسیس نموده نام آنها را (معابد ایرانی) گذاشته بودند و همین کارهای مهم و نمایان مذهبی بوده است که افسانه (پرستر جان) از آنها پیدا شد.

خصایل خسرو انوشیروان عادل

خسرو انوشیروان عادل در تاریخ ایران به مثابه کوروش کبیر و داریوش بزرگ می ماند . صفات او هویداست که آمیخته با قدرت و عدالت هردو بوده چون وی در حالی که با کفایت و با قدرت بود با ملت نیز با رأفت و مهربانی رفتار می نمود.

قصص و حکایات بسیاری از این پادشاه نقل شده است.

از آن جمله طبری و مسعودی می نویسند : عظمت و شکوه کاخ کسری به سفیر امپراتوری روم نموده شد و آن مورد تحسین وی واقع گردید.

ولی او وقتی که ملاحظه نمود که شکل مربع عمارت در جلو بی قاعده و نامنظم است با تعجب علت را جویا شد. اطلاع دادند پیرزنی خانه ای موروثی متصل به کاخ را مالک است که به هیچ قیمتی حاضر به فروش نشد و انوشیروان عادل هم نخواست آنرا به زور بگیرد.

سفیر روم به یکباره فریاد زد این نامنظمی و نقص به مراتب زیباتر از مربعی می باشد که به تمام معنا کامل است.

اصلاحات مالی و آئین جدید او در اخذ مالیات

از کارهای او سامان دادن به نظام مالیاتی کشور و تشکیل ارتش ثابت و منظم با حقوق معین و همچنین جلوگیری از سو استفاده و تجاوزاتی که در حقوق و جیره طبقات مختلف جامعه بعمل می آمد.

وی در فلاح و کشاورزی هم قدمهای وسیعی برداشته از آنجمله برای آباد کردن اراضی بایر کشاورزان را بدادن بذر، افزار و حیوانات لازم بهره مند می نمود و این عمل مخصوصاً در تمام مدت سلطنت او جریان داشت. او اصرار داشت که هر مرد و زنی ازدواج و نیز کار کند. کاهلی و گدایی هر دو در دوره این پادشاه جزو جرائم مستوجب تنبیه و سیاست شمرده می شد. به امنیت راهها و شوارع اهمیت داده و مسافری و جهانگردان را تشویق کرد که به ایران سفر کنند. از جمله هفت نفر از حکمای فلاطونی جدید یونان بودند که ژوستی نین آنها را تبعید کرده بود به گرمی از آنها پذیرایی نموده و همه نوع نوازش و محبت در مورد آنها مدعی می دانست.

این پادشاه با کثرت مشاغل و توجه به مسائل و امور زیاد از فرا گرفتن علم و دانش غفلت نمی ورزید. او حکمت ارسطو و افلاطون را در یک ترجمه فارسی که به امر او صورت گرفته بود خواند در جندی شاپور دانشگاهی تأسیس کرد که در آنجا علم طب به طور خاص تدریس می شد.

در صورتیکه از تعلیم حکمت و فلسفه و سایر فنون ادبی هم غفلت نمی شد.

در این دوران یک (خود ای نامک) یعنی کتاب شاهان مشتمل بر تاریخ مشهور ایران نیز تدوین گردید و از نظر عده ای این همان کتابی است که فردوسی اساس حماسه ی رزمی معروف خود را بر آن قرار داده است، حتی از هند کتب و آثار پیل پای (کلیله و دمنه) و همچنین بازی چاترانگه یا چهار درجه آورده شد. بازی چهار درجه وقتی که ایرانیان آنرا انتخاب کردند اسمش را شطرنج گذاشته و لفظ شاه نیز از طرف فرزندان وفادار ایران به آن الحاق و متصل گردید. همچنین کرم ابریشم (تخم نوغان) را از ختن که دور دست ترین بلاد بود آوردند.

حقیقتاً در این عصر ایران مرکز تبادل افکار بین شرق و غرب بوده است. ما فتوحات درخشان این پادشاه را ذکر کردیم و چنانچه سایر کارها و اصلاحات مهم کشوری او را ضمیمه کنیم اینجا عدل و داد و لیاقت و استعدادش در حسن و تربیت و انضباط، وسعت نظر و بلندی افکار او در تساهل مذهبی و بالاخره فطانت و هوش یا عقل و درایت وی یک شخصیت فوق العاده ای را در نظر ما مجسم می سازد.

در پایان چون شرح حال خسرو انوشیروان عادل تمام نخواهد بود مگر اینکه از وزیر معروفش بزرگمهر هم ذکری به میان آید. این مرد برجسته ابتدا توجه شاهانه را به خود جلب نموده برای آموزش و پرورش فرزندش

هرمز تعیین گردید . اگرچه هرمز در بدو امر صدمه ای به احساسات این استاد وارد آورده و او را از خودش رنجاند ولی بعداً پوزش خواسته همه نوع محبت و احترام به او می نمود ، بزرگمهر زود کارش بالا گرفته به منصب وزارت رسید و می توان اعا کرد که پاره ای از اصلاحات کسری را می توان به حسن کفایت و کاردانی او منسوب داشت.

خسرودوم (پرویز)

عظمت کسرایان ساسانی



عظمت و شکوه دربار شاهان ساسانی و تجملات آن حیرت انگیز بود به طوری که در تاریخ عالم نظیر آن در هیچ یک از سلسله ها دیده نشده است. نقل می کنند بضی از سلاطین روم در طرز لباس و نیز در رسوم و آداب درباری از پادشاهان ساسانی تقلید می نموده اند تخت گاه بزرگ

شاه نمونه کامل از هشمت و جلال بوده است که از جمله نقایس آن یکی قالی زربفتی معروف به فردوس شاهی یا بهارستان کسری می باشد طول این فرش هفتاد و عرض آن شصت ارش بود میور می گوید این فرش باغی را نمایش می داد که خاکش از طلا و زمین آن از نقره و چمن آن زمرد و جویبارش از لولو و مروارید بوده است و نیز اشجار و اثمار و گلها و ریاحین آن تماماً از خرده های درخشان الماس و یاقوت و سایر جواهرات نفیسه گرانبها تشکیل یافته بود. در زمان حمله تازیان این فرش را تکه تکه کرده بین خود تقسیم کردند این فرش عظیم النظیر و تخت بزرگ زرین که هر پایه آن از یک قطعه یاقوت تشکیل یافته بود و نیز تاج شاهی که به قیمت نمی توان آورد به واسطه حجم و سنگینی زیاد آنرا بر سقف آویزان کرده بودند واقعاً هر بیننده ای را مات و مبهوت می ساخت آیین دربار نیز شاهانه و فوق العاده مجلل و عالی بود دربار از سه طبقه بزرگ تشکیل می یافت اول : صاحب منصبان ارشد و شاهزاده گان بزرگ نامی در سمت راست تخت و گارد شاهی در سمت چپ تخت می ایستادند و استان داران و فرمانداران و نیز پادشاهان دست نشانده پشت سر صف میکشیدند وضع زنان از بیشتر جهات خوب و پسندیده بود یک چنین قانونی که آنها را منزوی کند در کار نبود بلکه آزادی داشته اند البته عده زنان خسرو پرویز در میان شاهان ساسانی از همه بیشتر بوده است و معدک عشق و علاقه خاص او به شیرین بوده است به طوری که از زمان هخامنشیان رسم بوده هریک از پادشاهان یک زن معتبر داشته باشند که عموماً شاه دخت (شاه زاده) بود . عمده مشغولیت و تفریح شاهان ساسانی شکار بوده

است قوش بازی هم از قدیم متداول بوده حتی از میان افسران دربار یکی هم قوش چی باشی بوده است . بازی چوگان نیز در میان پادشاهان ساسانی معمول بود چنانکه در تاریخ پهلوی مذکور داشته که اردشیر _ اردوان _ شاپور اول علاقه زیادی به چوگان داشته اند. از میان پادشاهان ساسانی نه تنها خسرو پرویز بلکه ملکه او شیرین بسیار معروف است آنان نیز در ساعات تفریح چوگان بازی می کردند چنانکه نظامی سروده است.

چو دربازیگه میدان رسیدند پری رویان زشادی می پریدند
روان شد هر مهی چون آفتابی پدید آمد زهر کبکی عقابی
گهی خورشید بردی گوی و گه ماه گهی شیرین گرو دادی و گه شاه

و اما بازی های خانگی و آن شطرنج بود. نواموسیقی بطوری که حجاری ها و نقوش های نگاره های سنگی سراسرایران نشان میدهد مقام بسیار شایسته وارجمندی را دارا بوده است . بنابراین درادیات و صنایع نفیسه ایران بزرگترین پادشاه خسرو پرویز بوده است. امپراطوری گسترده و شکوه و جلال و خزائن و ثروت افسانه ایی او وهمچنین عشق او به زوجه قشنگ خویش شیرین وبالاخره علاقه خاصش به اسب سیاه خود شبذیز درهمه ی عالم معروف وشعرا دراین باب داستان ها وشعرها گفته یا سروده اند . درحقیقت هیچ یک از پادشاهان ساسانی به قدر او فتوحات نمایان نکرده است امپراطوری وی به اندازه امپراطوری اجدادش

هخامنشیان توسعه پیدا کرد و برای مدت ۳۷ سال پادشاهی او تمامی جهان باستان خراجگزار وی گردیدند. واما خسرو پرویز در اواخر سلطنت و در دوران کهولت تندخوی و پرخاشگر شده و اطرافیان خودرامی رنجاند و به آنان مشکوک می شد و گاهی نزدیکان خود را به قتل می رساند بنابراین بر اثر حادثه ایی نزدیکانش از ترس غضب شاه شبانه او را در بستر به قتل رساندند و از این پس امپراطوری وسیع و پهناور این پادشاه بزرگ روبه ضعف وزوال نهاد. پس از او به عینه مانند قبل از سقوط سلسله هخامنشی هرج و مرج شیوع یافته و مدعیانی از اطراف پشت سرهم برای احراز سلطنت باهم به نزاع می پرداختند و تقریباً بلافاصله محو و نابود می شدند اسامی مهمترین آنها عبارت است از : دختران خسرو پرویز - پوران دوخت - آذر میدخت - گشتاسپده - خورزاد - خسرو - فیروز - فرخزاد - هرمز داس تا اینکه بالاخره یزدگرد سوم از تخمه ساسان ونوه خسرو پرویز بر تخت امپراطوری آشفته قرار گرفت .

یزدگرد سوم

در چند سال فرمانروایی یزدگرد شورش هایی در سراسر مستعمرات روی می داد گاهی به مرزهای ایران تعدی می شد در این اثنا دولت آشفته ایران و دولت ناتوان روم که ناشی از جنگ های پی در پی بود با قدرت تازه ایی که دفعتاً در عربستان تشکیل یافته بود روبرو و گشته و این دو امپراطوری بزرگ جهان با حملات دولت تازه ی عربستان که متشکل از طایفه ها و قبایل زیادی از اعراب بود مواجه شدند حملات وحشیانه ی تازیان که

بطور سیل آسا به مرزهای کشورهای همسایه صورت می گرفت دولت ایران را دچار آشفتگی و سردرگمی مضاعفی می نمود بالاخره خالدسر لشکر تازیان که از سرداران و جنگجویان نامی بود با لشکری که بیشتر آن عربهای صحرا گرد و بادیه نشین تشکیل می شد اولین حمله ی مهم خود را از منزل سرحدی کشور ایران موسوم به (خفیر) که چند کیلومتر در عقب کویت کنونی واقع بود آغاز کردند پس از پیشروی در محل والا جا نزدیک مصب دجله و فرات جنگی بین قوای بی شمار تازیان با سربازان ایران در گرفت که با پیروزی تازیها و بدست آوردن غنایم زیادی که نسیب آنان گردید باعث گستاخی و ماجراجویی هرچه بیشتر آنان گردید. از طرف دیگر تصرف دمشق در ۱۴ هجری قمری (۶۳۵) و شکست لشکر ناتوان روم شرقی در یرموک بدست تازیان موقعیت سیاسی و نظامی را به کلی تغییر داد دیگر توقف قشون تازیان در سوریه از آن وقت به بعد لزومی نداشت بنابراین خلیفه وقت عمر توانست این سربازان کار آزموده فاتح را برای تسخیر شاهنشاهی ایران اعزام دارد گذشته از این خلیفه وقت تکلیف جهاد کرده و با قول بدست آوردن غنایم فراوان با انتشار امریه ی فوق در عربها ایجاد حرارت و جوش و خروش نموده از این رو افراد بسیار زیادی از تمام قلمرو به عجله و شتاب زیر سلاح رفته حاضر برای خدمت شدند بالاخره سپاه عظیمی مانند گرگان گرسنه برای تصرف بزرگترین گنجینه ی جهان جمع آوری شد و سعد و قاص به سرداری ان انتخاب شد. عمر نیز به مساعدت اوسی هزار تن از مردان جنگی تحت فرمان خود را در اختیار سعد قرارداد. قبل از حرکت سعد پندی را که (مثنی) در هنگام مرگ داده

بوده کار بست او صحرای عربستان را پشت سر خود قرار داد. در این حال یزگرد لشکری حدود یکصد هزار نفر را به سرداری رستم فرخزاد سپهسالار مشهور ایران برای تعاقب تازیان روانه ساخت. در نبردی که میان نیروهای دشمن و ایرانیان در گرفت. دشمن بافیلان و سواره نظام ارتش ایران مواجه گشت. و تقریباً به شکست نزدیک می شد که ناگهان بادسختی ازمقابل بنابه وزیدن را گذاشت که رمل و شن زیاد به سر و روی سپاه ایران می ریخت برعکس دشمن پشت به طوفان داشت بنابراین از این وضعیت استفاده کرده و افراد زبده دشمن با تیر و کمان چشم فیلان و شتران سواره نظام ایران را هدف قرار داده و صفوف قشون ایران را آشفته ساختند. در همین وقت هلال بن علقمه که در کمین بود تیری به صورت رستم سپهسالار ایرانی فرو نشانند که از درد جانکاه آن شمشیر از دست رستم افتاد و دیگر افراد دشمن او را تکه پاره نمودند که ناگهان علقمه فریاد کرد به خدای کعبه که من رستم را کشتم. این واقعه لشکر یان طوفان زده ایران را بهراس انداخته و سر درگم ساخت. در همین اثنا بارسیدن قوای عمده ای از شام که چون سیل در منطقه جنگی سرازیر می شدند. لشکریان ایران که هیچگاه انتظار چنین عملیات بزرگ و گسترده را از طرف دشمن نداشتند تاب مقاومت نداشته همگی تارومار گشته وعده کمی هم متواری شدند. پس از آن امریه ی عمر سعد و قاص لشکر خود را به کنار دجله رسانیده و شروع به پیشروی بسوی مداین آغاز گردید. در این جا نیز نیروی اعزامی ملکه مادر که بسیار دیر وارد عمل شد نیز در کنار دجله شکست خورد و پایتخت به محاصره درآمد تازیان نگاه خیره شان از آن

طرف رود دجله به طاق کسری افتاد این فرزندان وحشی صحرا به پایه های حیرت انگیز آن که بعضی آوازه اش را دورادور شنیده بودند به هیبت نگریسته یک دفعه صدای هزاران هزار عرب صحرا گرد بلند شد و چنین خیال می کردند منزل مقصودی که خداوند به آنها توسط پیغمبرش وعده داده بود همین جاست از آن سو وضعیت یزد گرد هنوز یأس اور نشده بود و وسایل دفاع را به کلی فاقد نبود، چه دجله که آب آن خیلی تند بودین او و دشمن فاصله انداخته بود و تازی ها که در کشتی رانی بی بهره بودند . یزدگرد می توانست حملات بعدی آنها را بی ثمر گذاشته موقع عبور از آب مدتها آنها را معطل نگاه دارد تا نیروهایش را جمع و جور کند ولی همین که مطلع شد تازیان مداین را محاصره کرده اند شاه از تیسفون خارج شد.

بالاخره جشنی که در پایتخت شاه برای فتح گرفته شده مانند آنچه در



خرطوم در ۱۲ قرن بعد واقع شد باید دانست که آن در پایان یک رشته جنگهایی بوده است بس حیرت انگیز .

در این جا غنایمی به دست تازی ها افتاد که هیچ وقت در مخیله آنها خطور نکرده و از دیدن قصرها و عمارات مجلل وبا شکوه و بساین و باغهای عالی مات و مبهوت گردیدند . اموال و غنیمت هایی که بدست آوردند حتی از تشخیص آنها عاجز و نمی توانستند بفهمند که چیست . بی شک تخت و تاج و طلاها سایر اشیاء نفیسه و حیرت انگیزی که در خزانه تیسفون بود که از آن جمله اسبی بود از طلای خالص مرسع به جواهرات و سنگهای قیمتی از موضوعاتی است که نویسندگان عرب از شرح و وصف آن خسته نمی شوند.

آری یکی از خاندانهای عالی آریایی که در حدود چهارونیم قرن حکومت و سیادت نموده و آخرین درجه عظمت و جلال را دارا بودند ، تا این حد که امپراطوری روم را واژگون ساختند ولی (بعد به حکم طبیعت) رو به ضعف و انحطاط نهاده به تدریج شکسته و فرتوت شدند. یزد گرد یک عضو حیان و بزدل یک خاندان سلحشور جنگی از ری به اصفهان و از آنجا به کرمان گریخته و سپس به طرف بلخ فرار نمود. او از فغفور چین و افغان ترک کمک طلبید اما فغفور چین تقاضای وی را رد کرد ولی افغان مسئول وی را مورد توجه قرار داده مایل شد به او کمک کند. اما به قول خود عمل نکرد و از یاری به او امتناع ورزیده بالاخره او در یک کلبه

آسیابانی در نزدیکی مرو به قتل رسید. سرنوشت یزدگرد سوم با داریوش سوم (کدمان) با هم مشابهت زیادی دارند.

چگونگی سقوط سلسله ساسانیان

خالی شدن خزانه بر اثر جنگ های مداوم و در نتیجه نارضایتی مردم و همچنین در داخل نیز ملوک الطوایفی همواره در صدد بودند که مجدداً حقوق قدیم خود را بازیابند. از طرفی رقابت شدید شاهزادگان برای بدست آوردن تاج و تخت، اختلافات شدید طبقاتی و جنگهای مداوم با متجاوزین و همسایگان نیرومند، مبانی ارکان جامعه ساسانی را می لرزاند. سرانجام همه عوامل مذکور در زمانی که امپراطوری پهناور ساسانی به اوج قدرت رسیده بود، برای سقوط دست به دست هم دادند، اما ضربه نهایی از طرف دشمن بزرگ و نیرومند ایران یعنی دولت روم وارد نیامد بلکه از طرف قومی بی فرهنگ و تمدن با نیرویی کم و سپاهی نا منظم یعنی تازیان صورت گرفت که به کشته شدن یزدگرد سوم آخرین شهریار ساسانی در سال (۶۵۲ م) انجامید و این دولت قدرتمند پس از ۴۳۰ سال حکومت منقرض شد و از صحنه تاریخ کنار رفت.

مسکوکات ساسانیان

همانطوری که نگاره های سنگی ساسانیان وقایع تاریخی زمان خود را به خوبی منعکس کرده اند، سکه ها نیز هنر و فرهنگ تمدن این سلسله را به طور کاملتر و دقیق تری به ما می نمایاند. ساسانیان از خانواده ای روحانی مذهبی بوده و سال ها تولید معبد آناهیتا در شهر استخر که از اماکن مقدس آن زمان محسوب می شد عهده دار بودند. اردشیر بابکان سر سلسله ساسانی پس از تثبیت حکومتش دین و دولت را باهم درآمیخت و حکومت مرکزی نیرومندی را به وجود آورد که تحول شگرفی در وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری این عصر را ایجاد نمود که انعکاس آن اصلاحات به وضوح بر روی سکه هایش دیده می شود.

مسکوکات این خاندان از جنس طلا، نقره، برنز و آلیاژی از قلع و سرب می باشد که سکه های طلا به دینار و نقره به درهم مشهور بوده و دارای اجزاء بزرگتر و کوچکتر بودند که از چهار درهمی تا نیم درهمی و یک شش درهم که دانگ نامیده می شد. کم ارزشترین سکه ها نیز که از قلع و سرب و خیلی کوچک و نازک بود پیشیز نامیده می شد.

سکه ها از نظر تاریخ گذاری بسیار با اهمیت هستند زیرا این شیء کوچک سندی بزرگ و گرانبها بوده، راهگشای بسیاری از نقاط مبهم و تاریک تاریخ می باشند. این سکه ها از لحاظ طرح و نقش از تنوع زیادی

برخوردارند و نشان دهنده چهره واقعی پادشاهان ساسانی، وضع لباس، طرز آرایش مو و ریش و وسایل زینتی آنان می باشند. بر روی سکه ها القاب شهریاران ساسانی نیز دیده می شود که از این جمله اند: مزدا پرست، خدایگان، ایزدی نژاد، شاهنشاه ایران و غیر ایران، عادل، فاتح و فرآوانی.

پادشاهان ساسانی هر یک دارای یک تاج که کاملاً اختصاصی بوده می باشند مگر در مواقعی که رخ داد مهمی مانند پیروزی یا شکست بسیار مهم اتفاق افتاده باشد شاه ممکن بود تاج جدیدی را اختیار کند، مانند اردشیر بابکان، شاپور اول، شاپور دوم و فیروز (پیروز) به دلیل ذکر شده دارای چند تاج بودند، به طور کلی تاج ها در حقیقت نماد پیوند شاه با نیروی های آسمانی بود و اجزای تشکیل دهنده آن عبارت بودند از: نقش اهورا مزدا، بال های شاهین، مظهر ورثرغن (بهرام الهه آتش و جنگ و پیروزی)، اشعه ها و پرتو ها مظهر میترا (مهر) و هلال ماه مظهر آناهیتا (ناهید). همچنین بر پشت این سکه ها نقش آتشدانی بود که از آن زبانه های آتش به آسمان می رود و بر این شعله ها تصویری از سر ایزدان نمایان است. آتشدان بر چند قطعه ستون و سر ستون و پای ستون استوار است و تصویر نگهبانان آتش که دو موبد با سلاح می باشند در طرفین آتشدان به چشم می خورد.

سکه های طبرستانی

پس از سقوط دولت ساسانی یک از خاندان های بزرگ در شمال ایران به نام گاوبارگان حکومت می کردند و خود را از نسل ساسانیان و منصوب شده توسط یزدگرد می دانستند که این سلسله به مدت ۱۱۹ سال بر تیرستان حکومت کردند نخستین شاه این سلسله گیل فرزند گیلانشاه بود که به ترتیب فرزندش دابویه، فرخان، اسپهبد دازمهر و آخرین آنها خورشید بود که در این مدت به ضرب سکه های یزدگرد و خسرو پرویز مبادرت می ورزیدند و از خود نیز سکه های زیبایی به یادگار گذاشته اند.

این خاندان اصیل بیش از یک قرن در مقابل حمله تازیان مقاومت کرده و از قلمرو خود دفاع نمودند و اسلام را نپذیرفته بر آئین نیاکان خود باقی بودند. در زمان فرخان که تازیان به او لقب (ذوالمناقب) داده بودند خلفای اموی بارها قصد تصرف تیرستان را کردند اما او همیشه پیروز جنگ بود، وی یزید بن مهلب سردار تازیان در زمان حکومت سلیمان عبدالملک را به سختی شکست داد و مجبور به عقب نشینی کرد. تا اینکه بعدها در زمان خلفای عباسی در حکومت خلیفه وقت منصور عباسی، مهدی فرزند منصور با نیرنگ در قلمرو خورشید نفوذ کرد و سپاهیان عباسی به تیرستان راه یافتند و در جنگی نا برابر سپاه خورشید شکست خورد و دروازه های طبرستان گشوده شد سپاهیان عباسیان همه جا را غارت کردند تمامی مردان را کشتند زنان و دختران را ربودند و تیرستان را با خاک یکسان نمودند در این اثنا خورشید در گیلان سپاهی را گرد

آورد و به قصد پس گرفتن تبرستان دوباره بدانجا روی آورد اما در راه خبر یافت که زنان و دختران خاندان او را به بغداد بردند و جوانان را کشتند وی این خبر را نتوانست تحمل کند و از شدت اندوه با زهر به زندگی خود خاتمه داد. این واقعه در سال ۷۶۱ میلادی اتفاق افتاد.



از نگاره بیشاپور - کازرون



نگاره سنگی بیشاپور - کازرون



شاپور اول

سالشمار شاهان ساسانی

اردشیر اول مؤسس سلسله ساسانیان ۲۲۴-۲۴۱ میلادی

شاهپور اول ۲۴۱-۲۷۲ م

هرمز اول ۲۷۲-۲۷۳ م

بهرام اول ۲۷۳-۲۷۶ م

بهرام دوم ۲۷۶-۲۹۳ م

بهرام سوم ۲۹۳ م

نرسی ۲۹۳-۳۰۳ م

هرمز دوم ۳۰۳-۳۰۹ م

شاهپور دوم ۳۰۹-۳۷۹ م

اردشیر دوم ۳۷۹-۳۸۳ م

شاهپور سوم ۳۸۳-۳۸۸ م

بهرام چهارم ۳۸۸-۳۹۹ م

یزدگرد اول ۳۹۹-۴۲۰ م

بهرام پنجم ۴۲۰ - ۴۲۸ م

یزدگرد دوم ۴۳۸ - ۴۵۷ م

هرمز سوم ۴۵۷ - ۴۵۹ م

پیروز اول ۴۵۹ - ۴۸۴ م

بلاش ۴۸۴ - ۴۸۸ م

قباد اول ۴۸۸ - ۴۹۷ م

جاماسب ۴۹۷ - ۴۹۹ م

قباد اول دور دوم سلطنت ۴۹۹-۵۳۱ م که جمعاً ۴۱ سال پادشاهی کرد.

خسرو اول یا خسرو انوشه روان (انوشیروان عادل) به معنی روح جاویدان یکی از معروفترین پادشاهان ساسانی بود که خدمات زیادی انجام داد و در این دوران ایران با اقتدار در سطح جهانی مطرح بود . مدت سلطنت وی ۴۸ سال بود . ۵۳۱ - ۵۷۹ م

هرمز چهارم ۵۷۹ - ۵۹۰ م

بهرام چوبین ۵۹۰ - ۵۹۱ م

خسرو دوم پرویز از دیگر پادشاهان معروف ساسانی بود که در زمان شهریارى او دوران اوج شکوفایی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هنری ایران بود. خسرو پرویز ۳۷ سال مقتدرانه بر نیمی از جهان فرمانروا بود. ۵۹۱ - ۵۷۹ م

قباد دوم ۶۲۸ م

اردشیر سوم ۶۲۸ - ۶۳۰ م

پوران‌دخت دختر خسرو پرویز ۶۳۰ - ۶۳۱ م

آزرمیدخت دختر خسرو پرویز ۶۳۱ م
پوران دخت

خسرو سوم ۶۳۱ م

هرمز پنجم ۶۳۱ - ۶۳۲ م

خسرو چهارم ۶۳۲ م

یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی - ۶۳۲ - ۶۵۱ م



بخش ششم

فرهنگ باستانی اساطیر ایران زمین



(الف)

آکمن - یاری دهنده اهریمن

اکوان - دیو نیمه شیر و نیمه اسب که به دست رستم کشته شد

ایندرا - الهه جنگ و نابودی

آبان بانو - همسر خدای آب

آبان - ایزد آب ها

آبان دخت - دختر الهه آب

ابلیس - دیو یاری رسان زهاک که جای بوسه او مار روئید

اپوش - دیو خشک سالی

آتر - الهه آتش

آتربان - ایزد نگهبان آتش

آتش - نماد اهورا مزدا در زمین

آذر - ایزد نگهبان آتش

آذر میدخت - الهه ضد پیری زنان ، دختر خسرو پرویز که یک سال پادشاه ایران بود

آذریان - فرزندان آتش

آذرگشنسب - آتش جنگجویان در شیز

اردیبهشت - فرشته راستی، اشا، تجسم آتش، ماه، بهشت

آرمتی - اسفند، تجسم زمین، نگهبان آبادانی

آز - دیو حرص، دشمن بهمن

اسماء - دیو، تجسم خشم

اشی - الهه قدرت و توانایی

اشون - پیروان راستی

امرداد - ایزد حامی گیاهان، تجسم جاودانگی

امشاسپندان - جاودانان، هفت نماینده پاکی و راستی اهورا مزدا در
روی زمین

آناهیتا - بانوی آب ها، الهه نگهبان آب، زندگی دهنده، تجسم زیبایی

انگره مینو - روح پلید و ناپاک

انیران - دشمنان ایران

اهریمن - خدای جهان تاریکی، تجسم دروغ

اهورا - خدای راستی و اندیشه

اهورا مزدا - خدای جهان روشنایی، خدای دانا، خدای یکتا، اورمزد

اوپرتات - فرشته زیرکی

اوروازشیست - آتش پاک، آتشی که از چوب خوش بو می سوزد.

(ب)

بردیا - پسر کورش کبیر

برزین مهر - آتش کشاورزان در نیشابور

برمک - الهه نگهبان بهار

بگا - (بغ) خداوند

بهاگا - ایزد سرنوشت

بهرام - خدای پیروزی، تجسم شاهین

بوشاسب - دیو، تجسم خواب

باریا - دهنده خانه

باتو - دیو سحر و جادو

بادپا - نام اسب گردآفرید

(پ)

پارمتی - دیو کج اندیشی

پروشات - دختر پری (پریزاد) همسر داریوش

پری - الهه ضد دیو، همسر سام نریمان
پریسا - دختری پری، الهه نابود کننده دیو
(ت)

ترا - آقامتگاه خدا، قله البرز (دماوند)

ترومیتی - دیو گستاخی

ترتیا - الهه طوفان، ازدهای خشکسالی را می کشد

تشر - الهه باران، تیر

توشنامیتی - الهه آرام بخش

(ج ج)

جهی - دیو هرزگی (زنانه)

چچست - دریاچه مقدس (ارومیه)

چیستا - الهه دانش

چینوات (چینوت) - پل آزمایش افراد نیک و بد (پل صراط)

چیش پش - پسر هخامنش، جد کورش کبیر

جمشید جم - چهارمین پادشاه سلسله پیشدادیان که ۷۰۰ سال پادشاهی کرد وی حامی هنر و موسیقی و دارای فرّ ایزدی بود، در دوران شهریاری او عصر طلایی ایران زمین بود نام جمشید در اوستا زیاد به چشم می خورد از جمله یادگارهای او جشن عید نوروز است وی به سبب ساخت دژ زیرزمینی (وره) مشهور و مورد تمجید می باشد.

(د)

دات - الهه قانون و عدالت

داریوش بزرگ - پادشاه هخامنشی، مصریان به او لقب فرعون بزرگ دادند، ساخت کانال سوئز، ساخت معبد هیبیس مصر، تاسیس ارتش ده هزار نفری سپاه جاویدان و ایجاد عظیم ترین نیروی دریایی، مبدع خط میخی پارسی، تاسیس جاده شاهی از آسیا تا اروپا، تاسیس ضرابخانه ها بخشی از خدمات او به شمار می رود.

دانا - الهه شناخت، تجسم دین و آئین

دروجنسو - دیو تباهی

دیو - نگهبان دروغ و هر پلیدی

دیو سپید - از امرای مازندران کنونی که دارای لشکری بس گران و پر هیبت بود کیکاووس را شکست داد و اسیر نمود

(رزژ)

راتا - الهه بخشش

رپیدوا - الهه تابستان

رشن - ایزد حامی مهر (خورشید)

رع - خدای خورشید، دارنده ثبات

رخش - اسب رستم

رستم - پسر زال، جهان پهلوان، اژدهای دژم، جادوگر، دیو ارژنگ، دیو سپید، کافور آدم خوار و اکوان دیو را کشت ۶۰۰ سال عمر کرد و توسط نابرداری اش کشته شد و او را هم کشت.

زال - پسر سام نریمان، زال شیردل با موی سپید به دنیا آمد او را در کوه البرز (قله قاف) رها کردند ولی توسط سیمرغ بزرگ شد.

زرتشت (زردشت) - اولین پیامبر خدا، نابود کننده اهریمن، آورنده آتش از بهشت، در ۶۵۰۰ ق.م به دست تورانیان کشته شد.

زامیاد - نگهبان زمین

زروان - خدای بزرگ زمان

زهره - همان ونوس یا آفرودایت

زورون - پهلوان اوستایی، تجسم پیر

(س ش)

سپندمینو - روح مقدس و پاک

سپندارمذ - حامی فروتنی و پارسایی، الهه صبر

سروش - ایزد حامی مهر، دشمن دروغ، تجسم جنگجوی مسلح، پیام
رسان فرشته وحی

سریشوک - تجسم گاو

سمندر - الهه متوکل آتش، پرنده ای که در آتش نمی سوزد.

سوروا - دیو هرج و مرج

سوشیانت - سومین منجی بشر، تجسم نوید پیروزی و عدالت

سول - ایزد روز

سوکا - الهه نگهبان نعمت ها

سیاووش - پسر کیکاووس به دست افراسیاب کشته شد، نماد پاکی و
صداقت

سیامک - پسر کیومرث دیو سیاه او را کشت

شهرناز - خواهر جمشید جم

شهنواز - دختر جمشید جم

شهریور - حامی بینوایان، تجسم شهریاری و قدرت

شید - الهه خورشیدی

شیر - تجسم رعد و آتش (آئین مهر)

شبدیز - اسب سیاه که خاص و مورد علاقه خسرو پرویز بود

(ف)

فرشوشتر - همسر زرتشت پیامبر

فرنبرغ - آتش موبدان در فارس

فرانک - مادر فریدون شاه

فروهر - شکوه و بزرگی، نیروی جاودانگی تجسم اهورا مزدا

(ک گ)

کامک - پرنده ای که با باز کردن بالهایش مانع آمدن باران می شد.

کیوان - ایزد هدایت کننده

کیومرث - اولین پیشدادی

گاتا - گات ها، گائنه ها، سروده های زرتشت پیامبر در کتاب مقدس
اوستا

گردآفرید - فرمانده دروازه ایران (دژ سفید) در نبرد با سهراب
شکست خورد

گوش - ایزد نگهدارنده حیوانات

گوپاتشا - تجسم نیمه انسان و نیمه گاو

گلرنگ - نام اسب فریدون

(ن)

ناهید - همان آناهیتا الهه آب ها

نیوک - دیو پلیدی و دروغ

(و)

واج - کلام خدا

وای - ایزد شانس و تقدیر

وارنا - سرزمین مقدس (گیلان)

وته - ایزد بادها

وندیداد - قانون ضد دیو بخشی از کتاب مقدس اوستا

ویسپرد - ستایش آفرینش بخش از کتاب مقدس اوستا

ویسپویش - آشیانه سیمرغ در دریای خزر

ویشورپه - اژدهای خشکسالی با سه سر

ویو - الهی آب و هوا

(ه)

هادیوش - تجسم گاو آسمانی

هرا - اولین کوه مقدس (البرز)

هما - همسر بهمن مادر ساسان و داراب که ۳۲ سال بر ایران شاهی کرد.

هورا - همان هوم، گیاه مقدس باستانی

هور - الهه خورشید

(۵)

یسنا - ستایش ایزدان بخشی از کتاب مقدس اوستا

یمه - همان جمشید، ایزد درخشندگی



منابع و مأخذ:

- ۱- کتاب مقدس اوستا
- ۲- شاهنامه فردوسی
- ۳- کتاب از زبان داریوش
- ۴- فرهنگ نامهای اوستا - هاشم رضی تهران ۱۳۴۶
- ۵- یشت های اوستا - ابراهیم پور داوود
- ۶- تمدن ایران ساسانی - لو کونین، ولادیمیر
- ۷- تاریخ سیاسی ساسانیان - محمد جواد مشکور - تهران ۱۳۶۶
- ۸- تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان - هرمان، جورجینا
- ۹- تاریخ ایران از سلوکیان تا فرو پاشی ساسانیان - احسان یار شاطر - تهران ۱۳۶۸
- ۱۰- تاریخ مختصر ایران - عزیزالله بیات - تهران دانشگاه ملی ۱۳۵۷
- ۱۱- تاریخ سکه از قدیمترین تا دوره ساسانیان - بیانی، ملک زاده - دانشگاه تهران ۱۳۷۰
- ۱۲- راهنمای موزه بانک سپه - تهران

- ۱۳- موزه تماشاگه پول-تهران
- ۱۴- ایران باستان - حسن پیرنیا - تهران ۱۳۴۲
- ۱۵- شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان - پیگو لوسکایا
- ۱۶- تاریخ ایران باستان - دیا کونوف، م.م
- ۱۷- سکه ها و نشان ها و مهرهای پادشاهان ایران - لویی رابینو
- ۱۸- ایران در زمان ساسانیان - کریستین سن آرتور
- ۱۹- میراث باستان شناسی ایران - مسعود رجب نیا - تهران-علمی
فرهنگی ۱۳۴۴
- ۲۰- سکه نشان قومیت و آزادیگی - هنر و مردم -۱۳۵۰- ابوالفتح
قهرمانی
- ۲۱- تاریخ تمدن اثر ویل دورانت
- ۲۲- تاریخ ده هزار ساله ایرا ن
- ۲۳- سرزمین جاوید
- ۲۴- کهن دیار
- ۲۵- ایران در دوره هخامنشیان

- ۲۶- بنیاد اساطیری حماسه ملی ایران
- ۲۷- شاهان هخامنشی
- ۲۸- تاریخ سیاسی پارت - نیلسون دوبواز
- ۲۹- پارتیان - کالج مالکون
- ۳۰- تاریخ ایران و ممالک همجوار - آلفرد گوتشمید
- ۳۱- تاریخ - دکتر ژاله آموزگار
- ۳۲- میراث باستانی ایران - ریچارد فرای
- ۳۳- ایزدان کهن ایرانی - میر چا الیاده
- ۳۴- پژوهشی در اساطیر ایران - مهرداد بهار
- ۳۵- تاریخ مردم ایران - عبدالحسین زرین کوب
- ۳۶- تاریخ سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران - ذبیح اله صفا
- ۳۷- پرستش الهه - مادر در ایران - خسرو قانیان
- ۳۸- نمونه نخستین انسان و نخستین شهریار - آرتور کریستین سن
- ۳۹- اساطیر یونان و روم - پیر گرمال

- ۴۰- ایران از آغاز تا اسلام - پرفسور رومن گریشمن
- ۴۱- ایران باستان - م . موله
- ۴۲- زن در اساطیر ایرانی - عبدالوهاب ولی
- ۴۳- شناخت اساطیر ایران - جان هینلز
- ۴۴- دین های ایران باستان - نیبرگ هنریک ساموئل
- ۴۵- آریو پرزن آخرین سردار هخامنشی - ناصر نجمی
- ۴۶- کتاب کورش کبیر نوشته سعید قانع

پاینده ایران زمین

ای سرزمین جاوید

ای سرزمین مقدس

ای سرزمین پیشگامان یکتا پرستی

ای سرزمین نخستین پیامبر الهی

ای سرزمین نخستین کتاب آسمانی

ای سرزمین پاک سیرتان نیک گفتار و نیک رفتار و نیک اندیش

ای سرزمین فرمانروایان پیشدادیان و کیانیان

ای سرزمین کیومرث ابوالبشر، هوشنگ و گشتاسب

ای سرزمین تخت جمشید و بیشاپور، تیسفون و طاق کسری

دوست دارم، تو را می ستایم، ای ایران

ای سرزمین رستم دستان و آرش کمانگیر، کاوه آهنگر و سیاوش

ای سرزمین جمشید جم، پدید آورنده جشن نوروز

ای سرزمین آریانها، هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان

ای سرزمین کورش کبیر فرمانروای جهان، ای مبدع حقوق بشر، ای
فاتح قلب ها

ای سرزمین داریوش بزرگ، سردار سازندگی، سالار مهد فرهنگ و
تمدن

ای سرزمین سرداران دلیر، هارپاگوس، مازارس و آرتاباز



مجاهد نستوه، رزمنده دلاور، شهید اصغر توانا

دوست دارم، تو را می ستایم، ای ایران

ای سرزمین آرشک و تیرداد، اردوان و فرهاد و مهرداد

ای سرزمین اردشیر بابکان، شاپور و پرویز و نوشیروان

ای سرزمین بهرام گور و قباد، فیروز و بلاش

ای سرزمین جهان پهلوانان، آریوبرزن و سورنا، فرخ زاد و الیاس

ای سرزمین بانوان مقدس، کاساندان، ماندانا و آتوسا

ای سرزمین عاشقان، خسرو و شیرین، بیژن و منیژه، شیرین و فرهاد

ای سرزمین شاعران، فردوسی و رودکی، مولوی و خیام، سعدی و حافظ

دوست دارم، تو را می ستایم، ای ایران

ای سرزمین گاو بارگان، گیل، فرخان و خورشید

ای سرزمین خون و قیام، طاهریان، صفاریان و آل بویه

ای سرزمین سرداران، اسوه های شهامت و شهادت

ای سرزمین خادمین بزرگ، بزرگمهر، امیر کبیر و مصدق

ای سرزمین سپاه جاویدان، امام قلی خان، کوچک خان و رئیس علی،

ناصر دیوان و اصغر توانا

ای سرزمین آب های مقدس، دریای مازندران و خلیج همیشه فارس
ای سرزمین شیر و شمشیر و خورشید طلایی، برقرار باد پرچم سه
رنگت

دوست دارم، تو را می ستایم، ای ایران



سردار شجاع و پشتیبان جبهه جنوب
در جنگ جهانی اول - ناصر دیوان کازرونی

ناصر لشکر

الهی چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار

پایان